انتشارات دانشگاه تهران

۵۲۱

راهنمای سنسکریت

تألیف

پروفسور ایندوشیکهر

استاد سنسکریت در دانشگاه راجپوتانا

واستاد سنسکریت و هندشناسی در دانشگاه تهران

تهران

۱۳۳۷

چاپخانهٔ دانشگاه

تقدیم به دوستداران ادبیات هند و ایران

بخامهٔ استاد پورداود

دیباچه

این نامه که در دستور زبان سانسکریت است، نخستین نامه‌ایست درین زمینه بزبان فارسی . گرد آورندهٔ فاضل ارجمند آن آقای پروفسور ایندو شیکهر Indu Shekhar. اینك دو سال است که استاد این زبان کهنسال است در دانشگاه تهران.

نگارندهٔ این دیباچه شاد است از اینکه این چند سطر را در سر این نامه بیادگار میگذارد، چه ایجاد کرسی چنین درسی در ایران از اوست .

در دوازده سال پیش ازین از دولت هند بدستیاری سفیر آن در تهران درخواستم که استادی ازبرای تدریس سانسکریت در آموزشگاه عالی ایرانشناسی به ایران بفرستد تا بگواهی این زبان، خویشاوندی نزدیك هندوان و ایرانیان بهمدیگر بهتر نموده شود. نخستین استاد این زبان دیرین در پایان سال ۱۳۲۸ خورشیدی بتهران رسید و گروهی از دانشجویان آن آموزشگاه دریافتند که زبانهای اوستایی و پارسی باستان را ، پشتیبان گرانمایه و نیرومندی است ، بنام سانسکریت و آنچه ازما با از میان رفتن پخش بزرگ اوستا ، از دست رفته ، از نامهٔ آسمانی ودا Veda میتوان بدست آورد.

از بخت بد بیش از سه سال نتوانستیم آن آموزشگاه را پایدار بداریم . پس از آن از رئیس دانشگاه آن وقت جناب دکتر علی اکبر سیاسی درخواستم که

کرسی زبان سانسکریت را درخود دانشکدهٔ ادبیات پایدار بدارد. از آن تاریخ است که دانشگاه تهران ازچنین درس سودمندی برخوردار است .

همهٔ دانشگاه های بزرك اروپا و امریکا از چنین درسی بهره‌ور است ، دانشگاه تهران بآن برازنده‌تر است ، چه این زبان بازبانهای باستانی ایران چون اوستایی و پارسی باستان فقط تفاوت لهجه دارد . این است که این زبانهای آریایی را خواهران همدیگر خوانده‌اند . آری این زبانها را یك ریشه و بنیاد است وهریك بجای خود و زمان خود گویش نیاگان ما بود . چنانکه میدانیم از زبان اوستایی چهار یك آن بجای مانده و از زبان پارسی باستان همان اندازه بجاست که در سنگنبشتهای پادشاهان هخامنشی کنده گری شده‌است. کم و کاست زبانهای ایران زمین را بخوبی‌زبان دیرین هند جبران میکند .

باید یادآورشد که در سدهٔ نوزدهم میلادی برخی از دانشمندان ، از برای دریافتن مفهوم درست اوستا ، بسانسکریت روی آوردند و از چهار دیوار گزارش سنتی‌نامهٔ دینی ایرانیان که بنیاد استواری ندارد بدرآمدند . انچنین بسیاری از واژه‌ها و جمله‌های اوستا را که گذشت زمان و آسیب روزگار دوراز فهم کرده بود ، دگرباره روشن کردند .

از روزی که بورنوف Burnouf خاورشناس فرانسه هات (فصل) اول یسنا را با یادداشتهای فراوان درسال ۱۸۳۳ و هات نهم یسنا را در سالهای ۱۸۴۶ ـ ۱۸۴۰ میلادی انتشار داد ، اوستا شناسی پایهٔ علمی گرفت در همان زمان دانشمند آلمان بوپ Bopp بسنجش زبانهای هند و اروپا ، بهمدیگر پرداخت و پیوستگی زبانهای آریایی هند و ایران بهمدیگر ، هویداتر شد .

خود بورنوف را ترجمهٔ سانسکریت نریوسنك Neryōsang ، موبد پارسیان در پایان سدهٔ دوازدهم میلادی ، راهنما گردید . بورنوف بسا سنجیدن ترجمهٔ سانسکریت نریوسنك با ترجمهٔ فرانسه زنداوستای انکتیل Anquetil که درسال

۱۷۷۱ انتشار یافته بود ، دریافت که ترجمهٔ او اساس درستی ندارد[1] و باید از سانسکریت پرتوی بزبان کهنسال دیگر آریایی یعنی اوستا ، افکند. جای سپاسگزاری است که از برای هندوان ذخیرهٔ هنگفتی بجای مانده که امروزه بکار ایرانیان آید و نیازمندیهای ما را درزمینهٔ اوستا وپارسی باستان بر کنار سازد

گذشته از نوشتهای فراوان دینی وداستانی و فلسفه وستاره‌شناسی وپزشکی و جزاینها ، کتابهای کهنسالی هم در دستور زبان سانسکریت مانده از آنهاست اشتادهیایی Aṣṭādhyāyī از پانینی Pāṇini که زمان او را سدهٔ چهارم یا پنجم پیش از مسیح دانسته‌اند ودستوری که در توضیح گرامر پانینی است و موسوم است به مهابهاشیه Mahābhāṣya تألیف پاتنجلی Patañjali زمان او را یك یا دو سده پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند و جز اینها .

برخی ازدانشمندان اوستا وسانسکریت‌دان چون بارتولومه Bartholomae که درسال ۱۹۲۵ میلادی درگذشت از برای نشاندادن خویشاوندی زبان دو گروه آریایی (ایرانیان و هندوان) با همدیگر یك جمله اوستایی را برگزیده ، در زیر هر کلمه معادل سانسکریت آن را نوشته و همان قاعدهٔ صرف و نحوی آن جمله اوستا را بآن کلمات سانسکریت اجرا کرده ، اینچنین یك جمله درست سانسکریت ساخته‌است. گذشته از نزدیکی لغات زبان این دو گروه بهمدیگر ، بسا هم طرز سخن و تعبیرات در اوستا و ودا Veda یکسان است .

چون وجه تشابه زبان اوستایی با سانسکریت بسیار است و این مختصر گنجایش برشمردن آنها را ندارد ، باید کوتاه بگیریم . در پایان یادآور میشویم یك‌رشته لغاتی که درزبان فارسی‌داریم، معادل آنهارا در اوستا وسنگنبشتهای پارسی

۱ـ بهانکتیل درسالهای ۱۷۶۱-۱۷۵۸ در سورت (ازشهرهای هند) اوستا دیکته شده‌است، دستور داراب از پارسیان هند معانی سنتی اوستا را که بنیاد استواری نداشت باو گفته و او از روی همان یادداشتها ترجمهٔ اوستای خودرا مرتب ساخت .

باستان نمی‌یابیم ، زیرا آنچنانکه گفتیم بخش بزرگ اوستا از دست‌رفته و نبشته‌های پارسی باستان‌هم باندازه‌یی نیست که هیئتهای باستانی بیش‌ازپانصدواژه زبان کنونی ما در آنها یافت شود . از آن واژه‌هاست : فرموشیدن = فراموشیدن = فراموش کردن (در سانسکریت پر + مرش pra + marsh) ؛ هنجار (در سانسکریت Sañcāra) ؛ ناهار (در سانسکریت آهار āhāra غذا ، از همین بنیاد است آهار درفارسی) .
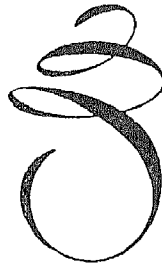
پیشگفتار

نیازی به شرح سبب انتشار کتاب حاضر نیست زیرا با اینکه بستگی بسیار نزدیکی میان زبان سنسکریت وزبانهای ایرانی وجود دارد پیش از این کتابی به فارسی دربارهٔ زبان سنسکریت بوسیلهٔ هیچیك از دانشمندان نوشته نشده است . هنگام ورودم به‌ایران از این قصور در شگفت ماندم بویژه که کتابهای بسیاری در بارهٔ خودآموز زبان سنسکریت به‌چندین زبان اروپایی در دست است . در میان سخنرانیهای درسی خود در دورهٔ دکتری ادبیات فارسی بیشتر این قصور و کوتاهی را دریافتم و بر آن شدم که با تقدیم کتاب خودآموزی درسنسکریت این شکاف را پر کنم تا دانشجویان و دوستداران این زبان با خواندن آن بهره‌یی بر گیرند . ولی پس ازآن آگاه شدم که این کار چنانکه چشم داشتم آسان نبود بلکه در دنبال این تصمیم سختیهای فراوانی پیش‌آمد که بی اندازه موجب پس افتادن انتشار این کتاب شد .

نخستین مشکلی که بدان برخوردم آگاهی اندکم بود از زبان فارسی و این موضوع بستگی پیدا میکرد باینکه درسهای مرا دیگران بفارسی بر گردانند . بعضی از همکارانم که برای یاری خواستن نزدشان‌رفتم کارهای سودمندتری‌داشتند که اوقات ایشان را گرفته بود و من ناچار شدم از « معلّمِ معلّم » که منظورم دانشجویان و شاگردان خودم است یاری بخواهم . حتی پس از اینکه مقداری از درسها بوسیله جناب‌آقای دکترمعین استاد دانشگاه تهران به‌فارسی بر گردانیده و آماده چاپ شد همهٔ آنها یکجا با نسخه‌های اصل بدست مستخدم بی‌احتیاطی گم شد و این پیش‌آمد مرا سخت غمگین و دلسرد کرد . پس از چندی دوباره با گذراندن چهارماه وقت درسها را آماده کردم و به‌چاپخانه‌سپردم . از اینجا بسیاری

از مشکلها آغازشد زیرا حروفچینان چاپخانه از نشانه‌های لاتین که برای واژه‌های سنسکریت بکار می‌رود آگاهی نداشتند و نمونهٔ اینگونه نشانه‌ها در چاپخانه نبود ولازم بود که ساخته شود. ساخته‌شدن این نشانه‌ها بسیار به‌درازا کشید چنانکه در هرهفته بیش از یك نمونهٔ چاپی آماده نمی‌شد وسرانجام انتشار کتاب به‌تاخیرافتاد. وبا کوشش بسیاری که در بی‌غلط بودن کتاب به‌کار رفت غلطهایی در کتاب راه‌یافت. ولی اکنون شادمانم که کتاب منتشر شد و اگر نیازی باشد بخش دوم آنرا نیز به خوانندگان تقدیم می کنم.

در این کتاب ممکن است اشتباهات فراوانی دیده شود که باید بدیدهٔ عفو نگریسته شود و تنها خود را در آن مقصر می‌دانم و باید بگویم که « هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست ».

در اینجا لازم می‌دانم نکاتی را یاد آورشوم :

۱ـ ازآنجایی که زبان فارسی بطور شگفت‌آوری ساده شده است، واژه‌های دستوری سنسکریت برابری در فارسی ندارد. و در واقع باید گفت که ساختمان دستوری زبان سنسکریت ویژهٔ خود آن است و هر کوششی برای برگرداندن اصطلاحات دستوری زبان سنسکریت گرفتاریهایی در بردارد.

۲ـ دربخشی که بطور کوتاه از زبانهای آریایی وتاریخ کوتاهی که ازادبیات سنسکریت داده‌ام کوشیده‌ام که از مطالبی که موجب اختلاف است برکنار باشم و اگر درمواردی مورد سرزنش قرار گیرم، قصوری کرده‌ام و آن نیز غیرعمدی‌است.

۳ـ در ترتیب دادن دروس و قواعد ناچار شدم که حالت تثنیه را که دارای اشکالاتی بود حذف کنم.

٤ ـ از ده نوع زمانها و وجوه تنها پنج نوع آنها را آوردم زیرا بقیهٔ آنها برای دانشجویان پیچیده ومشکل است.

٥ ـ ریشه‌های حالتهای میانی **(Preposition)** و کلمات غیر متصرف **(Indeclinable)** را در جزو دستهٔ قیود **(Adverb)** قرار دادم.

٦ـ ریشه‌های حالتهای‌میانی **(Middle-Voice)** را تنهابه‌یك‌شماره‌محدود کردم.

۷- از آنجایی که فارسی جدید کمتر دارای حالت مجهول (Passive-Voice) است برای کم کردن اشکال، مقدار لازمی از اینگونه حالتها را شرح دادم.

۸- بخش مربوط به الفبا و خط «دوناگری» را برای آشناساختن دانشجویان به شکل وطرز این حرفها اضافه کردم.

۹- چون دانشجویان بیشتر آشنا با خط لاتین هستند، بیشتر واژه‌های سنسکریت را به این خط آوردم ولی دانشجو می‌تواند بآسانی با فراگرفتن خط دوناگری آنها را به‌این خط بر گرداند وبتواند متن‌های سنسکریت را - که مقدار آنها کم نیست - فراگیرد.

درپایان باید ازهمکاران و دوستان و شاگردان خود که در این کار از هر نظر مرا یاری کرده‌اند سپاسگزاری کنم.

جناب آقای استاد پورداود که بر این کتاب پیشگفتاری نوشته و مرحمت فرموده‌اند.

جناب آقای دکتر محمد معین و آقای دکتر نگهبان استادان دانشگاه تهران دوست گرامیم آقای آریان پور و دوست گرامیم آقای ماتور عضو سفارت کبرای هند.

نیز از شاگردان خود مانند:

آقای تقی مینا ودوشیزه سودابه دهدشتی وبانو کریمی ودوشیزه بدری قریب وآقای هوشنگ جوانمرد وآقای محمدمسعود سادات ناصری، که درواژه‌نامه ونیز غلط گیری چاپخانه مرا یاری کرده‌اند، سپاسگزارم.

وسرانجام از شاگرد باهوش وزیرك خود آقای احمد تفضّلی که بدون وجود همراهیهای مؤثر ایشان این کتاب مسلماً هنوز درمراحل ابتدایی چاپ باقی میماند و بدین صورت در نمی آمد، سپاسگزارم. و تشکرات قلبی فراوان خود را بدو تقدیم می‌دارم.

نیز از کارکنان و کارگران چاپخانهٔ دانشگاه که در کار چاپ نهایت کوشش را کرده‌اند، سپاسگزارم :

در پایان از اولیای دانشگاه که کتاب مرا جزو سلسله انتشارات دانشگاه قرار داده‌اند بویژه ازجناب آقای دکتر سیاسی ریاست محترم دانشکدهٔ ادبیات که کوشش بسیار در انتشار این کتاب فرموده‌اند، سپاسگزاری می کنم.

امیدوارم که این نخستین کتاب فارسی دربارهٔ سنسکریت مورد استفادهٔ دانشجویان و دوستداران زبان سنسکریت قرار گیرد و راه را برای مطالعات بعدی در چنین موضوعی که میراث عمومی ماست هموار نماید و به روابط نزدیک‌تر میان هندو ایران کمک کند.

ایندو شیکهر

باشگاه دانشگاه تهران

اول اسفندماه ۱۳۳۷

فهرست مندرجات

بخش نخست — صفحه

موضوع | صفحه

موضوع	صفحه

موضوع | صفحه

نشانه‌های اختصاری

ABBREVIATIONS

a.	adjective	(صفت)
adv.	adverb	(قید)
f.	feminine	(مؤنث)
ind.	indeclinable	(غیر متصرف)
int.	intesjection	صوت
m.	masculine	(مذکر)
n.	neuter	(خنثی)
num.	number	(عدد)
part.	particle	(جزء)
pr. pl.	present participle	(اسم مفعول معلوم)
pt. pl.	past participle	(اسم مفعول مجهول)
pt. pf.	past perfect	(ماضی نقلی)
pro.	pronoun	(ضمیر)
prop.	name	(اسم خاص)
prep.	preposition.	(حرف اضافه)
v.	verb.	(فعل)
√.	root of verb.	(ریشهٔ افعال)

آغاز زبان سنسکریت

زبان سنسکریت زبانی است کهنه و متعلق به اقوام هند وایرانی . این اقوام که بنظر محققان مختلف احتمالاً ابتداء درآسیای صغیر (درهٔ دجله وفرات) یا نواحی دریاچهٔ اورال در روسیه یا نواحی قطب شمال یا استپ‌های فرانسه میزیستند برای امرار معاش کوچ کردند و با تمدن و زبان خود درسرزمین‌های گوناگون پراکنده شدند . اقوام‌مزبور رفته رفته زبان خود را تکمیل کردند وآنرا توسعه دادند ، وبرای تسهیل کار میتوان‌آنرا زبان هند و اروپایی نام نهاد .

این زبان دیرین اقوام هند و اروپائی درآسیای میانه بصورت سنسکریت‌درآمد و درغرب گروه زبان‌های هند و ژرمنی یا توتنی (Teutonic) را بوجود آورد که آنرا مادر زبانهای مغرب‌زمین دانسته‌اند .

اقوام هند و ایرانی

تیره هایی از اقوام هند وایرانی درآغاز دورهٔ مهاجرت به ایران کوچ کردند و تیره های دیگری ازاین‌قوم‌درسیستان یا درافغانستان کنونی، که دراوستا «ایریان‌وجه» (Airyan -vaeja)خوانده‌میشود ، جدا شده‌وبسوی‌آسیای‌میانه سرازیرشدند . این‌دسته پس از عبوراز گذرگاه شمال غربی کوه‌های هندوکش بـه سرزمین « سپتاسندهو » (Sapta - sindhu) - یعنی«هفت‌رودخانه» - واقع‌درپنجاب‌هند رسیدند.آنهایی که‌درهند ساکن‌شدند«آریان»(Aryan) نام گرفتندوآنهایی که‌به‌فلات‌ایران‌آمدندایریان(Airyán)

یا (Aeryan) نامیده شدند . معنی هردو نام « آزاده » است و چنانکه میدانیم نام کشور ایران ازاین ریشه بدست آمده است .

بدیهی است که ساکنان ایران وهند باآن که از منشایی یگانه برخوردار بودند باز بتدریج درمحیط‌های جدید خود دگرگون شده و دوتمدن متفاوت بوجود آوردند که بنیان تمدن باستانی آسیایی‌ها گردید . هردو قوم باقتضای تمدن ابتدائی خود طبیعت پرست بودند وبرای نیایش مظاهرطبیعت سرود میگفتند . منترا (mantra) های هندی بصورت کتاب‌های ودا (veda = دانایی) بجا مانده که بمعنی کتاب دانش است ـ گاثا (Gáthá) های ایرانی نیز که بنیاد اوستا شمرده میشود و در دست است در توصیف خدایان ایرانی‌مانند میترا ـ اهورامزدا وغیره سروده شده است .

زبان وداهاواوستا ازلحاظ واژه وساختمان‌وآوا شناسی (Phonetics =فونتیك) بسیار همانندند و خبر از پیوند نزدیکی میدهند . آیین و عقاید و رسوم هندیان و ایرانیان نیزباوجود تفاوت‌های زیاد ازمشابهت های بسیار برخورداراست . متأسفانه اوستا برخلاف‌وداها تماماً بما نرسیده وپاره‌یی‌ازبخش‌های‌آن درجریان حوادث از میان رفته است . همچنین درمقابل زبان وداها که مدت چهارهزار سال دوام آورده زبان اوستا از قرنها پیش بصورت زبانی مرده درآمده است . بااینهمه از سنجش این دوزبان پیوستگی نزدیك ایرانیان وهندیان باستان بخوبی برمیآید .

وداها و اوستا

باآنکه زبان وداها (سنسکریت) و زبان اوستا (اوستایی) شباهت فراوان دارند ، تا این اواخر که اروپائیان دست بمطالعهٔ این زبانها زدند کسی متوجه مشابهت آنها نشده بود . درقرن هیجدهم خاور شناس معروف ویلیام جونز (William Jones) که دربارهٔ زبان فارسی نیز تتبعات بسیار کرده است در سال ۱۷۷۶ اروپا را با آثار سنسکریت‌ازقبیل‌وداها واوپانیشادها (Upanishads) وبرخی‌از آثار کالیداس (Kalidása) آشنا ساخت و دانشمندان اروپا مخصوصاً آلمان و انگلیس را بمطالعات جدیدی بویژه

در رشتهٔ فقه اللغة تطبیقی که امروز زبان شناسی خوانده میشود برانگیخت. زبان شناسان آلمانی متوجه شده بودند که بسیاری از واژه‌های زبان سلتی (Celtic یا کلتی Keltic) و توتنی (Teutonic) و یونانی ولاتین وفرانسه وآلمانی بسیار همانندند، ولی تاآن موقع منشاء این مشابهت ها را نمیدانستند. اما فرانزبوپ (Franz Bopp) زبان شناس آلمانی بکمك زبان سنسکریت اولین کتاب فقه‌اللغة تطبیقی را نوشت و راه تازه‌یی در تحقیقات مربوط به فولکلور ومردم شناسی گشود. معلوم شد که سنسکریت کهنه‌ترین زبان هند و ایرانی ومادر عده یی از زبان های هند و اروپایی است.

زبان سنسکریت

سرودهای دلپذیر وعارفانهٔ وداها واوپانیشادهاوآثار لطیف کالیداس نه تنهامحققان اروپایی را متوجه زبان سنسکریت کرد، بلکه کلیدی برای حل بسیاری ازمسائل‌علمی فراهم‌ساخت‌وایشان‌دریافتند که بقول‌قدما «نورازشرق‌میآید» وبرای حل‌بسیاری ازقضایا باید به مشرق زمین روی‌آورد. سپس گروه زبان های هند و اروپایی شناخته شد. ولی محققان چون‌سیستم‌پیچیدهٔ حرف‌های‌آوایی (Vowel System) زبان‌های هند واروپائی را درسنسکریت نیافتند معتقد شدند که قدیم ترین زبان هند واروپایی سنسکریت‌نبوده بلکه زبانی بوده است که حرف‌های آوایی بسیار متنوعی داشته. این زبان فرضی که در هرحال میبایست ازسنسکریت دور نباشد « زبان هند و اروپایی » خوانده شد.

ازآن زمان‌تا کنون مطالعهٔ زبان سنسکریت برای هرگونه تحقیق در زبان ـ شناسی وتاریخ تمدن وفکر ودین وسنن بشری لازم شمرده شده و چنان پژوهش های دامنه‌داری در مورد زبان‌های هند و اروپایی‌صورت گرفته است که در مورد هیچیك‌از گروه‌های زبانی دیگر سابقه ندارد.

همانندی‌های زبان سنسکریت و اوستایی

شباهت این‌دو زبان بقدری است که مطالعهٔ هریك تحقیق در دیگری را ایجاب

میکند . بسیاری از شعرهای هریك از دوزبان را میتوان با تغییرات گرامری و لغوی مختصری بزبان دیگر برگرداند . شباهت گاثاها یعنی قدیم ترین قسمت اوستا با ادبیات سنسکریت‌خواننده رابحیرت‌میافکند . بااین وصف بخوبی‌معلوم‌است که زبان‌سنسکریت کهنه‌تر از زبان گاثاهاست .

گرچه هردو زبان از واژه‌های مشترکی برخوردار میباشند ولی این واژه های مشترك تفاوت هایی نیز دارند . با این همه الفاظ دینی وفرهنگی و کلمات دال براشیاء زندگی روزانه تقریبا همانندند :

سنسکریت	اوستایی
هیرانیا (Hiranya)	زرانیا (Zaranya)
اسورا (Asura)	اهورا (Ahura)
هوتار (Hotar)	زائوتار (Zaotar)
سنا (Sèna)	هائنا (Haena)
یجنا (Yajna)	یسنا (Yasna)
سوما (Soma)	هئوما (Haoma)
میترا (Mitra)	میثرا (Mithra)
یما (Yama)	ییما (Yima)
وی واس وانت (Vivasvant)	وی واهانت (Vivahant)
اپام نپات (Apam Napát	اپم نپات (Apem Napat)
دوا (Deva)	دئوا (Daeva)

بـرای تفکیك زبـان سنسکریت از زبـان‌های ایرانی آنـرا « هندوایرانی » (Indo – Iranian) میخوانند . زبان‌های هند وایرانی همه زبان های هند را (باستثنای زبان‌های دراویدی) از زبان وداهاتا زبان های کنونی هند که بازماندهٔ زبان سنسکریت میباشند وهنوز بسیاری ازلغات سنسکریت را حفظ کرده‌اند دربر میگیرد .

زبان‌های هند وآریان را میتوان به‌سه دستهٔ زیر تقسیم کرد :

الف ـ هند وآریان باستان :
- ۱ ـ سنسکریت وداها
- ۲ ـ سنسکریت کلاسیك

ب ـ هند وآریان میانه :
- ۱ ـ پالی
- ۲ ـ پراکریت (Prakrits)
- ۳ ـ آپاب هرامشا (Apabhramsa)

ج ـ هند وآریان جدید :
- ۱ ـ بنگـالی Bengali
- ۲ ـ هندی Hindi
- ۳ ـ گجراتی Gujrati
- ۴ ـ مراتی (Marathi)
- ۵ ـ بهاری Bihari . . . وغیره

زبان های هند و ایرانی نیز طبقاتی دارند . زیرا اقوام ایرانی درمناطق وسیعی از دره جیحون تاچین ازیك طرف وازفلات ایران تاروسیه از طـرف دیگر پراکنده شدند و بعلاوه بیش ازسایر اقوام به ایجاد زبان‌های مستقل رغبت نمودند ؛ برروی هم زبان‌های هند وایرانی را نیزمیتوان چنین طبقه‌بندی کرد :

الف ـ ایرانی باستان :
- ۱ ـ اوستایی (گاثاها)
- ۲ ـ پارسی باستان (کتیبه‌های هخامنشی)

ب ـ ایرانی میانه
- ۱ ـ پارسی میانه (پهلوی)
- ۲ ـ سغدی وسکایی
- ۳ ـ پشتو (؟)

ج ـ ایرانی جدید : پارسی رایج وگویش های‌آن .

در بـارهٔ زبان های ایرانی باستان و زبان های میانه (سغدی وسکایی) اطلاعات منظمی دردست نیست ونمیتوان‌آنها را بسهولت باسنسکریت مقایسه کرد . اما زبانهای

ایرانی‌جدید چون متضمن‌سن‌دوهزارسالهٔ زبان‌های هند واروپایی‌میباشد با سنسکریت شباهت‌هایی دارند .

باوجود تحولات عظیمی که درزبان فارسی کنونی‌روی داده است هنوزدرحدود ۳۵ درصد کلمات‌آنرا میتوان باکلمات سنسکریت ودائی وکلاسیك سنجید .

مهمترین تحولاتی که درزبان فارسی پدیدآمده است عبارتست از :

تبدیل « س » به « ه »

تبدیل « ه » به « ز »

تبدیل « ت » به « ث »

و تبدیل « ه » به « د »وغیره .

سنسکریت	پارسی کنونی
اشوا (Ashva)	اسب
کهرا (Khara)	خر
موشیکه (Múshika)	موش
کپوتا (Kapota)	کبوتر
هستا (Hasta)	دست
جانو (Jánú)	زانو
پد (Pad)	پا
دنتا (Danta)	دندان
باهو (Báhú)	بازو
چایا (Cháyá)	سایه
سپتاها (Saptáha)	هفته
ماسا (Mása)	ماه
دورا (Dûra)	دور
گاهارما (Gharma)	گرم

شرد (Sharad)	سرد
شه وتا (Shveta)	سفید
کشیرا (Kshîra)	سرد
آپ (Apa)	آب
پیتری (Pitri)	پدر
ماتری (Mátri)	مادر
بہراتری (Bhrátri)	برادر
دوهیتری (Duhitri)	دختر
مرتیا (Martya)	مرد
شوشکا (Shuska)	خشک
نرما (Narma)	نرم
پورنا (Púrna)	پر
یووان (Yuvan)	جوان
اکا (Eka)	یك
دوی (Dvi)	دو
چتور (Chatur)	چهار
پنچا (Pancka)	پنج
شت (Shat)	شش
سپتا (Sapta)	هفت
اشتا (Ashta)	هشت
نوا (Nava)	نه
دشا (Dasha)	ده

همچنین افعال و ریشه‌های سنسکریت وفارسی بهم شباهت دارند .

کری (Kri)	کردن
کهدری (Khádri)	خوردن
دا (Dá)	دادن
گره (Grih)	گرفتن
کریش (Krish)	کشیدن

دسته‌بندی زبانهای هند و ارو

هندی

پراکریت | پالی | سنسکریت (ودایی- کلاسیک)

اپ بهرمش (Apabhramsha)

پنجابی | گجراتی | مراتی | هندی | بهاری | بنگالی

۲ - مختصری دربارهٔ تاریخ ادبیات سنسکریت

۱ - سرزمین هفت رودخانه

دستهٔ اول آریاها که عدهٔ زیادی ازهمراهان خود را پشت‌سر گذارده بودند بسرزمینی حاصلخیز دراطراف رودخانه‌های بزرگ پنجاب ودرهٔ سند (Indus Valley) رسیدند . رنج‌بی‌پایان‌مسافرت پرخطر این‌دسته بارسیدن باین‌سرزمین حاصلخیزجبران شد . چه تپه‌های خوش‌منظره ، رودخانه‌های پر آب وآب وهوای نشاطانگیزاین منطقه بهترین پاداشی بود که طبیعت باین کاروان بخشید. دراینجا بود که آریاها برای اولین‌بار طلوع خندان وزیبای آفتاب وآسمان پرستاره را مشاهده کردند . این مناظر مجلل و لذت بخش‌طبیعت ، مسافران تازه رسیده را بحدی تحت نفوذ خود قرارداد که درهمان نقطه‌مأوی ومسکن گزیدند . طبیعت سرزنده ونسیم معطراین نواحی‌همچون‌نفس‌آرام‌بخش‌معشوق ، این‌مسافران خسته و کوفته را وادار به سکونت در دامان خود نمود . مسافران نورسیده وخسته که در دامان طبیعت‌آسایشگاهی یافته بودند مصمم شدند تااز وطن‌نویافتهٔ خودتاآخرین لحظه دفاع کنند وبا فروتنی‌وبندگی، بزرگی وافتخارطبیعت را بستایند .

ساکنان‌اولیهٔ سرزمین هفت رودخانه که تندرست وزورمند بودند فکری نیرومند و تخیلی قوی نیز داشتند . شادی و سرور ناگهانی که از رسیدن باین محیط پر برکت برایشان حاصل‌شده بود سبب شد که بکرنش وتعظیم درمقابل‌این پدیدهٔ باعظمت طبیعت دست‌زنند وبرای وجوه مختلف‌آن ازقبیل‌ماه ،خورشید، باد، ستارگان وغیره ربانیت‌قائل شوند وهریک‌را رب‌النوعی بسازند و بپرستش‌آن بپردازند . باین ترتیب رب‌النوع‌های جدیدی برآنچه که در میتولوژی اولیه وجود داشت افزوده شد .

پروردگاران آریاها ـ بسیار ابلهانه است اگر تصور کنیم که آریاها پس از رسیدن به سرزمین هفت رودخانه سرگرم ابداع رب‌النوع ها وساختن میتولوژی‌خود شدند چه آریاها مدتها قبل از مهاجرت بایران وعبوراز سلسله جبال هندوکش دارای تمدنی بودند که برمیتولوژی بسیار پرمایه پایه گـذاری شده بود . همهٔ آنان زئوس Zeaus (سانسکریت آن دیائوس Dyaus) رب‌النوع درخشندهٔ آسمان راکه از اولین رب‌النوع های میتولوژی هند و اروپایی است میپرستیدند . طلوع‌آفتاب Dawn کـه اغلب بعنـوان دخترزیبای زئوس Zeaus ستوده شده است نیز یـکی ازالهه‌های هند و اروپایی است . علاوه براینها ایندرا Indra رب‌النوع جنگ وگاهی رب‌النوع باران و آب ، ورونا Varuna نگهبان قانون ونظم، میترا Mitra رب‌النوع روشنی وتندرستی و رفیق بزرگ ورونا Varuna و چندین رب‌النوع دیگر قبلاً بوجود آمده و میتولوژی اولیهٔ آریاها را تحت تأثیر خود قرار داده بودند .

وجود این رب‌النوع‌ها و چند رب‌النوع دیگر را میتوان در تمـام آریاهاییکه همزمان با مهاجرت دستهٔ مورد بحث بساحل هفت رودخانه بطرف شمال یا سمت های دیگر مهاجرت کردند بخوبی مشاهده‌کرد . سکه‌های میخی کـه اخیراً در بغاز کـوئی (Boghaz Qui) درآسیای صغیر کشف شده وحاکی ازپیمان متارکهٔ جنگ بین رئیس‌دو قبیله هیتیت Hittite ومیتانی Mitani میباشد ، وجود رب‌النوع های هندی را درآن نواحی درسال ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح تأیید میکنند .

عقیده براینست که‌هنگامی که‌آریاهابطرف‌مشرق ویابعقیدهٔ پروفسورماکس‌مولر (Max Muller) بطرف‌جنوب مهاجرت‌کردند این‌رب‌النوع‌ها را از خود باقی گذاردند وساکنان آن نواحی پس ازعـزیمت آریاها نیز پیرستش این رب‌النوع‌ها ادامه دادند . بدیهی‌است پس‌ازاینکه درسواحل‌هفت‌رودخانه مسکن گزیدندبانیروی بیشتری‌پرستش خدایان اولیهٔ خود پرداختند و برای آنان مقامی برتر از رب‌النوع‌ها و ربة‌النوعهای جدید قائل شدند .

برخورد آریاها باساکنان اولیهٔ سواحل هفت رودخانه ـ این طوایف آریایی بزودی دریافتند که مبارزهٔ ایشان هنوز بپایان نرسیده است چه دیری نگذشت که ساکنان اصلی این نواحی بطور ناگهانی از پشت علفزارهای پرپشت وجنگلهای انبوه آنانرا مورد حمله قراردادند . این ساکنان اصلی سیاهپوست ودارای قدی کوتاه ودماغی پهن وشبیه مغولها بودند . تمدن این قبایل بقدری وسیع بود که مایهٔ تعجب نژاد شناسان و باستان شناسان معاصر گردیده است آنها بهیچوجه از آریاها عقب نبودند چه علاوه برشناسایی کامل محل چون درشهرها وقلاعی که از داخل وخارج محفوظ بود زندگی میکردند بر آریاها تفوق داشتند . اینان که ازهجوم آریاها رنجیده خاطر شده بودند موجبات ناراحتی آنانرا فراهم کردند .

بهرحال چون عدهٔ آریاها زیادتر بود وعلاوه برداشتن بدن قوی وتجربهٔ جنگی زیاد مجبور بودند از مسکن خود نیز دفاع کنند اقوام بومی این سرزمین را بنواحی ساحلی جنوب عقب راندند ، اقوام بومی درودهابنام داسا Dása یاداسیو Dasyu بمعنی پست وزیردست نام برده شده اند . امروزا کثراین قبائل بوسیلهٔ دراویدی های Dravidian جنوب هند که بیشترشان درمدرس ، جنوبی ترین نواحی ، زندگی میکنند مشخص میشوند . درادبیات و دائی این قبایل سیاهپوست ازرنگ پست و بعنوان بردهٔ آریاها و نژاد عالی نام برده شده اند . بعلت شواهد زیاد عقیده براین است که این ساکنین اصلی پایه گذاران تمدنی بسیار وسیع هستند که آثار آن در خرابه های موهنجودارو Mohanjo Dáro در پاکستان غربی محفوظ مانده است . درحقیقت این آثار درسراسر هاراپا Harappa درهٔ سند Indus Valley تا حدود جلگه های گنگ پراگنده اند . هنر معماری ـ مجسمه سازی وسفالکاری این قبائل و نمونه های خانه ها وقصرهایشان سیستم علمی زه کشی وحمامهای مجلل ، ذوق دکوراسیون و تزیینشان همه عالی وخیره کننده است . بدون شك آریاها مجبوربودند که زمین وقدرت را بزور وبا دادن قربانی زیاد بدست آورند وشواهد متعددی وجود دارد که ثابت میکند که زمین وجب بوجب وپس از جنگهای خونینی مسخر شده است .

پس از اینکه آریاها بر داساها پیروز شدند قسمتهای برجستهٔ تمدن آنانرا اخذ نموده تا حدودی تحت تأثیر تمدن آنها قرار گرفتند .

پیروزی برداساهاآریاها را جسور کرد بطوریکه شروع بکشور گشائی وتوسعهٔ سرحدات خود نمودند . فرهنگ وتمدن‌آنان که متکی‌برمیتولوژی بود جنبش‌جدیدی راآغاز نهاد که‌بطوری بارزبصورت شرح وقایع درمنتراهای (Mantra) ودا ضبط‌شده است . وداها علاوه براینکه مدخل تمام علوم هستند یادداشتهای روزانهٔ ملتی بزرگ نیز بشمار میروند که درآن طبقهٔ اشراف از ابراز هیچگونه کینه‌ای نسبت به بـردگان فروگذار نکرده‌اند . همزمان با تثبیت‌آریاها در سرزمین هفت رودخانه این قوم اقدام بـه جمع‌آوری منتراها و سرودهاییکه تا آنزمان بصورت آثار پراگنده‌یی بود نموده ازآنها مجموعه‌یی‌فراهم‌آوردند . تاریخ تصنیف منتراها بسیارقدیم‌است ولی‌جمع‌آوری آن هنگامی شروع شد که دیدند علوم درك شدهٔ آنان روبنابودی است وخطرفراموشی این گنجینه را مورد تهدید قرار داده است :

تقسیم وترتیب منتراها برطبق اصول علمی انجام گرفته و تمام کـتاب بچهـار سام هیتا Samhita یا مجموعه بشرح زیر تقسیم شده است :

۱ ـ ریگ ودا Rig – Veda

۲ ـ یجور ودا Yajur - Veda

۳ ـ سام ودا Sáma – Veda

۴ ـ آتاروا ودا Atharva - Veda

ادبیات ودائی

ریگ ودا قدیمی‌ترین قسمت‌ازچهارودا است وبرازدعاهای خدایان وتوصیفات بزمی‌میباشد . این ودا شامل ده کتاب و۱۰۲۸ سرود است . کتابهای دوم‌تانهم‌آن ، کتاب ـ های خانوادگی بوده و بسیار قدیمی‌تر از کتابهای اول وآخر هستند . دراین کتب آثار وعلائم بالنسبه قدیمی‌تر نیز وجود دارد .

همانند آثار وابنیهٔ بسیار قدیمی هند واروپایی که بجای مانده است این وداهانیز آمال وآرزوها وفعالیت‌های بشراولیه را به بهترین صورت ثبت نموده‌اند . مطلب‌جالب اینست که وداهای‌دیگروجودریگ‌ودا راپیش ازخودلازم وفرض‌نموده‌اند ولی‌ریگ‌ودا هیچ اثر ادبی را لازم ندانسته است .

ریگ ودا تصویریست از گیتی ونظام‌آن بصورتی که باتصویر زمانهای بعدکاملاً اختلاف دارد همین اختلاف تازگی‌خاص بآن بخشیده که باوجود تغییر زمان کهنه‌نشده است . این کتاب که قدیمی‌ترین سند مدون آریاهاست دارای قسمتهای پیچیده و مبهم نیزمیباشد ولی‌معهذا مجموعهٔ بی‌نظیرویکتایی است ازسرودهایی که در آن تفکرات‌بشر اولیه بصورت درخشانی منعکس گردیده است .

هرگاه بترتیب تاریخ تصنیف ، وداها را مورد مطالعه قراردهیم پس ازریگ‌ودا به آتاروا Atharva ودا میرسیم . اگرچه مدتها بعللی که بعداً شرح داده خواهد شد مورد احترام نبود ولی بایستی گفت که بعضی از سرودهای آن بقدمت و کهنگی ریگ وداست و موضوعات آن نیز همزمان با ریگ‌ودا بنظر میرسد . این کتاب بعلت موضوعاتش مدت مدیدی شناخته نشده بود .آتاروا Atharva ودا علاوه برسحرمقدس شامل سحرجادو نیز میباشد و علائمی وجود دارد که نشان میدهد بعضی از قسمتهای آن تحت تأثیرساکنان بومی این نواحی بوجودآمده وبهمین جهت پیمبران آریایی راعلیه این کتاب‌برانگیخته‌است‌آتاروا Atharva ودا شامل‌اطلاعات مفیدی‌است دربارهٔپیشرفت آریاها بطرف مشرق تا حدود بنگال وترس‌آنان از ببرهای بنگاله . علاوه بر سرودهایی راجع به علم پزشکی دعای خیر، واختتام این ودا متضمن سرودهایی راجع به سحر و جادوگری و ارواح خبیثه نیز میباشد که حالتی غیرعادی و ترسناك بآن بخشیده است .
یجور ودا وسام ودا مطالبشان‌را مدیون به ریگ ودا هستند . دریجور ودا سرودهایی راجع به قربانی‌ومراسم عبادت‌جمع‌آوری شده درحالیکه سام ودا فقط سرودهایی‌مربوط به مشروب جاودانی‌خداوندان یعنی سوم Soma (دراوستا هما Haoma) را شامل است این مشروب نیروبخش مورد تحسین رب‌النوعها نیزبوده است . علاوه برمراسم عبادت

دستوراتی درخصوص طرز فشردن ودرست کردن سوم Soma نیز در این ودا آورده شده است .

سنجش ودا باکتب مذهبی موجود دیگر ازقبیل قرآن - انجیل - گرانتا صاحب Grantha Saheb صحیح نیست زیرا مؤلف کلیهٔ کتب مذهبی نامبردهٔ فوق فقط یکنفر بوده وتمام کتاب‌نیز درزمان حیات‌این‌مؤلف یاشخصاً بوسیلهٔ‌خودداو ویاازروی تعلیماتش تألیف گردیده است (اوستا بوسیلهٔ‌یك شخص معین تألیف نشده است بلکه مانند ودا در تألیف‌آن چندین‌نفر‌تشریك مساعی کرده‌اند) درحالیکه ودانه تنها بوسیلهٔ یکنفر‌تصنیف نشده است‌بلکه تألیف آن نیزدریك‌دورهٔ مشخص‌بپایان نرسیده . بین‌تاریخ تألیف‌منتراها وزمان‌جمع‌آوری بعدی‌آنهابصورت‌سامهیتا فاصلهٔ‌زیادی بوده‌است . علاوه‌براین‌درادبیات جهان نظیراین‌مجموعهٔ پرحجم که درآن کوشش‌های چندین‌هزارسالهٔ‌بشر که نسل‌بنسل بوسیلهٔ سنن شفاهی منتقل شده‌بوده است و بـا نهایت دقت ممکن جمع آوری شده یافت نمیشود .

بطور تقریب میتوان گفت که جمع‌آوری ودا بایستی در ۲۰۰۰ سال قبل‌ازمیلاد تمام‌شده باشد . شواهد زیادی درودا یافت میشود که بروجود شك نسبت به موجودیت رب‌النوعها و تفوق آنان نسبت به‌بشر دلالت دارد .

ازشواهدی که‌درو‌داها یافت‌میشودچنین‌برمیآید که‌نسبت‌به‌موجودیت‌رب‌النوعها و برتری آنان نسبت به بشرشك وتردید هایی‌نیز بوجودآمده است . این شك وتردیدها بعضی اوقات طبقهٔ برهمنان را بسیارعصبانی میکرد چه اینان برای هم‌فکر و متحدنگاه‌داشتن‌مردم‌بیچاره‌ودرمانده‌میشدند . بخاطر استحکام‌واطمینان، بعضی‌از کاهنان‌بجستجوی دل خود پرداختند تا حقیقت را درك کنند . علاوه بـر این عده‌یی یاغی نسبت بوجود رب‌النوعها اندیشه‌های‌خودرابصورت نجوی‌بادوستان‌خوددرمیان‌گذاردندو‌پاسخ آنانرا بسؤالات بسیاری که در قلبشان پیدا شده بود خواستار شدند .

براهمناها : Bráhmanas

علاوه از ازدیاد عناصر مخالف ، تعبیر وتفسیر بعضی ازمنتراها هم مشکل شدزیرا هردو مکتب ـ پیروان وبرهمنانی مخصوص بخود داشت که باهم اختلافات زیادی داشتند . بنابراین برهمنان شروع بنوشتن تفسیرهایی بروداها نمودند که نه تنها مفصل هستند بلکه شامل لب مطالب هرودا نیز میباشند این تفسیرها براهمنا نام دارندوشامل تحقیقات ونظریات فلسفی ـ زبان شناسی ـ علم اشتقاق لغات ـ تاریخ ـ افسانه ـ مراسم عبادت و چیزهای دیگر درخصوص وداها میباشند .

اوپانیشادها : Upanishads

در خلال این دوران هرج ومرج بعضی از افراد طبقهٔ ممتاز نیز دست از قربانی وانجام مراسم مذهبی کشیده تنها ودور ازمردم درجنگلها به تفکر و تأمل پرداختند . اینان پیشقدمان مکتب آزادی فکر وحقیقت جویی بودند که نمیخواستند خودرا درقید وبند اشکال وشعارهای حدیثی تواتر نگاهدارند . اینان با اشتیاق تمام میخواستند بدانند بشر از کجامیآید وبکجا میرود . منظور ازپیدایی او چه بوده ، پس ازمرگ سرنوشتش چه خواهد بود ، چه کسی برجهان حکومت میکند چه چیزیست که زندگی میبخشد و دوباره پس میگیرد . این مردم صادق و صمیم که قلباً ناراحت بودند سرگرم مباحث و مطالب فلسفی شدند که امروزه ما آنرا اوپانیشاد مینامیم . اوپانیشادها گوهرهای دانش بشری میباشند وسهم بسیار مهمی در تکامل تدریجی فکر بشر دارند اینها گنجینه های تفکرات عالی قدیمند که باپوشش‌های عارفانه آراسته شده‌اند . طبقهٔ عالی هنگامی که در کنار از محیط کاهنان بودند بصورت هدیه‌باین بحثها کمک‌های بسیار ذیقیمتی کردند . پادشاهان ، جنگجویان ، دانشمندان و حتی زنان نیز دراین بحث‌ها شرکت‌میکردند . تعداد اوپانیشادها زیاد است ولی ۱۲ عدد بسیار قدیمی هستند و سیزده‌تای آن متعلق به کمی بعدتر . درطی زمان تعداد اوپانیشادها زیادشد وبه ۱۰۸ عدد رسید وآخرین آنها در قرن ۱۹ نوشته شد که عنوان آن الله اوپانیشاد میباشد .

اوپانیشادها فکروذوق هندوهارا بمیزان قابل‌ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرارداده‌اند، درحقیقت چندین‌رسالهٔ فلسفی‌درزمانهای بعد براساس‌مطالعهٔ اوپانیشادها تألیف گردیده است . درحالیکه فلاسفهٔ مغرب زمین‌ازقبیل‌کانت وشوپنهاور احترام بسیار زیادی‌برای اوپانیشاد قائل‌هستند یکی‌ازاولین تحسین‌کنندگان اوپانیشاد پسرامپراتورشاه جهان بود که دانشمند برجسته وایرانی و زبان سانسکریت را نیز آموخته بود . ترجمه بعضی ازقسمتهای اوپانیشاد که توسط داراشیکه Dárá - Shikoh انجام گرفته است و بنام اوپانکهت Oupanekhat معروفست بفارسی نیزبرگردانیده شده است .

سوتراها : Sútras

زمان ودایی تقریبا با اوپانیشادها بپایان میرسد و بعداً بشکل سوتراها ادامه پیدا میکند .

سوتراها آخرین دایرهٔ ادبیات ودایی است . بعلت ادبیات پرحجم ونبودن وسائل کافی برای نگاهداری این آثار بصورت خطی یا چاپی صلاح در این دیدند که قسمت اعظم این آثار را بصورت کلمات قصار (Aphorisms) درآورند وبوسیلهٔ حافظه‌باقی نگاهدارند ، سوترا بمعنی رشته یاکلمات قصار است که درآن یك اثر مفصل بصورت مختصر میشود بااین روش ساده علما توانستند مقدار زیادی از ادبیات موجود را در حافظهٔ خود نگاهدارند و از نابودی‌آن جلوگیری کنند .

ادبیات بعداز ودا

آثار ادبی دورهٔ بعد از ودا از نظر مضمون و شکل وسایر مشخصات ادبی با ودا متفاوتند اگرچه تمام آثار سنسکریت باهم پیوستگی دارند ولی ادبیات ودایی اصولا دارای مضامین فلسفی ومذهبی میباشد . در حالیکه آثار کلاسیك بیشتر جنبهٔ دنیوی و رمانتیك دارند .

بعلت معاشرت با ساکنان اولیه و دگرگون شدن مفاهیم مذهبی وسایر تغییرات کلی، رب‌النوعهای جدید اهمیت‌بیشتری کسب کردند واکثررب‌النوعهای ودایی موقعیت

درجه دوم پیدا نمودند تا وقتی علی‌رغم این رشد وترقی جدید وداها یعنی سر چشمهٔ ابدی دانش همیشه منبع موثق بشمار میرفتند .

اشعار حماسی (Rámáyana and Mahábhárata)

یکی از آثار برجسته‌ای که دراین دوران بوجودآمد اشعار حماسی است که بدو دستهٔ مشخص ومجزا تقسیم میشوند Itihása : Legend یا پورانا (Purána) نامیده میشوند . دستهٔ دوم که بیشتر روی اشکال زمینی و مصنوعی شعرتکیه کرده و بنام اشعار کاویا (Kávya : Poetry) مشهورند نمایندهٔ اصلی هردسته مهابهاراتا وراما‌یانا هستند که اشعاری بسیار با ارزش‌اند و محبوبیت زیادی نیز کسب کرده‌اند . مهابهاراتابعلت رشدو ترقی شگفت‌انگیز وتازگی عبارات وعلل‌متعدد دیگر بعنوان یك اثربزرگ ادبی‌همانند ودائرةالمعارف شعر کلاسیك شناخته شده است .

داستان اصلی بعلت مطالب آموزنده وتعالیم اخلاقی خود آنقدر پیچیده و مبهم است که خواننده درروایات وحکایات بزرگ آن گم میشود . مصنف مهابهاراتا « ویاس Vyása » حکیم ودانشمند معروف است که علاوه برمهابهاراتا ۱۸ پورانای دیگر نیز تصنیف کرده است که مورد ستایش عموم اهل ادب است . نام و یاس در ادبیات اوستائی نیز بعنوان یك حکیم مشهور ذکر گردیده است . مهابهاراتای فعلی دارای صد هزار اشلوکا (Shloka) که تقریباً هشت برابر ایلیاد و اودیسی Oddyssey , Iliad بر رویهم میباشد . این کتاب به ۱۸ فصل‌تقسیم شده ویك فصل‌نوزدهم نیزبعنوان‌مکمل بآن اضافه گردیده است . این‌حماسه دارای عبارات نووبیگانه میباشد وشواهدی‌دردست است که ثابت میکند لااقل دوبار این‌حماسه تغییرشکل یافته است . برپایهٔ شواهدی که در داخل‌حماسه موجود است عده‌ای عقیده‌دارند که حماسهٔ اصلی شامل ۸۰۰۰ ۱اشلوکا بوده سپس تعداد اشلوکاها به ۲۴۰۰۰ ودر آخرتا ۱۰۰۰۰۰ افزوده شده است .

داستان‌اصلی‌دربارهٔ کشمکش وزدوخورد دوقبیله همسایه بنام پنجال‌ها و کوروها Pánchalas ،Kurus است که‌ازیك‌نژاد وپسرعموی‌یکدیگربودند کوروها درمیتولوژی

و دائی بعنوان یك قبیلهٔ متنفذ نامبرده شده است و بنابراین مـایه ومنشاء اصلی تاریخی آنرا میتوان در ۲۰۰۰ قبل‌ازمیلادجست . کوروها صدنفربودنددرحالیکه (Panchalas) فقط پنج برادر ولی بطورقطع جوانمرد وباایمان‌تر بودند وازقانون نیزاطاعت‌میکردند این قبیله موفق‌شدندکه دشمنان ومخالفین خودومتحدین آنانرا هزارهزار بقتل‌برسانند و سپس کناره گیری کردند وبجنگل‌ها رفتند تا بـا تحمل عذاب جسمانی تـوبه کنند و گناهشان‌بخشیده شود ودر کوههای پربرف هیمالایا درگذشتند

درحدود چهارپنجم‌مهابهاراتا اختصاص داردبه داستانها وحوادث قدیمی‌متعددی که پایه واساس اشعار و درامهای شعرای بعدقرارگـرفته‌اند . داستان مشهور شکنتلا (Shakuntalá) که بوسیلهٔ کالیداس (Kálidasa) بصورت درامی جاودانی درآمـد از این کتاب گرفته شده‌است ونالا دامایانتی (Nala - Damayanti) که محبوبیت زیادی در مشرق‌زمین کسب کرده از این کتاب بدست‌آمده است . علاوه براین داستانها اثرمنظوم Bhagvadgítá که بصورت یك قطعهٔ ادبی عالی وفلسفی بدست مارسیده است نیزقسمتی از مهابهاراتا است . بطور تقریب میتوان گفت که این حماسهٔ بزرگ در حدود ۵۰۰ قبل ازمیلاد بصورت فعلی تمام شده است درصورتیکه تاریخ شروع آن بایستی ۱۰۰۰ قبل‌از میلاد ویا حتی کمی قدیم‌ترباشد .

رامایانا Rámáyana

رامایانا دارای اهمیت و ارزش‌معادل مهابهاراتا است و اولین شعرآراسته‌بصنایع بدیعی است کـه بوسیلهٔ والمیکی Válmiki تصنیف گـردیده است . این‌مجموعه‌شامل ۲۴۰۰۰ اشلوکا میباشدکه به هفت کتاب تقسیم گردیده است . پنج کتاب وسط صحیح‌تر وموثق‌تر بوده واز نظرزبان ـ سبك ومضمون نیزیکدست ویکنواخت میباشند .

رامایانا پراز اشکال تکامل‌یافتهٔ زبان وترکیبات ادبی‌وشعری بیان بسبکی آراسته است . وضع این کتاب نشان میدهدکه بوسیلهٔ یکنفر نوشته شده و از خـرابی تحریف برکنارمانده‌است . داستان‌اصلی‌روی عملیات قهرمانانهٔ‌راما ، پسردشرت (Dasharatha)

پادشاه‌آیودهیا (Ayodhyá) دورمیزند . این‌پادشاه‌ظاهراً بادختر جوانی ازاهالی‌سرحدات ایران وافغان ازدواج کرده بود ، زن جوان پادشاه میخواست برخلاف سنن‌مسلم که‌طبق آن جانشین سلطان پسر ارشد ملکهٔ بزرگ میباشد رفتار نمـوده پسر خود را ولیعهد سازد . با دسیسه وتوطئه این زن موفق شد که پسر خود را جانشین پادشاه سازد . این عمل سبب مرگ سلطان گردید ودر نتیجه این زن توانست راما پسربزرگ پادشاه را بهمراه زن ویکی از برادرانش بجنگل تبعید کنند .

سیتا (Sítá) زوجهٔ راما که بسیار زیبا بود بوسیلهٔ سلطان شیطان صفت سیلان ربوده میشود . پس‌از زدوخوردهای زیاد سیتانجات پیدا میکند وراما نیزبشهر آیودهیا (Ayodhyá) برمیگردد وبتخت سلطنت جلوس‌میکند . درسراسرداستان ازراما بعنوان یك نیمه ربالنوع یادشده واعمال قهرمانانهٔ او درخصوص کمك به مذهب وپیروان‌دین مورد ستایش قرار گرفته است . دراین کتاب راما بعنوان ربالنوع مجسم فرض‌شده که باکشتن چند شیطان نظم را مجددا روی زمین برقرار کرد .

داستان رامایانا قرنهای متمادی قلوب هندیان را مجذوب کرده بود و در شمال هند چندین ترجمهٔ آن ازبرخوانده میشد . راما بعنوان یك سلطان‌ایده‌آل توصیف شده وکتاب پراست اززندگانی خانوادگی ایده‌آلی وارتباط باشکوه بین شوهر ـ زن ـ پدر و پسران وبرادران واطاعت ازبزرگان . این کتاب دارای محبوبیتی همگانی وبشیرینی خاص است .

عقیده براین است که این کتاب بطور تقریب در ۸۰۰ سال قبل از میلاد نـوشته شده است . بدنبال این دواثر حماسی دودسته ادبیات مجزا بوجودآمد . بلافاصله پس‌از مهابهاراتا، پوراناها، که‌مجموعه‌هائی‌تعلیماتی‌وآموزنده باروح‌فرقه‌ایست تصنیف گردید، این مجموعه‌ها بطورکلی‌راجع به میتولوژی ـ کارهای برجسته وخارق‌العادهٔ ربالنوعها مبارزه بین ربالنوعها وشیاطین وشجره‌نامهٔ سلاطین شمسی وقمری بحث میکنند .

اینها شامل اصولی از تاریخ قدیم هستند که بعلت مبالغه درخوبی انتخاب لغات

بصورتی غیرموثق درآمده‌اند . علاوه‌براین بطورشگفت‌انگیزی تمام‌نکات این‌مجموعه‌ها تحت تاثیر چندنفرمجزا بوجودآمده‌اند . اسمیریتی‌ها (Smritis) کتاب قوانین نیز با ایــن مجموعه‌ها ارتباط داشت و شامل ۱۸ کتاب‌اند که مهمترین آنها مانواسمیریتی (Manusmriti) یعنی قوانینی که‌بوسیلهٔ مانو(Manu) وضع‌شده است میباشد . این‌نام با منوچهر که در میتولوژی اولیهٔ ایران ذکرشده شباهت بسیار زیاد دارد .

چندین شعرنیز به پیروی از رامایانا سروده شده است که مضمون اکثر آنها از داستانهای مهابهاراتا وراما‌یانا گرفته‌شده است . این دوره را بایستی دوران شعر دربار نامید چه در این زمان هرشاعری تحت حمایت یك سلطان قرارمیگرفت واشعار خود را باو تقدیم میکرد . درحدود اوایل عصر مسیح و دو قرن قبل از آن وضع سیاسی هند متزلزل شد . پس‌ازقرن سوم‌تا ششم گوپتا (Gupta) قدرتمند هندو ادبیات راتشویق کــرد .

این دوره بعلت پیشرفت‌های همه‌جانبه وترقی عمومی‌آن به عصرطلایی‌تاریخ هند مشهوراست درهمین دوره بود که کالیداس شاعر بوجودآمد وبامهارت درشاعری‌وقدرت تخیل وبیان قوی‌خود شهرتی بسزا کسب کرد . اگرچه بعضی علمای هند عقیده دارند کــه این ملك الشعرا قبل از دوران مسیح میزیسته ولی بیشتر دانشمندان معتقدند که کالیداس متعلق بــه دورهٔ گوپتا (Gupta) میباشد و از شعرای در بار ویکرامادی‌تیا (Vikramáditya) بوده است .

کالیداس‌شاعریست برجسته و کم‌نظیر که غالباً باشکسپیرانگلیسی‌مقایسه میشود . او نبوغی فراوان داشت و درتوصیف احساسات بشری وتشبیهات قــوی واز همه مهمتر برگزیده ترین تعبیرات رقیب ونظیری ندارد .

دوشعراو، راگهووامشا(RaghuVamsha) نژادراگهو(Raghus) کومارسامبهاو (Kumâra Sambhava) تولد کومار از نظرتازگی واصالت و زیبایی تخیل و مهارت فوق‌العادهٔ شعری مشخص ومعروفند . اواستاد تشبیه است ودارای این‌دوهست نیز میباشد

که میتواندزبان را برطبق زمان وحال‌بقالب بریزد . علاوه براین دوشعر ، شعردیگری بنام مگه‌دوتا (Meghadúta) پیامبرابر، بهترین وظریفترین امثلهٔ زیبایی وبزمی است .

اگرچه اشعارکاویا (Kávya) پس‌از کالیداس نیز تصنیف گردید ولی این اشعار روزبروز جنبهٔ ساختگی وتکلف پیدا کرد وبهرحال‌آثار برجسته تا ۱۰۰۰ قبل‌ازمیلاد مسیح بوجود آمد که از میان‌آنها شعرا : بهاروی (Bháravi) ماگها (Mágha) هارشا (Harsha) برای اشعارشان که برروی داستانهای مهابهاراتا ساخته شده مشهورند .

شعر بزمی : آثار کالیداس

گرچه قسمت زیادی ازاشعاربزمی‌سنسکریت درنمایشنامه ها ذکرگردیده‌است، چند قطعهٔ بزمی مستقل‌نیزقابل ذکراست . ازاین قبیل« مگهادوتا » (Megha - dúta یعنی « پیك ابر») و « ریتوسامهارا » (Ritu - Samhára ـ یعنی «گردش فصول ») . مگهادوتا اثر بزمی‌لطیفی‌است که ازتخیلات شاعرناشی‌شده وداستان نوجوانی بنام‌یاکشا (Yaksha) است که براثر لعنتی از نوعروس خـود دور میفتد ودر آغوش کـوه‌های هیمالایا منزوی میشود . شاعر دربیان این داستان بامهارت تام زیبایی‌های طبیعت راباز میگوید وعظمت‌جهانی مییابد .

« گردش فصول » داستان فصول شش‌گانهٔ هند است که یکی پس از دیـگری بتماشای جهان میآیند . دراین اثرعشق وعواطف رقیق دیگروطبیعت دوستی بحداشباع جلوه‌گر است .

۳ ـ آثار بیلهانا

چوراپانچاشیکا (Chaura – pancháshiká) اثربیل‌هانا (Bilhana) شاعرکشمیری قرن یازدهم بسیار زیبا است . گویند بیل‌هانا با شاهزاده خانمی نهانی نردعشق میباخت وچون سرانجام‌ماجرا برملاشدبه مرگ محکومش کردند . روزی که وی‌را برای‌اعدام میبردند این اشعار را ساخت وخواند . شاه را اشعار اوچنان خوش‌آمد که عفوش کرد و معشوق را بدو داد .

۳ ـ آثار باهر تری‌هری :

« ساتاکاس» (Shatakas)یا « سده » نامسه اثر است‌از‌امیر‌شاعر‌پیشه باهر‌تری‌هری
این آثار حاکی از مراحل سه‌گانه‌یی است که شاعر پیموده است . اثر اولی (شرینگر - Shringár) گویای مرحلهٔ عشق وشوریدگی‌است . اثردوم (نی تی ـ Níti) رسانندهٔ مرحلهٔ تعلیم وتملك نفس . واثرسوم (ویراگیا ـ Vairàgya) حاکی‌ازترك دنیا وشهوت وهوس است .

ازمیان سایر آثارباهرتری‌هری «آماروشاتاکا » (Amaru Shataka) که‌داستان عشق حسی است ارزش بیشتری دارد .

باهر تری هری دربیان عواطف رقیق استاد مسلم است .

۴ ـ آثارجیدوا :

یکی دیگر از آثار مهم قرن دوازدهم « گیتا گوویندا » (Gíta Govinda) منظومهٔ معروف جیدوا (Jaideva) است . دراین منظومه عشق کریشنا (Krishna) بیان شده است .

گیتا گوویندا « نمونهٔ آثار دورهٔ تحول نمایشنامه‌های بنگالی است . باین معنی که یاترا (Yátrá) ها یا مراسم وتشریفات ارباب‌انواع، بصورتی‌مردم‌پسند درمیآید . اشعار جیدوا بسیار شیرین وسلیس است .

نمایشنامه‌های سنسکریت

۱ ـ تئوری :

آغاز زمانی نمایشنامه های سنسکریت معلوم نیست میتوان گفت که قرن سوم پیش از مسیح نمایشنامه های سنسکریت بصورت تکامل‌یافته‌یی در آمده بودند برخلاف نظر برخی از محققان اروپایی نمیتوان نمایشنامه های سنسکریت را ناشی از منابع یونانی دانست . نمایشنامه‌های سنسکریت واجد مشخصات اصیل هند میباشند وشایدپس از تسلط یونانیان برباکتریا (Bactria) فقط ازلحاظ فنی‌تا اندازه‌یی زیرنفوذنمایشنامه های یونانی قرار گرفته باشند . برخی محققان باور دارندکه مکالمات منظوم ریگ‌ودا

مبنای نمایشنامه‌های هندی است . هیچ مدرکی‌دردست نیست که بتوان باتکای‌آنها گفت که یونانیان درهند بنمایش پرداختند .

محتملا نمایش‌های سنسکریت نیز مانند نمایشهای یونانی در آغاز جنبه دینی داشت . مدارکی در دست هست مبنی براینکه دراجرای پاره‌یی مراسم اساطیری برای اثبات برتری‌خدایان برشیاطین وتسلط ویشنو (Vishnu) براهریمنان صحنه‌های‌نمایش نیز برپا میشده است .

۳ ـ زبان نمایشنامه‌ها :

چون نمایشنامه‌ها مرکب از شعر ونثر وبصورتی یکنواخت و خسته کننده بود قطعاتی نیز به گویش های محلی (پراکریت) به آنها افزوده میشد . شخصیت های معتبر نمایشنامه بزبان سنسکریت و آدم های معمولی و زنان بگویش‌های پراکریت سخن میگفتند .

۳ ـ موضوع :

موضوع نمایشنامه‌ها اغلب متخذ از حماسه های قدیمی بود . صور گوناگون عشق وگاه عواطف قهرمانی موضوع اصلی نمایشنامه را تشکیل میداد . تلخی و اندوه در نمایشنامه های هندی دیده نمیشد . شاعران کوشا بودند که آثار خود را با خوشی بپایان رسانند ومردم را سرخوش سازند بدیهی است که درنمایشنامه غم وشادی با هم آمیخته بود . ولی نمایشنامه باخوشی خاتمه میبافت ودرآخرآن دعایی برای کامروایی وآسایش مردم خوانده میشد .

هر نمایشنامه شامل چند پرده (از یك تاده) و هر پرده مشتمل بر چند صحنه میگردید .

۴ ـ نمایشنامه نویسان مشهور

پانزده نمایشنامه‌از نمایشنامه‌های‌سنسکریت‌اهمیت‌بیشتری‌دارند . این‌نمایشنامه‌ها همه در فاصلهٔ قرن دوم پیش از مسیح و ۸۰۰ پس از مسیح بوجود آمده‌اند . مهمترین

نمایشنامه نویسان این دوره عبارتند از باسه (Bhása) و کالیداس و شودراکا (Shúdraka) و باوابوتی (Bhavabhúti) وشری هارشا (Sri Harsha) باسه از دیگران قدیم‌تر است ونمایشنامه های سیزده گانهٔ او تااوایل قرن حاضر در دست نبود . این نمایشنامه‌ها بسیار ساده ، لطیف و مؤثر میباشند و موضوع اصلی اغلب آنها افسانه‌های مردم پسند حماسی است .

۵ ـ شودراکا :

مریك چاکاتیکام اثرشودراکا نیز ارزش فوق‌العاده دارد . پس‌ازآن کلی کارت ـ (Clay - Cart) دارای ارزش زیاد وحاکی ازداستان عشق یك جوان برهمن است و عوامل مابعد طبیعی درآن وجود ندارد . در بعضی از صحنه‌های این نمایشنامه بزبان پاراکریت گفتگو میشود .

٦ ـ شاکونتالا اثر کالیداس :

مسلماًبرجسته‌ترین‌نمایشنامه نویس‌هند کالیداس‌است وشاکونتالا(Shakuntalá اثر معروف او همپایهٔ عالی‌ترین آثار نمایشی جهان میباشد . کالیداس سه نمایشنامه رومانتیك نوشت . شاکونتا نام بانویی‌است که عشق اوبا پادشاه دوشیانتا (Dushyanta) موضوع نمایشنامه است . اصل این نمایشنامه از مهابهارات (Mahábhárata) است ولی کالیداس آنرا با لطف و فراغت کامل بیان کرده است . این نمایشنامه بقدری در گوته نویسندهٔ بزرگ آلمانی اثر گذاشت که سعری‌دربارهٔ آن سرود . دکتر هادی‌حسن استاد دانشگاه علیگر خلاصهٔ این نمایشنامه را به فارسی در آورده و آقای علی‌اصغر حکمت سفیر کبیر سابق‌ایران درهندنیز آنرا بنظم فارسی درآورده‌اند .

۷ ـ بهاوابوتی :

بهاوابوتی (Bhavabhúti) بعد از کالیداس نمایشنامه نویس برجسته ایست و « اوتاررام چاریتا » (Uttara Ram Charita) که وی برای داستان راماینا فراهم کرد بسیار زیبا است . گرچه نوشتن این موضوع تاقرن سیزدهم ادامه یافت باز اثر بهاوابوتی هیچگاه از رونق نیفتاد .

افسانه ها

مهمترین خدمت هند به ادبیات جهانی در افسانه‌های عامیانه است . اخـلاق و تعلیمات ومثلها وفلسفهٔ اجتماعی‌بخوبی‌درافسانه‌ها منعکس‌است . معمولاً دربارهٔ حادثهٔ معینی عده‌ای افسانهٔ مختلف بوجود میآید وپراگنده میشود . افسانه‌های هند در ایران وعالم اسلامی پخش شد وبجاهای دیگررسید .

۱ ـ پنچاتانترا

ازمیان افسانه‌های هند پنچاتانترا یاکتاب چهارفصل شهرت بسیار دارد . ظاهراً پاندیت ویشنوشارما (Vishnu Sharmā) برای‌تربیت پنج‌پسرپادشاه به تألیف این‌افسانها دست‌زد . ازتاریخ تالیف اطلاعی‌دردست نیست . اما میدانیم که‌درقرن ششم به‌پهلوی و سپس به‌فارسی ترجمه شد ، همچنین درهمین زمان به‌زبان سریانی درآمد . ازتـرجمهٔ فارسی‌اثری مانده ولی‌ترجمهٔ پهلوی باقی‌نیست . عنوان‌ترجمهٔ سریانی «کلیلك ودمنك» میباشد که درعربی «کلیله ودمنه» شده است . ازمقایسهٔ این ترجمه هاچنین برمیآید که متن اصلی (سنسکریت) در کتاب « تانترا خیاییکا » (Tantrākhāyikā) سالم‌تـر مانده است .

۲ ـ درادبیات بودایی جینی

بعضی بـرای این افسانه‌ها منشایی بودایی وجینی قائلند . شك نیست که بسیاری از قصه‌های پیروان آیین جین (Jain) و افسانه‌های مربوط به ولادت بودا از دیـر زمان درهند شیوع داشته است ولی نمیتوانیم ارتباط این افسانه‌ها را با مآخذ بودایی و جینی معلوم کنیم .

درهرحال افسانه‌های کلیله و دمنه در اروپا بنام افسانه‌های «بیدپا» یا «پیل‌پا» مشهور شد ودر داستانهای لافونتن مؤثر افتاد .

۳ ـ هیتوپدشا

مجموعهٔ دیگری‌از افسانه‌هابنام‌هیتوپدشا (Hitopadeśa) از کلیله ودمنه گرفته

شده‌است . این‌مجموعه که ازاولین کتب قرائتی‌خوانندگان زبان‌سنسکریت است، شامل چهار کتاب است . مجموعهٔ دیگر «وتال- پنچاویمشاتی» (Vetala – Pancavimsati) نام دارد ، شامل۲۵ افسانه . مجموعهٔ دیگر، « شوکا - ساپتاتی » (Shuka - Saptati) شامل ۷۰ افسانه است .

۴ ـ منابع دیگر

« کاتا ـ سریت ـ ساگار » (Kathā – Sarit - Sāgara) ، « بریهات ـ کاتا ـ منجاری » (Brihat - Kathā - Manjarī) درقرن یازدهم بوسیله کاشمیر (Kashmir) تنظیم شد و مرکب ازشعر ونثر است .

۵ ـ نثرنویسی

گرچه ادبیات منثور سنسکریت غنی نیست ، از برخی آثار مهم منثور مانند آثار « داندین » (Dandin) و بانا (Baṇa) و سوباندهو (Subandhu) ارزش‌فراوان دارند . کادامباری (Kādambarī) اثربانا بسیارزیبا است .

البته دراین مختصرازآثار فلسفی وحقوقی وپزشکی سنسکریت نامی بمیان‌نیامده است .

افسانه‌های هند و کلیله ودمنه

مبدأ تاریخی افسانه(۱) های ادبیات‌سنسکریت‌تا اندازه‌ای تاریک‌بوده وروی این اصل مسائل مهمی در آن وجود دارد که حتی تا امروز هم لاینحل مانده است . بسیار مشکل‌است که بتوان اظهارداشت که این افسانه‌هادرچه‌زمان شروع‌شده وچه کسی اصل وپایه‌آنها را بنیان‌نهاده است . در ودا که یکی ازمنابع نخستین ومهم آریاییهااست چند افسانه دیده میشود . در اوپانیشادها (Upanisadas) و متون دیگرحکایات وداستانهایی

۱ ـ لغت افسانه دراین مقاله ترجمه لغت انگلیسی fable است که عموما به پند و اندرزهایی که بصورت افسانه‌هایی اززبان حیوانات بیان میشود اطلاق‌میگردد . بهترین نمونهٔ این افسانه‌ها کلیله ودمنه است .

مشاهده میشود که شاید تااندازه‌ای تعلیمات اخلاقی محسوس و روشن افسانه‌های بعدی را دربر ندارند .

هرتل (Hertel) یکی از دانشمندان مشهورعقیده دارد این‌افسانه‌ها دست کم از دویست سال قبل ازمیلاد مسیح وجود داشته‌است . بنفی (Benfey) یکی از دانشمندان بزرگ آلمان اظهار میدارد که اصل‌این افسانه‌ها بودایی بوده ، ولی دراین مورد دلیل قاطعی اظهار ننموده است . بعضی از دانشمندان اروپایی که سردسته‌آنها وبر(Weber) است ، طرفدارفرضیه نفوذیونان دراین‌افسانه‌ها بوده ولی‌تئوری‌آنان بادلیل‌قانع کننده‌ای همراه نیست ومدارکی برای اثبات‌آن دردست ندارند .

یکی از مهمترین افسانه‌های تعلیماتی و اندرزآمیز پنچاتانترا (Panchatantra) است که بعلت داشتن پنج فصل بدین‌نام خوانده شده است . این کتاب بوسیله برزویه (Burzoi) درزمان سلطنت‌انوشیروان درحدود سال۵۴۵ میلادی به زبان پهلوی‌ترجمه شد ولی متاسفاً ترجمهٔ پهلوی واصل سنسکریت آن ازبین رفته است . ترجمهٔ پهلوی برزویه مابین‌سالهای ۵۷۰ و ۷۵۰به زبانهای سیریاك وعربی‌ترجمه شد وبسیارجای‌تعجب است که هم ترجمهٔ پهلوی وهم ترجمه عربی کتاب مجموعهٔ افسانه های پنچاتانترا به‌نام کلیله ودمنه‌خوانده شده است . شایداین کتاب درهند درابتداءبنام «کاراتاکا» و «دمناکا» نام دوشغالی که نقش مهمی دریکی ازفصول کتاب برعهده دارند خوانده میشده است . بعضی ازدانشمندان عقیده دارند این کتاب درابتداء فقط دارای سه فصل بوده و بعدها که دوفصل دیگر بدان اضافه شد بنام پنچاتانترا یعنی پنج فصل خوانده شد .

بهرحال‌حکایات پنچاتانترا مدت دوهزارسال‌است که درهند کاملا محبوب‌ومتداول است . این کتاب بعداز انجیل تنهاکتابی است که تا این اندازه به زبانهای مختلف دنیا ترجمه‌شده . علاوه‌براین‌ترجمه‌های مختلف ، که عموما ازترجمه عربی کتاب‌اقتباس‌شده آثاری ازاین افسانه‌ها درکتابهایی مانند : La Moral Filosofia ; La Fointaine ; Fables of Pilpai or Bedpai , Buch der Biespe .

و کتب دیگر مشاهده میشود . تقریبا تمام زبانهای ادبی جهان شامل ترجمهٔ افسانه ها و خوشمزگیها و فکاهیات آن میباشند . اگرچه اصل این کتاب متعلق به هندیها بوده ولی ایرانیان درانتشار آن سهم بسزایی داشته‌اند وچنانکه گفته شد اولین‌ترجمهٔ آن به زبان پهلوی تهیه واساس ترجمهٔ بعدی عربی این کتاب گردید .

بااینکه این افسانه‌ها بمنظور نصایح وتعالیم عملی اخلاقی برای شاهزادگان‌تهیه شده ولی نویسندهٔآن زحمات فراوانی برای جالب‌شدن آن متحمل شده است . مؤلف‌با ترتیب ماهرانه و هنرمندانه‌ای (مانند جعبه سیندرلا Cindrella) این افسانه‌های جدا ازهم راکه درعین حال مجموعا حکایت طویلی را ادامه میدهند ، شرح داده وحکایات متعددی برای اثبات نظرات اخلاقی خویش بیان نموده است . عموماً قهرمانان این افسانه‌ها حیوانات بوده وگیاهان نیز نقش های کوچکتری را برعهده دارند . این عادت انتخاب حیوانات درافسانه‌ها یك سنت قدیمی است که در هندوستان وجود داشته وچند افسانه بدین‌گونه در ودا و اوپانیشادها و ماهابهاراتا وجود دارد که درآنها حیوانات از حکمت ودانش گفتگومینمایند . هم‌چنین درافسانه‌های مربوط‌به ولادت بودا ، حیوانات نقش مهمی را برعهده دارند .

این طرز افسانه‌های جدا ازهم‌که در ضمن مجموعا افسانهٔ طویل‌تری را ادامه میدهند درقرون وسطی‌بسیار متداول بود . حکایات شبهای عرب وهزارویك‌شب یکی‌از نمونه‌های آنست .

پنچاتانترا در نسخه‌های مختلف و متنوع وجود دارد و تنوع این نسخ بعلت محبوبیت این کتاب بوده که در هردوره افسانه‌های آنرا با وضع زمان تعدیل و نسبت به‌تمایلات واحتیاجات خویش‌تغییراتی به‌متن کتاب داده‌اند . بغیرازچاپ (Recension) پهلوی چهار چاپ مهم دیگربنامهای چاپ شمال‌غرب ، چاپ کشمیر، چاپ نپالی وچاپ هیتوپدشا خوانده میشوند . آخرین چاپ بنا بر روش پنچاتانترا تهیه و در آن صریحا اقرار شده است که تا چه اندازه مرهون پنچاتانترا میباشد .

راجع به مأخذ اولیه این افسانه‌ها نظرات مختلفی است ، ولی همهٔ دانشمندان توافق دارند که بیشتر آنها از بریهات کاثا ـ مجموعه‌ای از افسانه‌ها که فعلا بیشتر آن از بین رفته ـ اقتباس‌شده است . چنانکه گفته‌شد بریهات کاثا بزرگترین مجموعهٔ افسانه‌هابوده ودر آن‌هفتصد هزارشلوکاس (Shlokas) وجود داشته‌وفقط یك‌هفتم‌آن باقیمانده‌است . مجموعه‌های‌دیگری ازافسانه‌هابنام « وتال‌ـ پنچاویمشاتی» (Vetāl - Pancavimśati) (بیست‌وپنج‌افسانه گویلین) « سیمهاسانا ـ دوا ـ ترنیشات ـ پوتایکا» (سی‌ودو افسانه گفته شده بـوسیله تخت سلطنت به ویکراماشاه) وجود دارد که هردو اثر مشخصات بودایی دارند . مجموعهٔ دیگر بنام «شوکا ـ سابتاتی» (هفتادافسانه گفته شده بوسیله‌طوطی) که ارتباط به‌زن وشوهری دارد ، موجود است . و هرسه‌اثر به‌نثر نوشته‌شده . دومجموعه دیـگر افسانه‌ها درکشمیر هردو بسبك شعر نوشته شده کـه یکی مجموعه‌ای بنام «بریهات ـ کاثا ـ منجاری» (شکوفهٔ حکایات) بوسیله کشمندرا سروده شده ودیگری‌بنام «کاثا ـ ساریت‌ساگر» (اوقیانوس‌حکایات) بوسیلهٔ سومادوا به‌نظم‌درآمده است . درهردو این آثار بریهات کاثا مأخذ افسانه‌ها ذکر گردیده ودرقرن دهم و دوازدهم میلادی‌تنظیم شده‌اند . اشعار اخلاقی این دواثر وکتب دیگر بصورت شعر « درام » کتب حقوقی و حماسه‌سرایی منتشر گردیده است .

۳ ـ مختصری دربارهٔ دستور سنسکریت

فراگیرندگان زبان‌سنسکریت اغلب بعلت دستور آن هراسان‌میشوند درحالیکه دستور سنسکریت چندان پیچیده ومشکل‌نیست بلکه‌جامع و کامل است واگر کمی‌دقت شود ، مسلم خواهد گردید که مطلب پیچیده‌ای وجود ندارد که در مبتدیان ایجاد ترس بنماید زیرا هر زبانی کیفیات مخصوصی دارد که با حوصله وتمرین قابل یادگرفتن است . وقتیکه دانش‌آموز باساختمان واصول‌زبان‌آشناشد میتواند بسهولت پیشرفت کند .

مطالب مختصر ذیل اشکالات اولیه گرامر سنسکریت را به‌آسانی برطرف خواهند کرد .

الفباء سنسکریت

زبان سنسکریت باخط **دوناگری** (زبان خدایان) Devanāgarī نوشته‌میشود . نمونهٔ حروف‌آنرا درقسمت‌جداگانه‌ای بعداً خواهیم‌آورد . ودراینجا الفباء سنسکریت رابا خط لاتین و فارسی‌می‌آوریم . خط دوناگری دارای۴۸حرف است که شامل‌حروف صدادار و بی‌صدا است . و این حروف برطبق قواعد علمی صدا شناسی (Phonetic) دسته‌بندی شده‌اند .

حروف صدادار

الف ـ مصوت مفرد

آ	ā	ا	a	گلویی
ای	ī	ای	i	کامی
او	ū	ا	u	لبی
ری	ṝ	ری	ṛ	مغزی
		لری	lṛ	دندانی

ب ـ مصرت مرکب

آی	ai	ای e	کامی
او	ou	او o	لبی

آح ah (بافشار تلفظ میشود)

آم am (غنه)

حروف بی صدا

گلویی	Guttural	k کـ	kh که	g گ	gh گه	ṅ
کامی	Palatal	c چ	ch چه	j ج	jh جه	ñ
مغزی	Lingual	ṭ ت	ṭh ته	ḍ د	ḍh ده	ṇ
دندانی	Dental	t ت	th ته	d د	dh ده	n ن
لبی	Labial	p پ	ph په	b ب	bh به	m م
نیم‌صدا	Semi-vowels	y ی	r ر	l ل	v و	
صفیری	Sibilants	ś ش	ṣ ش	s س		
فشاری	Aspirate	h ح				
غنه	Nasal	ṅ	ñ	ṇ	n	m

۱ ـ اسامی وصفات Nouns and Adjectives

الف ـ درسنسکریت اسامی وصفات آنقدر بهم شبیه و نزدیك است که میتوان یکجا ازآنها بحث کرد . اسامی و صفات دارای سه جنس یعنی مذکر ومؤنث و خنثی میباشند .

هیچ قانون مؤکدی دربارهٔ تشخیص وتعیین جنس در زبان سنسکریت وجـود ندارد بلکه فقطازروی استعمال یك‌اسم‌یاصفت میتوان بجنس‌آن پی‌برد . مثال :

آسوا « نریان » (اسب‌نر) ، مذکر

مالا (تاج‌گل) ، مؤنث

جلام (آب) ، خنثی

ب ـ همهٔ اسامی وصفات ازحیث عدد بسه دسته تقسیم میشوند : مفرد و تثنیه و جمع . استعمال تثنیه درسنسکریت بسیارمتداول است ؛ برخلاف زبان‌یونانی که درآن تثنیه درحال فراموش شدن است .

ج ـ کلمات سنسکریت دارای هشت حالت هستند : فاعلی ـ مفعول به ـ مفعول فیه ـ مفعول‌عنه ـ مفعول‌مع ـ ملکی ـ ندا . حالت فاعلی وندا فقط درمفرد تغییرمیکند وتصریف خنثی درفاعلی ومفعولی عیناً یکی است .

د ـ کلمات خنثی‌درتمام حالات تابع مذکرهستند مگردرحالت فاعلی‌ومفعولی . ریشهٔ اسامی و صفات و مشتقات فعل یا به حروف صدادار ختم میشوند ویا به بیصدا . حروف آخراصلی عبارتند از :

۱ ـ ریشه‌هایی‌که به «اَ» و «آ» ختم میشوند ، دستهٔ اول‌مذکر وخنثی و دومی اغلب مؤنث هستند : **اسوا** ـ مذکر، **جل** ـ خنثی ، **مالا** ـ مؤنث

۲ ـ ریشه‌هایی‌که به **ای** و **او** ختم می‌شوند : این ریشه‌ها درتمام جنس‌ها یافت میشوند ، اگرچه بیشتر ریشه‌هاییکه به «او» ختم میشوند مذکرند .

مثال : **کاوی** (شاعر) ، مذکر . **ماتی** (عقل) ، مونث . **واری** (آب) ، خنثی . **بهانو** (خورشید) ، مذکر . **مادهو** (عسل) ، خنثی . **دهنو** (گاو) ، مونث .

۳ـ ریشه‌هاییکه‌به **ای** و **او** (کشیده) ختم‌میشوند : این ریشه‌ها اکثرسان‌مونث هستند مثال :

نادی (رودخانه) . **داسی** (کلفت) . **وادهو** (عروس) .

۴ ـ ریشه‌هایی‌که بحروف بی‌صدا ختم میشوند متعدد هستند وسامل هرسه‌جنس میباشند ولی **آم** و **اس** بیشتر خنثی هستند .

۵ ـ ریشه‌هایی‌که به **ری** و **ری** (کشیده) ختم میشوند : اینها درهرسه جنس یافت میشوند مثلا **پیتر** (پدر) ، مذکر . **ماتری** (مادر) ، مونث . **داتری** (بخشنده) ، مذکر و خنثی .

هـ ـ تغییرات طبیعی برای حالات مختلف در سنسکریت بشرح زیر است که برطبق قواعد گرامر تغییر میکنند :

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom .	s (m,f) m (n)	au (m,f,n) i (n)	as (m,f) i (n)
Acc .	am (m,f) m (m,f,n)	au (m,f) i (n)	as,s (m,f) n (m) i (n)
Ins .	a (m,f,n) ina (m,n)	bhyām (m,f,n)	bhis (m,f,n) ais (m,n)
Dat .	e (m,f,n) ya (m,n)	bhyām (m,f,n)	bhyas (m,f,n)
Abl .	as (m,f,n) t (m,n)	bhyām (m,f,n)	bhyas (m,f,n)
Gen .	sa (m,f,n) sya (m,n)	os (m,f,n)	ām (m,f,n)
Loc .	i (m,f,n) sm , su	os (m,f,n)	su (m,f,n)

۳ ـ ضمایر واعداد : Pronouns

الف ـ ضمایر واعداد نیز ازحیث جنس وعدد بسه دسته تقسیم میشوند . ضمایر حالت ندائی ندارند درحالیکه اعداد دارند .

ب ـ ضمایر شخصی عبارتند از :

	مفرد	تثنیه	جمع
اول‌شخص	sah	tau	te
دوم‌شخص	tvam	yuvām	yūyam
سوم‌شخص	aham	āvām	vayam

همانطور که ملاحظه میشود این ضمایر فقط دراول شخص ازحیث مذکر و مونث تغییر میکنند ودرسایر اشخاص عیناً یکی هستند .

ج ـ ضمایر اشاری دارای سه‌جنس وسه‌عدد وهفت حالت هستند .

د ـ استعمال ضمیر موصولی یاد تاحدی در زبان سنسکریت عجیب است . این ضمیر دارای سه جنس است . در سنسکریت ضمیر و اسمی که ضمیر بآن عطف میشود قبل‌از جمله موصول میآید مثلا . yam bālam hyah apaśyam sah āgatah

یعنی : آن پسررا که دیشب دیدم او آمده است .

ه ـ ضمیر استفهامی کیم (kim) دارای سه جنس است . برای دلالت بیک‌معنی مبهم ، گاهی یکی از پساوندهای ذیل باین ضمیر اضافه میشود :

	هرچه	چیز معینی	
Masc.	kas – cid	kas – cana	kah – api
Fem.	ka – cid	ka – cana	kā – api
Neu.	kim – cid	kim – cana	kim – api

ه ـ اعداد یك ـ دو ـ سه دارای سه‌جنس هستند ولی یك فقط مفرد و دو فقط تثنیه وسه فقط جمع است . ازسه تا ده فقط درجمع تصریف میپذیرند .

۳ ـ فعل : THE VERB

الف ـ زبان سنسکریت ازحیث ریشهٔ افعال غنی است و از این لحاظ شباهت فراوانی بزبان یونانی‌دارد . ادبیات ودایی زبان ، دارای اشکال مختلفی‌بوده که درزمان حاضر بمیزان قابل‌توجهی ازتعداد آنها کاسته شده است .

ب ـ افعال سنسکریت دارای دوبناء معلوم ومجهول هستند : بعلاوه ، بناء معلوم به دو حالت تقسیم میشود : معلوم ومیانه . این دوبناء دارای تصریف جداگانه هستند و گاهی یك ریشه بهردو بناء صرف میشود . بناء معلوم‌بوسیلهٔ اسم (Parasmai - pada) وبناء میانه بوسیلهٔ اسم (Atmane - pada) شناخته میشود .

(معلوم) sah yajati : Active اوقربانی میکند .

(میانه) sah yajate : middle او قربانی میکند .

(مجهول) tena ijyate : passive بوسیلهٔ اوقربانی میشود .

ج ـ اشخاص ـ افعال در سنسکریت دارای سه شخص هستند که هرشخص نیز یا مفرد است یا تثنیه ویا جمع . بهرحال باید دقت کرد که اول شخص سنسکریت معادل باسوم شخص زبان فارسی است .

د ـ ریشهٔ افعال درسنسکریت بده دسته تقسیم میشوند که هردسته دارای تصریف مخصوصی است . برای آسانی میتوان افعال را بدودسته تقسیم کرد :

Thematic و non - Thematic . تصریف دستهٔ اول وچهارم و ششم ودهم Thematic است و ریشهٔ آنها a میگیرد . تصریف دستهٔ دوم و سوم و پنجم و هفتم و هشتم و نهم

Non - thematic است و ریشه‌های آنها حروف دیگری میگیرند که برطبق آن حروف نیز دسته‌بندی میشوند.

Thematic : √bhū - bhavati ، √dṛś - paśyati

√tud - tudati ، √cur - corayati

Non - thematic :

√as - asti ، √dā - dadati ، √su - sunoti

√krí - krīṇāti ، √rudh - rundhati ، √kṛ - karoti

زمان ووجوه افعال Moods and Tenses

افعال دارای سه زمان هستند: گذشته (ماضی) وحال وآینده.

زمان حال دارای چهار وجه است: وجه اخباری - وجه امری - وجه‌التزامی - وجه دعایی.

Benedictive - Optative - Imperative - Indicative

زمان گذشته به ماضی مطلق و ماضی نقلی و ماضی بعید و (Aorist) تقسیم می‌شود.

Aorist : Imperfect and perfect .

زمان آینده به مستقبل قریب و مستقبل بعید وشرطی تقسیم میشود.

Conditional ، Indicative ، Immediate .

بهرحال برای مبتدیان یادگرفتن چهاروجه زیر بسیار ضروری وآسان است.

۱ - حال اخباری ۲ - امر ۳ - آیندهٔ بعید ۴ - ماضی نقلی

Past - imperfect ، Future - indicative ، Imperative ، Present - indicative

افعال مشتق - سنسکریت دارای خصوصیت دیگریست وآن اینست که فعل اصلی برحسب معنی مورد نظر بانواع مختلف، تصریف میگردد، ازمیان این انواع چند قسمت زیر بسیار متداول است:

Causative Verb

۱ - سببی - این اشتقاق با افزودن ay به ریشه ساخته میشود و بخصوص در -

موردی که شخص دیگری غیرفاعل ، تشویق بانجام عمل‌میکند بکار برده میشود مثال :
√gam - gamayati رفتن ـ او میرود ـ او روانه میکند .

Desiderative Verb

۲ ـ هوسی ـ و آن درمواردی استعمال میشود که غرض‌بیان هوسی باشد . برای ساختن‌این‌فعل، ریشهٔ اصلی‌تکرارو‌حرف S اضافه میگردد مثال : √gam - jigamisati او میخواهد برود .

Denominative Verb

۳ ـ اسمی ـ این وجه عبارتست ازتصریف اسم‌مانند فعل مثال :

خوشبختی ـ اوخوشبختی میآورد	sukha - sukhayati
ریاضت ـ او ریاضت میکشد	tapas - tapasyati
الاغ ـ او احمقی میکند	gardabha - gardabhayate

Adverbs , Prepositions and Conjunctions .

۴ ـ قید ـ حرف اضافه ـ حرف ربط

الف ـ پیشاوندهای فعلی ـ سنسکریت‌دارای پیشاوندهای متعددیست که بصورت قید استعمال میشوند ودر معنی فعل واسم هردو تغییر میدهند .

این پیشاوندها جای مستقلی ندارند ولی باسم وفعل اضافه میشوند .

او دنبال میکند	√gam anu - gacchati
جمع میشود . اوهمراه میشود . یکی‌میشود .	sam - gacchati
او خارج میشود	nir - gacchati
او میفهمد	ava - gacchati

ب ـ حروف اضافه ـ در سنسکریت حرف اضافه بمعنی واقعی خود وجود ندارد ولی چند حرف غیرمتصرف هستند که عمل حرف اضافه را انجام میدهند . باوجود این حروف غیرمتصرف هرگز وجود مستقلی ازخود نداشته وهمیشه بااسم یاصفتی بکاربرده

میشوند . این حروف بصورت حرف اضافه استعمال میگردند تا حالت اسم را بهتر نشان دهند .

Vinā (بدون) - sevakam vinā , sevakena vinā بدون یك مستخدم
sevakād vinā

Saha (با) - sevakena saha با یك مستخدم

ج - کلمات زیر کلماتی هستند که بنا بر قرارداد و استعمال مداوم بعنوان قید (حرف اضافه) وحرف ربط استعمال میشوند وغیر متصرف اند .

uccaih	بلند وبالا	nīcaih	پایین
adhah	پایین	upari	بالا
kutra	کجا	tatra	آنجا
atra	اینجا	śanaih	آهسته
api	هم ، نیز	sarvadā	همیشه
tadā	آن‌وقت	yadā	وقتیکه
kintu	اما	yadi	اگر
va	یا	eva	فقط

د - کلمات استفهامی - بعضی از کلمات استفهامی ضمیر و دارای جنس و عدد و تصریف‌اند درحالیکه عدهٔ دیگر غیرمتصرفند .

Pronouns :	kim	چه
	kah	که
	kim - artham	چرا
Indeclinables :	kadā	کی
	kutra	کجا
	kati	چقدر

katham چطور

kadā paryantam تاچه وقت

VERBAL NOUNS (present and past – Participles)

۵ ـ اسم مصدر Verbal noun ـ مصدر ـ اسم مفعول ـ اسم فاعل

الف ـ اسم مصدر ـ اسم فاعل Present participle

۱ـ اسم فاعل ـ با اضافه کردن at بریشهٔ بناء معلوم و māna (āna) در بعضی حالات بریشهٔ بناء میانه ساخته میشود و قابل تصریف بهرسه جنس است . در حقیقت وقتی at به ریشهٔ بناء اضافه میشود برای مذکر بهشکل an و برای مونث بهشکل anti درمیآید .

اسم فاعل درزمان حال استمراری دلالت بردو عمل میکند . مثال :

در حال افتادن او دشمن را کشت Patan sah arim hatavān

۲ـ اسم مفعول‌معلوم Past - participle ـ عبارت ازاسم مفعولی‌است که برای تصریف فعل معلوم استعمال میشود . این نوع‌اسم مفعول‌با اضافه کردن tavat به‌ریشه ساخته میشود . اسم‌مفعول معلوم‌بتمام احوال‌هشتگانه صرف‌میشود وبرحسب جنس vat را به van در مورد مذکر و به vati در مورد مونث تبدیل باید کرد .

: kṛtavatı (fem) ، ۱ kṛ – kṛtavat : kṛtavān (masc)

۳ ـ اسم مفعول مجهول ـ وقتیکه ta یا na مانند پساوند بریشهٔ فعل متعدی افزوده میشود یك صفت فعلی‌میسازد که دارای معنای مجهولی است که‌آنرا اسم‌مفعول مجهول میتوان نامید . هر گاه همین ta یا na بیك فعل لازم اضافه شود حالت مجهولی خود را از دست داده مفهوم گذشتهٔ غیرمعین بخود میکیرد .

مانند سایرریشه‌هایی‌که به a ختم میشوند این ریشه نیزدارای سه‌جنس وبهرسه جنس نیز قابل‌تصریف است .

کار بوسیلهٔ او انجام شد . $\sqrt{}$kṛ : kritah . tena kāryam kṛtam .

گویا او رفته است . $\sqrt{}$gam : gatah , sah gatah .

هنگامیکه معنای انفعالی از این فعل گرفته میشود این کلمه جنس مفعول خود را میگیرد و فاعل آن مانند وسیلهٔ انجام فعل (Instrumental) استعمال میشود .

پسر بوسیلهٔ او دیده شده . $\sqrt{}$dṛś - dṛṣṭrah , tena balah dṛstah

دختر بوسیلهٔ او دیده شده . dṛṣṭa - tena bālā – dṛṣṭā

Gerund and Infinitive

ب ـ Gerund عبارت از یك نوع اسم مصدر خاصی است که دارای معنی فعای باشد و بترتیب ذیل ساخته میشود : هر گاه فعل دارای پیشاوند نباشد tvā را به ریشهٔ ضعیف آن میافزاییم ولی اگر فعل پیشاوند همراه داشته باشد بجای tva ، ya را اضافه میکنیم :

$\sqrt{}$gam : gatva رفته ā – gam : āgatya آمده

$\sqrt{}$ kṛ : kṛtvā کرده upa – kṛ : upakṛtya فایده کرده

مصدر ـ مصدر با اضافه کردن tum به ریشهٔ فعل ساخته میشود .

$\sqrt{}$ gam : gantum برای رفتن

$\sqrt{}$ kṛ : kartum برای کردن

صفت تفصیلی و صفت عالی Comparative and Superlative degrees

۱ ـ مانند فارسی، صفت تفصیلی با اضافه کردن tara وصفت عالی با اضافه کردن tama بصفت مطلق ساخته میشود :

dūra دور dūratara دورتر dūratama دورترین

۲ ـ بعضی از اسامی که به iyas ختم میشوند با اضافه کردن iṣṭha بآنها صفت عالی ساخته میشود .

کوچك . کوچکتر . کوچکترین kanīyas : kanīyān , kaniṣṭha

بزرگ . بزرگتر . بزرگترین jyāyas : jyāyān , jyeṣṭha

ادغام وعدم تنافر Euphonic inflexions

ادغام یا Sandhi درزبان سنسکریت عبارت است ازترکیب حروف آخر کلمات با حروف اول کلمات بعدی برای عدم تنافر اصوات آن حروف . اگرچه ادغام دراغلب زبانها کم وبیش یافت میشود و در زبانهای اروپایی‌به Euphony معروف است . درزبان سنسکریت این جریان بحد اعلای تکامل خود رسیده و قسمت لاینفکی از دستور این زبان‌را تشکیل داده است .

ترکیب و چسباندن دوکلمه برحسب حروف صدادار و بی‌صدایی که در آخر و اول کلمات مورد نظر قرارگرفته ، تابع قواعد مختلفی است . بعضی باشتباه تصور میکنند که‌ادغام‌وعدم تنافرزاییدهٔ تخیل‌وتفکر محققان دستورزبانست‌ولی‌باید دانست که ادغام و عدم تنافر پدیده ایست طبیعی که محققان دستور زبان قواعد آنـرا مرتب نموده‌اند .

برای درك این مطلب بهتراست دانشجویان بدروسی که در آخر کتاب حاضر آورده شده مراجعه کنند . در این دروس کلمات ادغام شده بطور جداگانه ذکـر گردیده است .

ذیلا پاره‌ای از اشکال بسیارمعمولی ادغام را یادآور میشویم .

الف ـ هرگاه نزدیکی زیاد بین دوحرف صدادار مورد نظر باشد ترکیب آندو باکشیدن همان حرف صدادار بدست میآید .

kada – api : kadāpi

kavi – iśah : kavīśah

ب ـ وقتیکه a بدنبال i ، u بیاید i به y و u به v تبدیل میشود .

همین طور iti – api : ityapi

عسل بیاورید madhu – anaya : madhvānaya

ج ـ وقتی که i و u بدنبال a بیایند از ترکیب a - i ، حرف صدادار e وازترکیب a - u ، حرف صدادار o بدست میآید .

atra - idanīm : atredanīm حالا اینجا است

gatā - upari : gatopari بالا رفته

د ـ وقتی که e یا o بدنبال a بیایند، ازترکیب e با a ، ai وازترکیب o با a ، au بدست میآید .

atha – ekadā : athaikadā بعداً یك بار

tatra – odanam : tatraudanam برنج آنجا است

ه ـ قواعد مربوط به تغییر s و r متعدد است وبعداً بیان خواهدشد . s هرگاه درآخر کلمه واقع شود اغلب به h تبدیل میگردد ولی اگرحرف a برآن مقدم باشد به o تبدیل میشود .

bālah patati پسربچه میافتد

sah atra asti–/ so › trāsti او اینجا است

Compounds : کلمات مرکب

ترکیب دویاسه کلمه باهم درزبانهای هند واروپایی بسیار متداول است . زبان سنسکریت نیزاز این‌قاعده مستثنی نبوده ، کلمات مرکب فراوانی‌درآن بچشم‌میخورد . بنابرمحل کلمات ، ترکیب‌آنها را بشش‌دسته تقسیم میتوان کرد . درکلمات مرکب فقط آخرین جزء برحسب حالت کلمه تغییر می‌یابد .

مثـال :

۱ ـ وقتی که عضواول‌دارای‌اهمیت است : شاهزاده (شاه ـ زاده) rāja–putrah

۲ ـ وقتی که عضو دوم دارای اهمیت است : مارسیاه kṛṣṇa – sarpah

۳ ـ وقتی که هردوعضو دارای اهمیت هستند : مادروپدر mātā – pitarau

۴ ـ وقتی که هیچ یك از اعضاء دارای اهمیت نیست و کلمهٔ مرکب معنی جداگانه‌ای را میرساند : (جاسوس ـ چشم) پادشاه cāra – cakṣu

۵ ـ وقتی که عضو اول از حروف غیرقابل تصریف باشد : (هم ـ سفر) مستخدم anu – carah

۶ ـ وقتی که یکی از کلمات جزء اعداد باشد : پنجاب (پنج ـ آب) panca – nadam

درس اول ـ اسمها
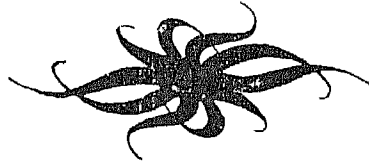
۱ ـ اسمهایی که بحروف باصدا ختم میشوند .

الف ـ کلمات مذکر ومؤنث که به (a) ختم میشوند :

phala	میوه	aśva	اسب
خنثی		**مذکر**	
dhana	ثروت	khara	خر
nakha	ناخن	simha	شیر
gyāna	علم	śuka	طوطی
dāna	سخاوت	kapota	کبوتر
puṣpa	گل	gaja	فیل
patra	برگ	uṣṭra	شتر
dina	روز	vṛka	گرگ
anna	غذا	bāla	پسربچه
ratna	گوهر	jana	مرد
jala	آب	vṛkṣa	درخت

ب ـ کلمات مؤنث که به (ā) ختم میشوند :

senā	ارتش ـ لشکر
mālā	تاج گل
bālā	دخترېچه
chāyā	سایه

dayā	مهربانی
āsā	امید
kṣamā	بخشش
bhāṣā	زبان
sandhyā	غروب
Kamalā	اسم خاص
kanyā	دختر
bhāryā	زن (همسر)
vidyā	علم
sālā	منزل
Sītā	اسم خاص

۱ ـ صرف کلمات مذکر مختوم به (a) :

asva (اسب)

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom.	asvah	asvau	asvāh
Voc.	asva	»	»
Acc.	asvam	»	asvān
Instr.	asvena	asvābhyam	asvaih
Dat.	asvaya	»	asvebhyah
Abl.	asvat	»	»
Gen.	asvasya	asvayoh	asvānām
Loc.	asve	»	asveṣu

۲ ـ صرف کلمات خنثی مختوم به (a) :

phala (میوه) ـ خنثی

Nom.	phalam	phāle	phalāni
Voc.	phala	»	»
Acc.	phalam	»	»

صرف حالات دیگر مانند صرف مذکر است .

۳ ـ صرف کلمات مؤنث مختوم به (ā) :

bālā (دختر)

Nom.	bālā	bāle	bālah
Voc.	bāle	»	»
Acc.	bālām	»	»
Instr.	bālayā	bālābhyām	bālābhih
Dat.	bālāyai	»	bālābhyah
Abl.	bālāyāh	»	»
Gen.	bālāyāh	bālayoh	bālānām
Loc.	bālāyām	»	bālāsu

تمرین

کلمات زیر را بفارسی بر گردانید :

s'ukam . bālān . as'vena . gajāya . janaih . kapotābhyām . bālayoh . gyānena . vṛks'āt . simhasya . patrāṇām . senām . bālayā . chāyāyām . khareṇa . dinayoh . puṣpeṣu . Sītāyai . senābhih . s'ālāyām .

درس دوم

ج ـ کلمات مذکر ومؤنث وخنثی مختوم به (i) :

خنثی ، مؤنث		مذکر	
gati f	خرامیدن	kavi	شاعر
mati f	عقل	ali	زنبور
sānti f	آرامش	muni	درویش ـ قلندر
prīti f.	عشق	agni	آتش
vāri n.	آب	pati	شوهر

۱ ـ صرف کلمات مذکر مختوم به (i) :

kavi (شاعر)

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom.	kavi	kavī	kavayah
Voc.	kave	»	»
Aoc.	kavim	»	kavīn
Instr.	kavinā	kavibhyām	kavibhīh
Dat.	kavaye	»	kavibhyah
Abl.	kaveh	»	»
Gen.	kaveh	kavayoh	kavīnām
Loc.	kavou	»	kaviṣu

۲ ـ صرف کلمات مؤنث مختوم به (i) :

mati (عقل)

Nom .	matih	matayah
Voc .	mate	»
Acc .	matim	matih
Instr .	matinā	matibhih
Dat .	mataye – matyai	matibhyah
Abl .	mateh – matyāh	»
Gen .	mateh »	matinām
Loc .	matau – matyām	matisu

تثنیهٔ این کلمه مانند تثنیه درحالت اول است :

۳ ـ صرف کلمات خنثی مختوم به (i) :

ـ vāri (آب)

Nom . Voc .	vāri	vārīṇi	vārīṇi
Acc .	vārṇnā	vāribhyām	vāribhih
Instr .			vāribhysh
Dat .	vāriṇe		»
Abl .	vāriṇeh	vāriṇoh	vāriṇām
Gen .	»	»	vāriṣu
Loc .	vāriṇi		

فعل : زمان حال

صرف زمان حال فعل بودن وشدن : √ as

	مفرد	تثنیه	جمع
اول شخص	asmi	svah	smah
دوم شخص	asi	sthah	stha
سوم شخص	asti	stah	santi

ضمیر شخصی

aham	من	āvām	ما دونفر	vayam	ما
tvam	تو	yuvām	شمادونفر	yūyam	شما
sah	او	tau	آن دونفر	te	آنها

۱ ـ صرف زمان حال فعل بودن : as √ باضمیر :

aham – asmi	āvām – svah	vayam – smah
tvam – asi	yuvām – sthah	yūyam – stha
sah – asti	tau – stah	te – santi

۲ ـ صرف زمان حال فعل pat √ : افتادن

اول شخص	patāmi	patāvah	patāmah
دوم شخص	patasi	patathah	patatha
سوم شخص	patati	patatah	patanti

تمرین

۱ ـ جملات زیر را بفارسی بر گردانید :

sah aśvah asti	sā bālā asti .
tvam balah asi	phalam patati .
aham janah asmi	vṛksāt patram patati
Ramah sitayāh patih asti	śukāh vṛkse santi
simhah vanesu santi	jale puspāṇi santi
Hasanah aśvāt patati	vayam vṛkṣāt jale patāmah .

۲ ـ جملات زیر را به سنسکریت بر گردانید .

او پسر است . اینها دختراند . کملا (Kamalā) دختر وحسن پسر است . روی درختهامیوه‌است . نزدیك‌است که شما از اسب‌بیفتید . فیل‌در آب‌میافتد . درخانه‌مقداری گل است . فیل درجنگل است . سیتا دختر جناکا است . آنها درخانه‌اند .
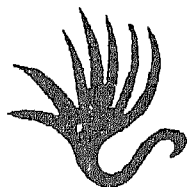
درس سوم

اسمهای مذکر و مؤنث مختوم به(ī و u)

مذکر		مؤنث	
paśu	حیوان	nadī	رودخانه
bhānu	خورشید	devī	الهه
sādhu	قلندر	nārī	زن
guru	استاد	dāsī	کلفت
śatru	دشمن	patnī	زن(درمقابل‌شوهر)
paraśu	تبر	nagarī	شهر

صرف‌کلمات مؤنث مختوم (ī) :

nadī (رودخانه) ـ مؤنث

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom.	nadī	nadyau	nadyah
Voc.	nadi	«	«
Acc.	nadīm	«	nadīh
Instr.	nadyā	nadībhyām	nadibhih
Dat.	nadyai	«	nadībhyah
Abl.	nadyāh	«	«
Gen.	«	nadyoh	nadīnām
Loc.	nadyām	«	nadīśu

صرف کلمات مذکر مختوم به (u) :

guru (معلم) ـ مذکر

Nom.	guru	gurū	guravah
Voc.	guro	«	«
Acc.	gurum	«	gurūn
Instr.	guruṇā	gurubhyām	gurubhih
Dat.	gurave	«	gurubhyah
Abl.	guroh	«	«
Gen.	«	gurvoh	gurūṇām
Loc.	gurau	«	guruṣu

Conjugational Verbs افعال تصریفی:

صرف سوم شخص مفرد زمان حال ریشه

رفتن	√ gam (gacch)	gacchati
خندیدن	√ has	hasati
خواندن	√ paṭh	paṭhati
صحبت کردن	√ vad	vadati
حمل کردن	√ nī	nayati
نوشیدن	√ pā (pib)	pibati
خوردن	√ khād	khādati
زندگی کردن	√ vas	vasati
توقف کردن	√ sthā (tisth)	tisṭhati
دیدن	√ dṛś (paśya)	paśyati

تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید :

janāh grihesu vasanti . kapotāh vṛkṣesu vasanti . gajah nadyāh jalam pibati . aham ākāśe bhānum paśyāmi. . guroh putrah sādhunā nadyām gacchati . aśvah nṛpam nagarīm nayati . dāsyah devyai phalāni nayanti . śukāh vrkṣeṣu phalāni khādanti . Ahmadah pāsūn vaneṣu nayati . bālāh ākāśe bhānum paśyanti . sādhuh gṛhe tiṣṭhati . pibanti nadyah svayam na jalam . svayam na khādanti phālāni vṛkṣāh . simhah kharasya śatruh asti . tvam patnyā saha nagarīm gacchasi.

۲ ـ جملات زیررا بهسنسکریت برگردانید :

آنجا دودرخت‌است . شما کجامیروید ؟ من‌صبحهامیوه‌میخورم . امروز مامیخواهیم بشهربرویم . اکنون‌غروب‌است . روزها پشت‌هم‌میآیند ومیروند ولی مامیمانیم . دخترها چطور گلهارا میبرند ؟ اینجا سایه است . اگرشما بجنگل بروید، من‌نیزمیروم . دختران مشغول خوردن میوه وخندیـدن‌انـد . آنها اسب نیستندبلکه خراند.

درس چهارم

اسمهای مذکر ومؤنث مختوم به (ṛ)

پدر	pitṛ
بخشنده	dātṛ
برادر	bhrātṛ
دختر	duhitṛ f.
مادر	matṛ f.
خواهر	svasṛ f.

صرف کلمهٔ (pitṛ) (پدر) ــ مذکر

Nom.	pitā	pitarau	pitarah
Voc.	pitah	«	«
Acc.	pitaram	«	pitṝn
Instr.	pitrā	pitṛbhyām	pitṛbhih
Dat.	pitre	«	pitṛbhyah
Abl.	pituh	«	«
Gen.	«	pitroh	pitṛṇām
Loc.	pitari	«	pitṛṣu

تبصره : کلمات مؤنث مختوم به (ṛ) فقط درحالت جمع (Accusative) مانند mātṝh صرف میشوند وبقیهٔ حالات آنها مانند مذکر است .

INDECLINABLES : کلمات غیر متصرف

کلمات غیرمتصرف زیر دارای جنس وشماره وحالت نیستند وتغییر ناپذیرند.

اینجا	atra	واو (عاطفه)	ca
آنجا	tatra	فقط	eva
جاییکه	yatra	یا	vā–athavā
کجا	kutra	هم	api
هرجا	sarvatra	نه	na
آنوقت	tadā	مانند	iva
وقتیکه	yadā	آهسته	śanaih
چه‌وقت	kadā	چگونه	katham
هروقت	sarvadā	صبح	prātah
چنانکه	yathā	عصر	sāyam
بنابراین	tathā	اکنون	adhunā
دیروز	hyah	امروز	adya
پس‌فردا	paraśvah	فردا	śvah

تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید:

bālā mātrā sah nagarīm gacchati . tvam pitrā kutra gacchasi ? gajāh śanaih śanaih nadyām gacchanti . mātā duhitre phalāni puṣpāṇi ca nayati · adhunā vayam guroh pustakam paṭhāmah . adya vayam pitrā nagarīm gacchāmah kim tvam api gacchasi? janāh vṛkṣāṇām phalāni kutra nayanti ? yatra yatra agnih tatra tatra

dhūmah asti . bhānuh sarvatra ākaśe gacchati janān ca paśyati . putrah pitaram vadati pitā hasati . Mālā adya prātah bhrātrā sah kutra gacchati ? nāryah hasanti janāh ca paśyanti .

۲ ـ جملات زیررا به‌سنسکریت برگردانید :

پسران درس میخوانند . گله بجنگل میرود . کبوترها میوه می‌خورند : ماآب میآشامیم . خدمتکار زن گلهارامیآورد . پروین بخورشید نگاه میکند. گله درسایه میماند . شما مشغول خندیدن بدختران هستید . شیر، گوشت الاغ را میخورد . مردم درشهر وپرندگان روی‌درختان زندگی میکنند .
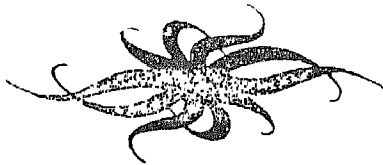
درس پنجم

۴ - اسمهایی که بحروف بی‌صدا ختم‌میشود وماضی نقلی

هوا	marut m	فکر	manas n
پزشك	bhiṣak m	ریاضت	tapas n
تاجر	vaṇik m	آب	payas n
جهت	dik f.	تاریکی	tamas n
گفتار	vāk f.	چشم	cakṣus n

صرف کلمهٔ marut (مذکر) و vāk (مؤنث) :

	مفرد		جمع	
Nom.	marut	vāk	marutah	vācah
Voc.	«	«	«	«
Acc.	marutam	vācam	«	«
Inst.	marutā	vācā	marudbhih	vāgbhih
Dat.	marute	vāce	marudbhyah	vāgbhyah
Abl.	marutah	vācah	«	«
Gen.	«	«	marutām	vācam
Loc.	maruti	vāci	marutsu	vāksu

صرف کلمهٔ manas (خنثی) :

	مفرد	جمع
Nom, Voc. & acc.	manah	manānsi
Instr.	manasā	manobhih

Dat.	manase	manobhyah
Abl.	manasah	«
Gen.	«	manasām
Loc.	manasi	manassu

CONJUGATIONAL VERBS : صرف افعال

(Past–Imperfect Tense) : ماضی نقلی

صرف √pat (افتادن)

	مفرد	جمع
اول شخص	apatam	apatāma
دوم شخص	apatah	apatata
سوم شخص	apatat	apatan

صرف √pib (pā) (نوشیدن)

اول شخص	apibam	apibāma
دوم شخص	apibah	apibata
سوم شخص	apibat	apiban

تمرین

١ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید :

adya s'ītah marut calati . hyah bhrātrā udyānam agacchama tatra dis'i dis'i puṣpāṇi apas'yam . nārīnām vāk madhurā bhavati. munih Vis'vamitrah tapasā Indram ajayat . payasā kamalam kamalena ca payah vibhāti . tamasi cakṣusā kim api na pas'yāmi . aham bhisajah gṛhe gacchāmi . yūyam bālam kutra nayatha ? adhunā tamah asti ? gajāh as'vāh ca nadyāh jalam apiban . vayam payasi sundarāṇi kusumāni apas'yāma . vaṇijah patnī phalāni puspani ca nagare anayāt . nṛpasya gajāh vṛksānām patrāṇi phalāni ca akhādan .

۲ ـ جملات زیررا به‌سنسکریت برگردانید :

او ازدرخت بزمین افتاد . شمادیروزکجا رفتید . شاه بزرگی موسوم به انوشیروان زندگی‌میکرد . صدای‌بچه‌ها شیرین‌است . میوه‌هاوگلهارا تاجر بشهرمیبرد . «سیما»و«ریما» دختران زیبایی‌هستند . آب‌رودخانه شیرین است . وقتیکه باد سردمیوزد ، مردم بدرون خانه‌هاشان میروند . پرندگان از این درخت بآن درخت‌می‌پرند . اکنون هوا تاریک‌است وشغالها میآیند .
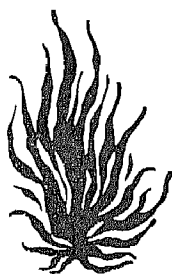
درس ششم

کلمات : اسمها

sevā f.	خدمت	sevaka m.	نوکر
lajjā f.	خجلت	kūpa m.	دلو
makṣikā f.	مگس	pavana m.	باد
jihvā f.	زبان	mṛga m.	آهو
yātrā f.	مسافرت	rājan m.	شاه
vātāyana n.	پنجره	ātman m.	روح-خود
āsana n.	قالیچه	balin m.	قوی
sopāna n.	پله	dhanin m.	ثروتمند
jalāśaya n.	آبگیر	guṇin m.	شایسته
āhāra n.	غذا	svāmin m.	مالك

صرف اسمهای مذکر مختوم به (an-) و (in-) :

rājan : (شاه)

	مفرد	جمع
Nom.	rājā	rājānah
Voc.	rājan	rājānah
Acc.	rājānam	rājñah
Instr.	rājñā	rājabhih
Dat.	rājñe	rājabhyah
Abl.	rājñah	<

Gen.	rājñah	rājñām
Loc.	rājñi	rājasu

(نیرومند) : balin

Nom.	balī	balinah
Voc.	balin	«
Acc.	balinam	«
Instr.	balinā	balibhih
Dat.	baline	balibhyah
Abl.	balinah	«
Gen.	«	balīnām
Loc.	balini	baliṣu

صرف کلمهٔ (nāman) (نام) ـ خنثی :

Nom.	nāma	nāmāni
Acc.	«	«
Voc.	nāman	»

تبصره : صرف حالات دیگر مانند صرف (rājan) است .

افعال

√ likh	نوشتن
√ nam	تعظیم کردن
√ pac	پختن
√ tāḍ	زدن
√ gaṇ	شمردن
√ smṛ	بخاطر داشتن
vi- √ smṛ	فراموش کردن
√ krīḍ	بازی کردن

$\sqrt{}$ roh	کاشتن
ā $\sqrt{}$ roh	بالارفتن
ava– $\sqrt{}$ roh	پایین آمدن
ut– $\sqrt{}$ pat	پریدن
$\sqrt{}$ kṛ	کردن

تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید :

sevakāh svāminah sevām kurvanti . rājñah sevakāh as̛avaih jalās̛ayam gacchanti . hyah kutra api na agaccāma ātmanah gṛhe atiṣṭhāma . Iqbālah guṇī bālah asti pratidinam pituh sevām karoti . simhah mṛgāṇām mānsam khādati . vayam ātmnah udyāne puṣhpāṇi rohāmah . dhaninah yātrāyai as̛vān ārohanti · kapotāh vṛkṣāt vṛkṣam utpatanti . te sopānena gṛhasya upari agacchan tatra bālaih akrīḍan . Shakuntalā lajjayā kim api na avadat kevalam tūṣṇīm atiṣṭhat.

۲ ـ جملات زیررا به‌سنسکریت برگردانید :

نوکران آب‌را ازچاه میآورند . بچه‌ها در مدرسه بازی میکنند . رستم بسیار نیرومند وشجاع بود . من‌سرگرم نوشتن کاغذی‌بپدرم‌هستم . خواهراو بابرادرمن بشهر رفته‌است . ثروتمندان بگدایـان غذا میدهند . یك حوض زیبای پرآب آنجاست . من همیشه‌بیادشماوپسرتان هستم . دیروزآموزگار کتاب‌خوبی به‌احمدزد . پرندگان درآسمان‌پروازمی‌کنندودخترها از کوه‌بالا میروند . او ازپله‌ها پایین آمد . نوکرها درباغ، درخت میکارند . آدم‌شجاع هرگز غمها وشادیهارا نمی‌شمارد.

درس هفتم

صرف اسمهایی که بحروف بی صدا ختم شوند

	مذکر	مؤنث
دانشمند	vidvān	viduṣī
خدا ـ ثروتمند	bhagavān	bhagavatī
خوشگل	rūpavān	rūpavatī
سنگین	garīyān	garīyasī
بزرگ	jyāyān	jyāyāsī
بزرگتر	jyeṣṭha	jyeṣṭhā
کوچکتر	kaniṣṭha	kaniṣṭhā

وقت	kālā	اجازه	ājñā
اعتقاد	viśvāsa	انجمن	sabhā
گدا	yācaka	شماره	gaṇanā
آشپز	pācaka	زحمت	pīḍā
بزرگ	mahat	ترازو	tulā

صرف کلمهٔ vidvas ـ دانشمند (مذکر)، مختوم به (as–) :

	مفرد	جمع
Nom.	vidvān	vidvānsah
Voc·	vidvan	«

Acc.	vidvānsam	viduṣah
Inst.	viduṣā	vidvadbhih
Dat.	viduṣe	vidvadbhyah
Abl.	viduṣah	«
Gen.	«	viduṣām
Aoc.	viduṣi	vidvatsu

صرف کلمهٔ mahat (بزرگ)، مذکر مختوم به (-at) :

Nom.	mahān	mahāntah
Voc.	mahan	«
Acc.	mahāntam	mahatah
Instr.	mahatā	mahadbhih
Dat.	mahate	mahadbhyah
Abl.	mahatah	«
Gen.	«	mahatām
Loc.	mahati	mahatsu

زمان حال	افعال	
icchati	√ iṣ	خواستن
pṛcchati	√ pṛcch	پرسیدن
nṛtyati	√ nṛt	رقصیدن
harati	√ hṛ	بردن
preṣayati	√ preṣ	فرستادن
pūrayati	pṛ	پر کردن

تمرین

۱ ـ جملات زیر را بفارسی برگردانید :

Rāmasya patnī Sītā viduṣī rūpavatī ca āsīt . mahān mahatsu eva vikramam karoti . Ahmadasya kaniṣṭhā duhitā sandhyāyām nṛtyati . rājā sevakān nagare preṣayati . āsīt rājā Nalah nāma

Vīrasena sutah bali . yathā rājā tathā prajā . dhaninah dhanam icchanti kintu yācakāh āhāram eva icchanti . sādhavah paśūnām api viśvāsam kurvanti . rājñah sevakāh janānām gaṇanām kurvanti . bālāh udyāne akriḍan vṛkṣeṣu ca ārohan . Daśarathasya kaniṣṭhā patnī Rāmasya vanavāsam aicchata . ayam kālah vasantasya, udyāneṣu puṣpāṇi hasanti .

۲ ـ جملات زیر را بسنسکریت برگردانید :

Kālidāsa شاعر دانشمندی بود . خواهر سهراب بسیار زیباست . آن گدا برای گرفتن پول نزد پادشاه رفت . پسر بزرگ این مرد بهندوستان رفته است ودختر کوچکش درمدرسه‌ای درس میخواند . معلم درمجمع دانشمندان سخن گفت . ما آشپزمان را بخانهٔ شما میفرستیم . پادشاه بنوکرانش اطمینان دارد . اکنون ما نمی‌رقصیم .طاوسها در روی کوهها مشغول رقصیدن هستند . من به میهنم و مردان شجاعی کـه در راه آن جان داده‌اند درود میفرستم واحترام می گزارم .
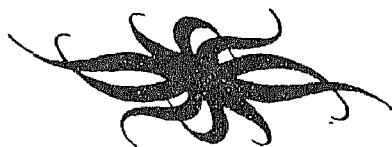
درس هشتم = ضمایر

تمام ضمایر باستثنای ضمایر شخصی درسه‌جنس صرف میشوند :

ضمایر شخصی درحالت فاعلی وندا فرق ندارند :

kim	چه	asmad	مال من
sarva	هر	yuṣmad	مال شما
viśva	هر	tad	مال‌آن
adas	این	etad	مال‌این
anyad	دیگر	yad	مال کی
katarad	کدام	bhavad	مال شما

۱ ــ صرف ضمیرشخصی asmad (مال‌من) :

	مفرد	جمع
Nom.	aham	vayam
Acc.	mām–mā	asmān–nah
Inst.	mayā	asmābhih
Dat.	mahyam–me	asmabhyam–nah
Abl.	māt	asmat
Gen.	mama–me	asmākam–nah
Loc.	mayi	asmāsu

۲ــ صرف ضمیر شخصی yuṣmad (مال‌شما) :

Nom.	tvam	yūyam
Acc.	tvām–tvā	yuṣmān–vah
Inst.	tvayā	yuṣmābhih

Dat.	tubhyam-te	yuṣmabhyam-vah
Abl.	tvat	yuṣmat
Gen.	tava–ad	yuṣmākam–vah
Loc.	tvayi	yuṣmāsu

افعال

گرفتن	√ grah	gṛhṇāti
خریدن	√ krī	krīṇāti
فروختن	vi– √ krī	vikrīṇāti
دانستن	√ jnā	jānāti

صرف مضارع ازمصدر pat √ (افتادن)

	مفرد	جمع
اول شخص	patiṣyāmi	patiṣyāmah
دوم »	patiṣyasi	patiṣyatha
سوم »	patiṣyati	patiṣyanti

تمرین

۱ـ جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید :

aham śvah Shiraz nagaram gam̐iṣyāmi . asmākam gṛhe adya utsavah bhaviṣyati atah aham phalāni krīṇāmi . ratrih gamiṣyati bhaviṣyati suprabhātam . tatra nadyām tava aśvah jalam pibati. aham tava pustakam neṣyāmi śvah āneṣyāmi . mama bhiṣaji bahu viśvāsah asti sah guṇī vidvān ca asti . yusmākam sevakah hyah mahyam phalāni ānayat . āgamiṣyati yat yānam tat asmān nagaram neṣyati . aham tvām jānāmi tava pitaram api jānāmi . pibanti nadyah na svayam jalāni · svayam na khādanti phalāni vṛkṣāh .

۲ ـ جمله‌های زیررا به‌سنسکریت بر گردانید :

شب گذشته دزدی وارد خانهٔ ماشد . کی پدرشما بخانه من خواهد رفت ؟ همانگونه که‌مردم‌لباسهای کهنه‌را بدور میاندازند ولباسهای‌نورا انتخاب‌میکنند، مـاهم زندگی تازه را انتخاب میکنیم . کدامیك از این دو کتاب را خواهید خواند ؟ اگر از این درخت بالا بروید خواهید افتاد . هروسیلهٔ نقلیه‌ای که بیاید همهٔمارا خواهد برد .

خواهر کوچك شما امروز باما خواهد آمد . اگرشما بمن دستور بدهید برایتان میوه خواهم خرید . این‌اسب‌رابرای که می‌برید ؟ هر کاری که کنید خدا آنرا میداند . مردم بدجنس و شریر همیشه افکار مختلفی در مغزشان دارند وغیراز آنچه که فکر میکنند عمل میکنند آیا پادشاه شما این اسب را از من خواهد خرید ؟
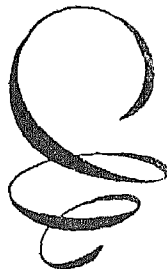
درس نهم

واژها

طاوس	mayūra m.	آبی	nīla m-
خروس	kukkuṭa m.	زرد	pīta m.
غاز	hansa m.	سرخ	lohita m.
کلنگ	baka m.	سفید	śveta m.
کلاغ	kāka m.	سیاه	kṛṣṇa m.
کوکو	pika m	سبز	harit m.
گنجشک	catakā f.	رنگ	varṇa m.
نام مرغی است	sārikā f.	زمین	dharā f.
مرغ	khaga m.	آسمان	nabha n.
ماهی	matsya m.	ماه	candra m.

۱ ـ صرف ضمیر اشارهٔ tad (آن)

	مفرد			جمع		
	مذکر	مؤنث	خنثی	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom.	sah	sā	tat	te	tāh	tāni
Acc.	tam	tām	tat	tān	tāh	tāni
Inst.	tena	tayā		taih	tābhih	
Dat.	tasmai	tasyai		tebhyah	tābhyah	
Abl.	tasmāt	tasyāh		«	«	
Gen.	tasya	«		teṣām	tāsām	
Loc.	tasmin	tasyām		teṣu	tāsu	

۲ـ صرف ضمیر اشارهٔ idam (این)

	مفرد			جمع		
	مذکر	مؤنث	خنثی	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom.	ayam	iyam	idam	ime	imāh	imāni
Acc.	imam	imām	idam	imān	imāh	imāni
Inst.	anena	anayā		ebhih	ābhih	
Dat.	asmai	asyai		ebhyah	ābhyah	
Abl.	asmāt	asyāh		«	«	
Gen.	asya	asyāh		eṣām	āsām	
Loc.	asmin	asyām		eṣu	āsu	

افعال

کشیدن	√ kṛṣ	karsati
باریدن	√ varṣ	varṣati
خوشحال شدن	√ harṣ	harṣati
نجات‌دادن ـ حفظ کردن	√ rakṣ	rakṣati
دزدیدن	√ cur	corayati
شنا کردن	√ tṛ	tarati
پایین‌آمدن	ava- √ tṛ	ava-tarati
دادن	√ dā	dadāti
درخشیدن	√ bhā	bhāti
حمام کردن	√ snā	snāti

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید :

meghāh varṣanti garjanti . aham ebhyah kukkuṭebhyah jalam ānesyāmi . sārikā sarvadā anena śukena vācam vadati · śaśinā ca

nisā nisayā ca śaśī, śaśinā nisayā ca vibhāti nabhah. matsyāh jalāśaye khagāh ca dharāyām vasanti . tāh bālāh nadyām taranti snānti ca . enām kṛṣṇām catakām Ahmadāya dāsyāmi Parvīn udyānāt phalāni corayati .

ślokau

1 – hansah śvetah bakah śvetah kah bhedah baka-hansayoh,
nīra-kṣīra-vibhāge tu hansah hansah bakah bakah ·

2 – kākah kṛṣṇah pikah kṛṣṇah kah bhedah pika–kākayoh,
prāpte vasanta-samaye kākah kākah pikah pikah .

۲ ـ جمله‌های زیر را به‌سنسکریت برگردانید :

وقتیکه ابرها در آسمان میغرند، طاوسها میرقصند وخوشحالی میکنند . بچه‌ها در آب باران آب‌تنی میکنند. خواهر بزرگ من لباسهای قرمز دوست دارد. این دخترهای گدا برای پول میرقصند ومی‌خوانند . گاوها سفیدند ولی اسبها سیاه هستند . در بهار درختان وخزندگان برگهای سبز را بتن میکنند . لک‌لکهای سفید در آسمان پرواز میکنند . زن حسین غذا را خواهد آورد و ما آنرا خواهیم خورد . دختران در رودخانه مشغول شنا و شادی کردند . اسب شما چه رنگ است ؟

درس دهم

اعداد

eka	یك
dvi	دو
tri	سه
catur	چهار
pañca	پنج
ṣas	شش
sapta	هفت
aṣṭa	هشت
nava	نه
daśa	ده
ekādaśa	یازده
dvādaśa	دوازده
trayodaśa	سیزده
caturdaśa	چهارده
pancadaśa	پانزده
ṣodaśa	شانزده
saptadaśa	هفده
aṣṭādaśa	هجده

نوزده	eka-una-vimśati
بیست	vimśati
بیست‌ویک	eka–vimśati
بیست‌ودو	dvā–vimśati.. وغیره
سی	trimśat
چهل	catvārimśat
پنجاه	pancāśat
شصت	ṣaṣṭi
هفتاد	saptati
هشتاد	aśīti
نود	navati
صد	śata
هزار	sahasra
ده‌هزار	ayuta
صدهزار	lakṣa

یکم	prathama
دوم	dvitīya
سوم	tṛtīya
چهارم	cathurtha
پنجم	pancama
ششم	saṣṭha
هفتم	saptama
هشتم	aṣṭama

navama	نهم
dasama	دهم

صرف اعداد

اعداد یك و دو وسه درسه جنس و هفت حالت صرف میشوند . ولی یك در مفرد . دو در تثنیه و از سه بیشتر درجمع صرف میشود.

۱-صرف eka (یك):

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom.	ekah	ekā	ekam
Acc.	ekam	ekām	ekam
Inst.	ekena	ekayā	
Dat.	ekasmai	ekasyai	
Abl.	ekasmāt	ekasyāh	
Gen.	ekasya	ekasyāh	
Loc.	ekasmin	ekasyām	

۲- صرف dvi (دو):

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom.	dvau	dve	dve
Acc.	dvau	dve	dve
Inst.	dvābhyām		
Dat.	«		
Abl.	«		
Gen.	dvayoh		
Loc.	«		

۳- صرف tri (سه):

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom.	trayah	tisrah	trīṇi
Acc.	trīn	«	«
Inst.	tribhih	tisṛbhih	

Dat. & Abl.	tribhyah	tisṛbhyah
Gen.	trayāṇām	tisṛṇām
Loc.	triṣu	tisṛṣu

۴- صرف pat √ (افتادن) در وجه امری :

	مفرد	جمع
اول شخص	patāni	patāma
دوم شخص	pata – patatāt	patata
سوم شخص	patatu – patatāt	patantu

تمرین

۱ ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید :

Aham vidyālayasya prathame varṣe paṭhāmi . rājñah Dasarathasya catvārah putrāh tisrah ca patnyah āsan . evam dinānām ekavimsatih vayam videse avasāma . nagaram asmāt grāmat yojanasatam asti. bālāh sanaih sanaih gacchantu aham api pascād āgamisyāmi . bhoh Parvīn kim artham hasasi , yadi guruh draksyati tvām tāḍayiṣyati . meghāh varṣantu garjantu pūrayantu dharātalam . yāni kāni ca mitrāṇi kartavyāni satāni ca . varam ekah guṇī putrah na ca mūrkha – satāni api . aṣṭādasa purāṇānām kartā Vyāsah . nṛpāh dharām rakṣantu meghāh kāle varṣantu . Mahābhāratah pancamah vedah .

۲ ـ جمله های زیر را به‌سنسکریت برگردانید :

وقتیکه بمدرسه میرفتم برادرم را دیدم . اگر مردم این کار را بکنند، پاداش خواهند دید . نادانان دربین دانایان درخشندگی ندارند، همانگونه که لک لک ها در میان یکدسته قـو جلوه‌ای ندارند.

حـرص ریشهٔ تمام صفات اهریمنی است . چرا در خیابان گدایی میکنند ؟
نادانان تاوقتیکه ساکت هستند جلوه‌ای دارند . تا وقتی که می‌رقصم آن دختربمن نگاه
میکند . حتی یك شخص منزوی در جنگل هم دوست و دشمن دارد . شاگردان
تا وقتی که درمدرسه زندگی‌میکنند، بمعلم خدمت خواهند کرد . اشخاص‌عاقل‌پیوسته
کوشش میکنند، تاسرانجام کاررا تمام کنند ولی‌اشخاص نادان چیزی‌را شروع‌میکنند،
اما دروسط کار آنرا رها میکنند.
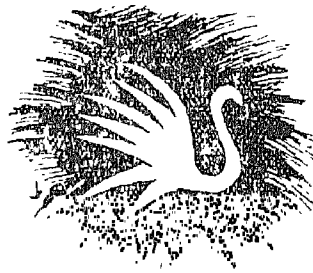
درس یازدهم

۱ـ افعال میانه : زمان حال وماضی نقلی :

افعال‌میانه که‌بنام« ātmanepada »معروفند.یك گروه‌پساوندهای(terminations) مختلف درهمهٔ حالتها وزمانها دارند.

صرف زمان‌حال labh √ (بدست آوردن):

	مفرد	تثنیه	جمع
اول شخص	labhe -e	labhāvahe - vahe	labhāmahe - mahe
دوم‌شخص	labhase-se	labhethe - the	labhadhve - dhve
سوم‌شخص	labhate - te	labhete - ete	labhante - ante

صرف ماضی نقلی labh √ (بدست آوردن):

	مفرد	تثنیه	جمع
اول‌شخص	alabhe	alabhāvahi	alabhāmahi
دوم‌شخص	alabhathāḥ	alabhethām	alabhadhvam
سوم‌شخص	alabhata	alabhetām	alabhanta

واژه‌ها

مذکر

ستاره	tāraka
آسمان	ākāśa
آرزو ـ رب‌النوع‌عشق	kāma
حرص	lobha
شیفتگی	moha

غصه		krodha
مذهب		dharma
بهشت		svarga
شاگرد		śiṣya

افعال

بدست آوردن	√ labh	labhate
خوشحال‌بودن	√ mod	modate
خدمت کردن	√ sev	sevate
تحمل کردن	√ sah	sahate
گدایی کردن	√ yāc	yācate
کوشش کردن	√ yat	yatate
زیبابنظر آمدن	√ śobh	śobhate
درخشیدن	√ ruc	rocate
تولیدشدن	√ jan	jāyate
متحدشدن	sam - √ gam	sam – gacchate

۳ - اسم فاعل :

اسم‌فاعل با اضافه کردن (at-) بریشهٔ بناء معلوم و māna (āna) دربعضی حالات بریشهٔ بناء میانه ساخته میشود وقابل تصریف بهرسه‌جنس وهرهفت حالت‌است.

مثال :

		مذکر	مؤنث
(خواندن)	√ has	hasan	hasantī
(بدست آوردن)	√ labh	labhamānah	labhamānā

صرف اسم فاعل

مذکر	Nom.	hasan	hasantau	hasantah
مؤنث	Nom.	hasantī	hasantyau	hasantyah

مذکر	labhamānah	labhamānau	labhamānāh
مؤنث	labhamānā	labhamāne	labhamānāh

تمرین

۱ ــ جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید:

ākas'e tārakāh s'obhante . upavane phalāni khādantah bālakāh modante . s'iṣyāh gurūn gyānāya sevante . Rāmeṇa saha vanam gacchantī Sīta adhikam as'obhata . sevamānāh purusāh rājñāh dhanāni ayācanta . mahyam phalāni rocante tubhyam kevalam miṣṭam rocate · ratnam ratnena samgacchate · samgāt samjāyate kāmah, kāmāt krodhah abhijāyate . yasya dharme matih sah vidvān vīrah ca jāyāte . ye vīrāh svades'āya amṛyanta te svargam alabhanta .

۲ ــ داستان زیررا بهسنسکریت برگردانید :

درکنار رودخانه ای درخت تنومندی بود . بر آن درخت سه پرنده و دو موش ویك میمون زندگی میکردند . میمون بسیار با هوش بود بطوری که بپرندگان وموش کمك میکرد. یکروز باران سختی بارید وهیچکدام نتوانستند برای بدست آوردن غذابیرون بروند. درهمانوقت میوه فروشی آنجارسید و زیر درخت ایستاد . میمون میوه‌هارا دید وچندتای آنهارا برداشت . بعدمیوه‌هارا به پرندگان و موشها داد و همه‌شان بسیار خوشحال شدند . معروف است که یك دوست همیشه سایر دوستان را کمك میکند .

درس دوازدهم

اسم فعل

۱- گذشتهٔ معلوم - اسم مفعول (Past active - Passive Participles) : اسم مفعول مجهول بوسیلهٔ پساوند (-ta) یا (-na) به ریشهٔ فعل ساخته می‌شود. کلمات مذکر مختوم به (-a) این دسته ، مانند دیگر اسمهای مختوم به (-a) صرف میشوند، چنانکه مؤنث این کلمات جزء (-ā) می گیرد .

	مذکر	مؤنث
√ gam	gatah	gatā
√ han	hatah	hatā
√ sthā	sthitah	sthitā

۲- وقتیکه اسم مفعول از افعال متعدی ساخته می‌شود، دراین حالت فاعل آن بجای حالت (Instrumental) استعمال میشود .

√ dā	datta m.	tena dhanam dattam ،
	dattā f.	tena mālā dattā .

۳- وقتیکه ازافعال لازم ساخته شود حالت مجهولی ندارد وبصورت ماضی نقلی یا فعل اسنادی استعمال میشود .

√ gam	gatah m.	gatā f.
√ pat	patitah m	patitā f.
	sah gṛham gatah .	sā bālā nadīm gatā .
	bālah vṛkṣāt patitah.	phalam jale patitam.

۴ - اسم مفعول معلوم:

اسم مفعول معلوم با اضافه کردن «vant -» به اسم مفعول مجهول ساخته می‌شود، و در دو حالت مذکر و مؤنث صرف می‌شود.

√ gam	gata - gatā	gatavān - gatavatī
√ dā	datta - dattā	dattavān - dattavatī

		مجهول	معلوم
کشتن	√ han	hatah	hatavān
ایستادن	√ sthā	sthitah	sthitavān
بردن	√ ji	jitah	jitavan
کردن	√ kṛ	kṛtah	kṛtavān
صحبت کردن	√ vad	uktah	uktavān
بردن	√ nī	nītah	nītavān
نوشیدن	√ pā	pıtah	pitavān
ترك کردن	√ tyaj	tyaktah	tyaktavān
خم شدن	√ nam	natah	natavān
بدست آوردن	√ labh	labdhah	labdhavān
قاپیدن	√ hṛ	hṛtah	hṛtavān
دانستن	√ jnā	jnātah	jñātavān
خواندن	√ path	paṭhitah	paṭhitavān
نوشتن	√ likh	likhitah	likhitavān
بودن	√ bhū	bhūtah	bhutavān

واژه‌ها

مذکر

جنگ	sangrāma	داستان	katha f.
تیر	bāṇa	رحم	dayā f.

prajā f.	رعیت	vṛṣabha	گاو نر
śilā f.	صخره	khanja	لنگ
kṛṣi f.	کشاورزی	kāṇa	کور
vaṇijya n	مال‌التجاره	balavad	نیرومند
maitrī f.	دوستی	dhanavad	ثروتمند
cintā f.	اضطراب	pāda	پا
kāvya n.	شعر	śakaṭa	گاری
araṇya n.	جنگل	deśa	کشور

تمرین

۱ ــ جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید :

ekasmin araṇye Pingalaka - nāmakah simhah vasati sma · tasya Karaṭaka - Damanaka nāmānau śṛgālau mantriṇau āstām . ekadā ekah vaṇik vāṇijyāya śakatena deśāntaram prasthitah · araṇye śakaṭasya ekah vṛsabhah khanjah jātah . tam vṛṣabham tatra vihāya vaṇik anyam vṛsabham ānītavān ، śakaṭena ca gatavān . atha gacchati kāle sah khanjah vṛsabhah balavān abhavat، tasya ca simhena maitrī samjātā . kintu simha-vṛṣabhayoh maitrīm dṛṣṭvā śṛgālau duhkhitau jātau . śanaih śanaih tābhyām simhasya vṛsabhasya ca madhye vairah sthāpitah . kupitena simhena sah vṛiṣabhah hatah . vṛsabham hatam dṛsṭvā tau śṛgālau muditau. eṣā kathā Pancatantre likhitā asti·

۲ ــ جمله‌های زیر را به‌سنسکریت برگردانید :

حسن مار را با چوبدستی بکشت. داریوش شاه درجنگ فاتح شد ودشمنانش را شکست داد . شاه نله (Nala) زنش را درجنگل جا گذاشت .

«راونه» (Rāvaṇa) شاه اهریمنان وشیاطین «سیتا»را به‌سیلان‌برد. بمعلم کاغذی نوشته‌ام و او فردا خواهد آمد. از این کتاب چند درس خوانده‌اید ؟ چه کسی از این ظرف شیر خورده است ؟ ما به نوکرها پول و لباس و میوه میدهیم . پروین دم در ایستاد وباخواهرش صحبت کرد. شتران بسته های لباس را روی پشتشان‌حمل کردند . مادر درحالیکه میخواست بچه‌را نجات بدهد خودش در رودخانه افتاد .

درس سیزدهم

۱ ـ اسم مصدر (Gerund)

برای ساختن این نوع اسم مصدر هرگاه فعل دارای پیشاوند نباشد(tvā)را به ریشهٔ ضعیف آن میافزاییم ولی اگر فعل پیشاوند همراه داشته باشد بجای(tvā) ،(ya) را اضافه میکنیم. مثال :

√ gam	gatvā
√ dṛs	dṛsṭvā
√ nī	nītvā
ā- √ nī	ānīya
upa- √ kṛ	upakṛtya

۲ ـ مصدر

زبان معمولی سنسکریت یك نوع مصدر دارد وآنهم باافزودن(tum)بریشه ساخته میشود . مثال :

√ gam	gantum
√ dṛs	draṣṭum
√ nī	netum
√ pā	pātum

۳ ـ صرف مستقبل مجهول

مستقبل مجهول باافزودن(ya-)و (tavya-)بریشه ساختهمیشود .

مثال :

√ gam	gamya	gantavya
√ dṛṣ	dṛsya	draṣṭavya
√ nī	neya	netavya

این کلمات مانند صفات دومی هستند . و با موصوف در سه جنس و سه شمارد (مفرد ـ تثینه ـ جمع) مطابقت دارند .

M. gantavyah deśah.

F. gantavyā nagarī .

N. gantavyam sthānam.

۴ ـ افعال

وجه التزامی

الف ـ صرف فعل معلوم :

اول شخص	pateyam	patemah
دوم شخص	pateh	pateta
سوم شخص	patet	pateyuh.

ب ـ صرف فعل میانه :

اول شخص	labhai	labhāmahi
دوم شخص	labhethāh	labhedhvam
سوم شخص	labheta	labheran

واژه‌ها

بردبار	dhīra m.	مردبیوه ـ غمگین	vidhura a.
ارابه	ratha m.	حمام	snāna n.
چتر	chatra m.	چرخ	cakra n.

ghṛta n.	روغن (خوردنی)	tāta m.	عزیز
dhairya n.	صبر	yāvat ind.	تاوقتیکه
śaurya n.	شجاعت	tāvat ind.	تاآنوقت
sukham n.	سعادت	nityam adv.	همیشه
ā– √ car	عمل کردن	nirmala a.	صاف
√ jīv	زندگی کردن	kaluṣa a.	کثیف ـ آلوده

تمرین

۱ـ جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید :

yāni kāni ca mitrāṇi kartavyāni śatāni ca. tyājyam na dhairyam vidhure api kāle . yāvat jīvet sukham jīvet, ṛṇam kṛtvā ghṛtam pibet . prajāh pālayitum tāta gacchāmi nagaram svakam. sevitav_yah mahā-vṛkṣah phala-cchāyā samanvitah. rājan ekena cakreṇa na rathasya gatih bhavet. dātavyam sarvadā dānam pātavyam nirma_lam jalam . pāpte tu ṣoḍaśe varṣe putram mitravad ācaret . kṛtvā snānam pathet nityam, bhuktvā gacchet pada-trayam.

۲ـ جمله‌های زیررا به‌سنسکریت برگردانید :

شما چتربدست کجا میروید؟ مابباغ‌رفتیم که‌زیبایی گلهارا ببینیم. آب رودخانه صاف‌است و من برای آب‌تنی بآنجا میروم. تا وقتی که خورشید درآسمان است کار را تمام کن. کسی‌نباید سخنان گمراه کننده را باور کند. کسی نباید به اشخاص نادان و جاهل که نصیحت نمی فهمند پند دهد. ممکن است ما برای صد سال زندگی کنیم.

بشرباصبر و حوصله اعمال مهمی را انجام داده است. بگذار همه‌خوشحال بمانند و از نعمت های زندگی بهره‌مند شوند . شما همیشه شجاع و سعادتمند باشید .
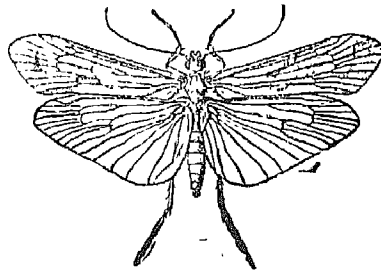
درس چهاردهم

افعال

الف ـ صرف حالت مجهول و علامتهای تصریف (Passive-Voice and Inflexions)

برای ساختن حالت مجهول پساوند (-ya) را بریشهٔ ضعیف اضافه کرده، پس از آن، پساوند حالت میانه (ātmanepada : Middle Voice) را میآورند.

صرف حالت مجهول مانند صرف حالت میانه است. عموماً در افعال متعدی، فاعل بحالت مفعول‌فیه (instrumental) در میآید.

√ kṛ	kṛyate : mayā kāryam kṛyate
√ pib	pīyate : mayā jalam pīyate
√ dā	dīyate : mayā dhanam dīyate

ب - معمولاً (-va) و (-ya) ابتدائی به (-u) و (-i) بترتیب تبدیل میشود. (-i) و (-u) انتهائی درازتر شده، (-ā) انتهائی به (-ī) تغییر پیدا میکند.

ucyate	√ vad-vac	بوسیلهٔ او گفته شد
ijyate	√ yaj	» » قربانی کرده شد
jīyate	√ ji	» زندگی کرد
stūyate	√ stu	» تعریف کرد
sthīyate	√ sthā	» استفاده شد

ج- افعال سببی وخواهشی : (Causative and Desiderative Verbs)

فعل سببی باافزودن (-aya)بریشه ساخته میشود :

gamayati	√ gam	روانه میکند.
kārayati	√ kṛ	واداربکاری می کند.

bālakah nagaram gacchati	پسر بچه بشهر میرود.
pitā bālakam nagaram gamayati	پدر، پسربچه‌رابشهرروانه‌می کند .
sevakah kāryam karoti	پیشخدمت کار می کند.
svamī sevakam kāryam kārayati	مالك، پیشخدمت‌راواداربکارمی کند .

واژه ها

āśā f.	امید	matsya	ماهی
anujñā f.	اجازه	sarpa m.	مار
mekhalā f.	کمربند	pāśa m.	تور
vāpī f.	آبگیر	budha m·	دانشمند
rajju m.	طناب	jāmātā m	داماد
kāraṇa n.	سبب	sindhu m.	دریا
bhojana n.	خوراك	kśetra n	دشت

افعال

gaṇayati	√ gaṇ	شمردن
kṣālayati	√ kṣāl	شستن
piḍayati	√ pīḍ	زحمت‌دادن
pūjayati	√ pūj	عبادت کردن
dhārayati	√ dhṛ	نگهداشتن

corayati	√ cur	دزدیدن
badhnāti	√ badh	بستن
hanti	√ han	زدن و کشتن

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید :

matsyāh pāśaih badhyante . asmābhih gītāni gīyante . sarpeṇa danśyate bālah . sarpah ca puruṣaih laguḍena hanyate . sevakaih annam khādyate . aham jalaih vāsānsi kṣālayāmi . āśā balavatī rājan āśā jīvayati narān . pūryate salilaih vāpī . svadeśe pūjyate rājā vidvān sarvatra pūjyate . budhāh sukham duhkham vā na gaṇayanti . pīḍayanti vasudhām khalu nicāh pālayanti jagatīm naravīrāh . dhāryate mekhalā tayā . anujñām dehi mayā adya eva videśāya gamyate.

۲ ـ جمله‌های زیر را بسنسکریت برگردانید :

اشخاص بدسرشت وشریر همیشه مردم خوب را شکنجه میدهند. بگذار سلاطین ملتشان را محافظت کنند وهنگام احتیاج آنان را یاری دهند . مساعدت و نیکی که به‌نادانان کرده شده همه بیهوده است . ما درسها را می‌خوانیم ومعلم هم آنرا بما یاد میدهد . زنها باآب رودخانه لباسهارا می‌شویند . دلاورانی که‌برای خیروخوبی می‌جنگند، همیشه تشویق‌می‌شوند . ماهیان باتله گرفته میشوند . «راما» باکسب اجازه ازپدرش‌بجنگل رفت تادر آنجا زندگی کند . «راما» که شش روز درخانه مانده بود زنش‌را بشهر برد . خدمتکاران معمولاً کارها را انجام نمیدهند تا اینکه شما وادار بانجامشان کنید .

درس پانزدهم

پیشاوندها وحروف اضافهٔ قیدی : (Prefixes and Adverbial Prepositions)

پیشاوند های زیر بیشتر مانند حروف اضافهٔ قیدی بکار میروند . این حروف همیشه به‌اسمها و فعلهـا اضافه شده، تـأثیر فراوان در مفهوم جمله دارند. مطـالعهٔ پیشاوندهـاکه به سنسکریت اوپاسارگا (Upasarga) گویند، در این زبـان بسیار جالب است .

برای توجه به تأثیر پیشاوند ها در مفهوم اصلی کلمات ریشهٔ $\sqrt{}$gam و $\sqrt{}$Kṛ رابا پیشاوندهای سنسکریت در زیر میآوریم .

adhi	$\sqrt{}$ kṛ	adhikāra	حق
anu	$\sqrt{}$ kṛ	anukāra	تقلید
apa	$\sqrt{}$ kṛ	apakāra	کارزشت
ava	$\sqrt{}$ gam	avagamana	فهم
ā	$\sqrt{}$ gam	āgamana	آمدن
upa	$\sqrt{}$ kṛ	upakāra	کار مفید
dus-dur	$\sqrt{}$ kṛ	duṣkara	کار دشوار
ni	$\sqrt{}$ kṛ	nikāra	توهین
nis-nir	$\sqrt{}$ gam	nirgamana	بیرون‌رونده
parā	$\sqrt{}$ gam	parāgamana	برگشت
pra	$\sqrt{}$ kṛ	prakāra	روش
vi	$\sqrt{}$ kṛ	vikāra	تغییرو فساد
sam	$\sqrt{}$ kṛ	samskāra	تشریفات
su	$\sqrt{}$ kṛ	sukara	آسان

کلمات مرکب : Compounds

زبان سنسکریت اززبانهای ترکیبی (Synthetic) است . ازاینرو مانند زبانهای دیگر هند واروپایی،کلمات مرکب فراوانی‌دارد . ترکیب دویا چندکلمه را به‌سنسکریت سماسا (Samāsa) خوانند . در کلمات مرکب علامتهای صرفی (case-endings) فقط به پایان آخرین کلمهٔ ترکیب اضافه میشود .

بنابروضع دو کلمه یا بیشتر ، کلمات مرکب در سنسکریت به شش دسته تقسیم می‌شوند :

۱ـ مرکبات‌جفتی (Copulative Compound : dvanda):

sukha- dukhau (خوشی- رنج) ، ahar-niśam (روز ـ شب)
Sohrab – Rostamau (سهراب –رستم) ، mātā - pitarau (مادر-پدر):

۲ـ مرکبات معینه (Determinative Compound : tatpuruṣa) :

mahā - bhāratah (هندوستان بزرگ) ، aśva-ārohī (سوار اسب) ،
prajā - pālakah (رعیت پرور) ، rāja– putrah (پسرشاه) .

۳ـ مرکبات صفاتی (Adjective Compound : karamadhāraya) :

candra - mukhī (چهرهٔ چون ماه) ، pīta - raktah (زرد ـ قرمز) ،
kanyā - ratnam (دخترچون گوهر) ، megha - śyāmah (ابرسیاه) .

۴ـ مرکبات عددی (Numerical Compound : dvigu.) :

daśa – grīvam (ده گردن) ، dvi– cakram (دوچرخه) ، panca – lokah
(پنج-طبقه) ، tri - bhuvaṇam (سه-فلك) .

۵ ـ مرکبات اضافی (Possessive Compound : bahuvrīhi) :

daṇḍa-hastah (چوبدست)، gatā-āyuh (عمربپایان‌رسیده)، tapo-dhanah (ثروت ریاضت).

۶ ـ مرکبات ظرفی (Adverbial Compound: avyayībhāva.) :

ati-bhayam (ترس‌زیاد)، anu-dinam (هرروز)، prati-aham (هرروز).

واژه ها

stena m.	دزد	kumāra m.	پسرجوان
naṭakam n.	درام	āśrama m.	معبد
mūrti f.	قایق	sārathī m.	گاریچی
lāvaṇya f.	زیبا	tapovana n.	گوشه‌نشینی
sundarī f.	زن‌قشنگ	tīra n.	کناره
kāmī m.	مردهرزه	mahiṣī f.	ملکه
kāminī f.	زن	mṛgayā f.	شکار
viyoga n.	جدایی	dhanuh m.	کمان
vivāha m.	عروسی	sakhī f.	رفیق دختر
angulīyaka n.	انگشتر	praṇaya m.	عشق
ābhūṣaṇa n.	زیورآلات	śiṣya m.	شاگرد

افعال:

praviśati	pra- √ viś	داخل شدن
upagacchati	upa- √ gam	نزدیك شدن
nivartate	ni- √ vṛt	باز گشتن
vijahāti	vi - √ hā	ترك کردن
anusarati	anu - √ sṛ	دنبال کردن

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی بر گردانید :

Hastināpurasya Duṣyantah nāmakah rājā ekadā mṛgayāyai ratham āruhya gatavān . tatra mṛgam anusaran sah ekasmin tapovane praviṣṭah . ratham sārathina bahir sthāpya sah āṣrame gatah . tatra ca ekām sundarīm muni-kanyām apas'yat . āṣramasya guruh Kaṇvah tasmin samaye yātrāyai dūram gatah . atah tayā kanyayā nṛpasya satkārah kṛtah . Kaṇvas'ya tām lāvaṇyamayīm duhitāram dṛṣṭvā rājā moham upagatah. kanyāyāh nāma asīt Shakuntalā , sā ca ekasyāh apsarasah putrī āsīt · Shakuntalā api praṇayam *dars'itavatī . praṇaya–pās'ā-badhābhyām tābhyām vivāhāh kṛtah.* rājā ca Shakuntalām tatra eva vihāya nagaram prati–nivṛttah. eṣā kathā kavinā Kālidāsena Shakuntalā nāmni nāṭake varṇitā.

۲ـ جمله‌های زیر را به‌سنسکریت بر گردانید :

«گئوتاما بودا»(Gautama Buddha) پسر پادشاهی بود. وقتیکه پسر جوانی بود ، پدرش برای او شاهزاده خانم زیبا و موقری را بزنی گرفت . اسم این خانم « یشودهرا» Yas'odharā بود. شاه مایل بود که «گئوماتا» بشکار و نمایش برود و نقاط زیبای مملکت را دیدن کند، اما « گئوماتا » موجود عجیبی بود وخوشیهای زندگی را دوست نداشت. شبی خانه را ترك کرد و باراننده ارابه‌اش به جنگل ریاضت رفت . شاه و ملکه بسیار نگران و غمناك شدند . زن او در فراق شوهرش خیلی ناتوان شد وهمیشه گریه میکرد . «گئوتاما» درجنگلها و کنار رودخانه‌ها تمرین ریاضت میکرد . وقتیکه حقیقت را دریافت بودا نامیده شد .

چند نمونه از متن های مشهور و مختلف سنسکریت

۱ـ هیتوپدشا	(Hitopadesa)
۲ـ پنچاتانترا	(Pancatantrā)
۳ـ رامایانا	(Rāmāyaṇa)
۴ـ مهابهاراتا	(Mahābhārata)
۵ـ اپانیشاد	(Upaniṣat)
۶ـ ریگ ودا	(Rigveda)

Hitopadesha

1

asti Vārāṇaśyām[1] Karpūrapaṭo nāma rajakah. sa caikadā[2]nirbharam prasuptah . tadanantaram dravyāṇi hartum tadgṛham caurah praviṣṭah . tasya prāngaṇe gardabho baddhah tiṣṭhati kukkuraś-copaviṣṭah[3]. tam cauramavalokya gardabhah śvānamāha 'tava tāvadayam vyāpārah' , tat kimiti tvamuccaih śabdam kṛtvā sva – minam na jāgarayasi? kukkuro brūte 'mama niyogasya carcā tvayā kim kartavyā[4]? tvameva jānāsi yathāhametasya aharniśam[5] gṛharakśām karomi. yatah ayam cirānnirvṛtah mamopayogam na jānāti, tenādhunā mama āhāradāne api mandādarah . gardabho brūte ' śṛṇu re barbara .

yācate kāryakāle yah sa kim bhṛtyah sa kim suhṛt

kukkuro brūte .

bhṛtyān sambhāvayed[6] yastu kāryakāle sa kim prabhuh

tato gardabhah sākopam āha 'pāpīyān tvam yat svāmikāryopekṣām karoṣi . bhavatu, yathā svāmī jāgarti tathā mayā kartavyam' . ityuktvā sa cītkārm kṛtavān . tatah rajakah tena cītkāreṇa prabuddhah nidrāvimardakopād[7]utthāya gardabham laguḍena tāḍayāmāsa[8]. ato'ham bravīmi.

parādhikāra -carcām[9] yah kuryāt svāmihitecchayā.
sa viṣīdati cītkārād gardabhah tāḍito yathā.

---

1. vārāṇasī–loc . 2. ca–ekadā, Sandhi . 3. kukkurah- ca-upa - viṣṭah, Sandhi . 4. √kṛ–tavyat, fem. 5. Copulative compound . 6. sam – √ bhāv, potential , 7. nidrā-vimarda-kopād - Sandhi . 8. Past-perfect . 9. Compound.

هیتوپدشا

۱

درشهربنارس « Banārasa » (۱)لباس‌شویی‌بنام« Karpūra-paṭa »(۲)بود. وقتی براحتی خوابیده بود . پس از مدتی که گذشت ، دزدی برای سرقت اسباب وی بخانهٔ او داخل شد. درمحوطهٔ منزل وی الاغی در حال‌ایستادن بسته شده وسگی نشسته بود . هنگامی که الاغ دزد را دید سگ را گفت : این‌کار تواست که‌اکنون باصدایی بلند صاحب خانه را ازخواب بیدار کنی (چراچنین نمیکنی؟). سگ گفت: چراتودر کارمن‌مداخله میکنی؟تومیدانی که من‌چگونه شبانه‌روز خانه را می‌پایم. صاحب من ازمدتها پیش ازمن سیرشده، بطوری که فایدهٔ مرا نمیداند . و چنان بی‌علاقه شده که برای غذا دادن بمن نیز تنبل شده است . الاغ گفت : ای وحشی گوش کن ، کسی که درهنگام کار خواهش کند، چگونه پیشخدمت وچه دوستی است ؟

سگ پاسخ‌داد: صاحبی که فقط درهنگام کاراحترام میکند چه‌صاحبی‌است ؟

الاغ خشمگین شد وبانا راحتی گفت: تو تبه‌کاری هستی که بکار صاحب توجه نداری . در اینصورت ، من برای بیدار کردن صاحب کوشش می کنم . این را گفت با صدای بلند شروع به جیغ کشیدن کرد . لباس شوی با فریاد الاغ ازخواب پریده ، ناراحت‌ایستاد وباچوب الاغرا زد. بنابراین‌من‌میگویم: « هر که برای استفادهٔ صاحب خود در کاری که جز کار اوست مداخله کند ، بدو آن رسد که به الاغ براثر فریادکردن رسید.»

---

(۱) «Banarasa»: از شهرهای مقدس هندوستان است که در کنار رودخانهٔ گنگ (Gangā)واقع شده وازز‌مان‌پیشین مرکزعلم وادب‌بوده واز نظرمطالعات سنسکریت بسیار جالب است.

(۲) «Karpura paṭa» لغةً بمعنی «پارچهٔ کافور» است. یعنی لباس‌را چنان پاك می شوید که مانند کافور سفید میشود . جزء اول «karpūra» بمعنی کافور و جزء دوم « paṭa » بمعنی پارچه است .

Hitopadesha

2.

asti Gautamārāṇye[1] Mahātapā nāma munih. tenāśrama-sannidhāne mūṣika-śāvakah kāka-mukhād bhraṣṭah dṛṣṭah. tatah dayālunā tena muninā nīvāra-kaṇaih sa samvardhitah[2]. tam ca mūṣikam khāditum anudhāvan biḍālo muninā dṛṣṭah · paścāt tapah prabhāvāt tena muninā mūsiko biḍālah kṛtah. sa biḍālah kukkurād[3] bibheti tatah asau kukkurah kṛtah. atha asya vyāghrād mahad bhayam. tad anantaram sa vyāghrah kṛtah . atha vyāghramapi mūsika-nirviśeṣam paśyati munih . atah sarve tatrasthā janāh tam vyāghram dṛṣṭvā vadanti. 'anena muninā mūṣikah ayam vyāghratām nītah'. etat śrutvā sa vyāghrah[4] savyathah acintayat 'yāvadanena muninā jīvitavyam tāvad me akīrtikaram ākhyānam na palāyiṣyate' . iti samālocya munim hantum samudyatah . tatah sa munih tasya cikīrṣitam[5] gyātvā 'punah mūṣiko bhava' iti āha . tatah sa vyāghrah mūṣikah eva kṛtah . atah aham bravīmi–

> nīcah ślāghya-padam prāpya[6] svāminam hantumicchati
> mūṣiko vyāghratām prāpya munim hantum gato yatha .

---

1. Gautama-araṇye, loc. 2. sam- √vṛdh, past-psssive-participle. 3. Ablative in case of 'bhaya'. 4. vyathā–sahitah, savyathah· Compound. 5. √ kṛ-past-passive, desiderative· 6. pra – √ āp, gerund .

هیتو پدشا

۲

در جنگل «گئوتام» (Gautama) زاهدی بنام«مهاتاپا» (Mahā-tapā) (۱) بود. زاهد در نزدیك خانقاه خود بچهٔ موشی را که از دهان کلاغ افتاده بود، دید . زاهد بوسیلهٔ غلهٔ جنگل بچهٔ موش را بپرورد . ولی پیوسته می‌دید که گربه‌ای برای گرفتن موش بدنبال او می‌آمد . بدینجهت بوسیلهٔ ریاضت موش را بشکل گربه‌ای درآورد . و چون گربه از سگ می‌ترسید ، پس آن گربه را به صورت سگ کرد. وچون سگ از ببر بسیار می‌ترسید، بنابراین سگ را بشکل ببر درآورد . سپس زاهد آن ببر را چون بچهٔ موشی می پنداشت . بنابراین وقتی مردم آنجا آن ببر را دیدند گفتند : بوسیلهٔ زاهد این ببر از صورت موش بودن بدین شکل درآمده است . وقتی ببر این سخنان را شنید بانارا حتی باندیشه فرو رفت . و با خود گفت : تا این زاهد زنده است داستان این افترا از میان نخواهد رفت . براثر این اندیشه برای کشتن زاهد آماده شد . وقتی زاهد ارادهٔ ببر را فهمید گفت : دوباره موش شو . سپس ببر موش شد . بنابر این من می گویم : « بدکار هرگاه ترقی کند ، قصد کشتن خداوند خود می کند . مانند موش که چون ببر شد به کشتن زاهد اراده کرد.»

---

(۱) (Mahā-tapā) . این کلمه مرکب از دوجزء است . جزء اول «مها» بمعنی بزرگ ، بسیار ؛ و جزء دوم ازریشهٔ $\sqrt{}$ tap بمعنی ریاضت کشیدن است؛ مجموعاً بمعنی بسیار ریاضت کش .

PANCHATANTRA

3.

asti kasminścit jalāśaye Kambugrīvo1 nāma kacchapaḥ . tasya Saṇkaṭa- Vikaṭa-nāmnī mitre hamsa–jātīye parama-sneham āśrite. atha gacchati[2] kāle anāvṛṣṭi–vaśāt tat saraḥ śanaiḥ śanaiḥ śoṣam agamat . tataḥ tad–duḥkha–duḥkhitau tau ūcatuḥ ' bho mitra jambāla–śeṣam etat saraḥ saṃjātam . tat katham bhavān bhaviṣyati iti vyākulatvam nau . Kambugrīvaḥ āha' ānīyatām[3] dṛḍha–rajjuḥ laghu vā kāṣṭham. mayā madhya-pradeśe gṛhīte sati yuvām tat kāṣṭham mayā sahitam saṃgṛhya anyat saro nayatam.tau ūcatuḥ bho mitra evam kariṣyāvaḥ param tvayā mauna–vratena bhāvyam, no cet kāṣṭhāt tava pāto bhaviṣyati. tathānuṣṭhite[6] gacchatā Kambugrīveṇa kimcid puram ālokitam . tatra ye paurāḥ[4] te tathā nīyamānm tam vīlokya savismayam idam ūcuḥ , ' aho cakrākāram kimapi pakṣibhyām nīyate[7]' . atha teṣām kolāhalam ākarṇya Kambugrīvaḥ āha' bho kimesa kolāhalaḥ iti vaktumanā[8]ardhokte patitaḥ pauraiḥ ca khaṇḍaśaḥ kṛtaḥ ca .

---

1. Bahuvrihi compound. 2. loc. of present participle gacchat. 3. ā - √nī Imperative. 4. mauna-vrata, vow of silence. 5. √ bhū-suffix–yat in future sense . 6. tathā-anu-sthita , locative. 7. √ nī , present participle middle voice . 8. vaktum manaḥ yasya , Bahuvrihi compound .

پنچاتانترا

۳

سنگ پشتی بنام« کمبو گریو »(Kambu-grīva)(۱) در آبگیری بسر میبرد. دوقو بنام «سنکت» (Saṇkaṭa) (۲) و « ویکت» (Vikaṭa)(۳) با اودوستی تمام داشتند . پس از چندی به علت نیامدن باران آبگیر اندك اندك خشك شد . قوها بواسطهٔ ناراحتی سنگ پشت افسرده شده، گفتند : ای دوست ما این آبگیر خشك شد وجز مقداری لجن چیزی درآن نیست وما نگرانیم که تو در اینجا چگونه بسر می‌بری .

« کمبو گریو » گفت : بندی محکم و چوبی کوچك بیاورید و من میان آن چوب رامیگیرم و شمارا به آبگیر دیگر ببرید. هردو گفتند خواهیم کرد ولی بشرطی که توساکت و آرام باشی ، وگرنه از چوب خواهی افتاد . هنگامی که کار بپایان رسید « کمبو گریو » شهری را دید . مردم شهر که آنها را باهم در هوا می‌دیدند باشگفتی میگفتند : دوپرنده چیز گردی را در آسمان می‌برند . هنگامی که « کمبو گریو » هیاهوی مردم را شنید گفت : این هیاهو از چیست؟ وقتی دهان بدین سخن باز کرد از بالا بپایین افتاد ومردم او را یافتند وپاره‌پاره کـردند .

---

(۱) این کلمه مرکب از دوجزء است : جزءاول کمبو «Kambu» بمعنی صدف وگوش مـاهی است وجزء دوم گریو «grīva» بمعنی گردن‌است. مجموعـاً بمعنی دارندهٔ گردنی مانند صدف.

(۲) بمعنی آفت وبلا

(۳) بمعنی ترسناك .

MAHABHARATA

Bhīṣma–anuśasanam

4

1. na hi satyād[1] ṛte kimcid rājñām vai siddhi–kārakam
   ārjavam sarva–kāryeṣu srayethāh Kurunandana[2] .
2. putrā iva piturgehe viṣaye ysaya mānavāh
   nirbhayāh vicariṣyanti sa rājā rājasattamah.
3. ātmā jeyassadā rājñā tato jeyāśca śatravah
   dharmārthau[3] pratigṛhṇīyāt[4] kāma-krodhau ca varjayet.
4. pāpasya yadadhiṣṭhānam tat śṛṇuṣva narādhipa
   eko lobho mahāgrāho, lobhāt pāpam pravartate .
5. amṛtam caiva mṛtyuṣca dvayam dehe pratiṣṭhitam
   mṛtyurāpadyate mohāt satyenāpadyate 'mṛtam .[5]
6. nāsti vidyāsamam cakṣuh nāsti satyasamam tapah
   nāsti rāgasamam dukhham nāsti tyāgasamam sukham .
7. satyam brahma tapah satyam svargam satyena gacchati
   anṛtam tamaso rūpam tamasā nīyate 'hyadhah .[6]
8. Vedasyopaniṣat[7] satyam satyasyopaniṣaddamah
   damasyopaniṣad mokṣah etat sarvānuśāsanam .

---

1. Use of ablative in the sense of-vinā. 2. Tatpuruṣa compound, Kurus and Pāṇḍavas were cousin brothers . 3. Dvanda compound. 4. prati -√ grah , potential 3rd person . 4. Conception of heaven and hell or immortality and death . 6. hi-adhah , nether worlds, i.e. hell. 7. upa-ni-√ sad, sit-together for discussion. or secret purposes.

مهابهاراتا

فرمان بهیشما(۱)

۴

۱ــ ای پسر« کورو» « Kuru» برای شاه چیزی بهتر ومفیدتر از راستی نیست. تو باید درهر کاری فروتن باشی .

۲ــ آن شاه بهترین شاه است که مردمان کشور وی آزاد و بی‌ترس باشند ، مانند فرزندان درخانهٔ پدر .

۳ــ شاه باید پیش از آنکه بردشمن پیروزشود، برروح خود چیره گردد . اوباید کار نیك وبلند همتی راتشویق کند وآزمندی وخشم را خوار دارد .

۴ــ ای سرور کشور ، بشنو که سرچشمهٔ بدی چیست ؟ سرچشمهٔ بدی‌آزمندی‌است که مانند تمساح همهٔ بدیهارا می‌بلعد .

۵ــ جاودانی و نیستی هردو دربدن آدمی وجود دارد نتیجهٔ شیفتگی‌بدنیا فناء ، ونتیجهٔ حقیقت وراستی‌بقاءاست.

۶ــ منظره‌ای همچون دانش وجود ندارد.ریاضتی مانند راستی نیست. هیچ غمگینی مانند وابستگی نیست ، هیچ خوشحالی مانند کناره گیری ازدنیانیست .

۷ــ راستی مانند خداست ، راستی ریاضتی است که بوسیلهٔ آن میتوان به بهشت رفت . دروغ مانند بت‌نادانی است وازنادانی هر کس پست شود .

۸ــ راستی راز«ودها» و رازراستی ، تسلط برنفس و رازتسلط برنفس، رستگاری ازدنیاست ؛ این‌فرمان مقدس‌است .

---

(۱) بهیشما (Bhīṣma) در مهابهاراتا مردی بزرگ و دانشمند معروفی است و مانند معلم مقدسی بشمار می‌آید .

RAMAYANA

5

1. evam uktā tu Vaidehī priyārhā priyavādinī
   praṇayād eva samkruddhā bhartāram idamabravīt.
2. kimidam bhāṣase Rāma vākyam laghutayā dhruvam
   tvayā yad apahāsyam me śrutvā naravarottama.
3. ārya-putra pitā mātā bhratā putrah tathā snuṣā
   svāni puṇyāni bhuñjānā svam svam bhāgyam upāsate.
4. bhartuh bhāgyam tu nāryekā prāpnoti puruṣarṣabha
   ataścaivāham ādiṣṭā vane vastavyam ityapi.
5. na pitā nātmajo nātmā na mātā na sakhījanah
   iha pretya ca narīṇām patireko gatih sadā.
6. yadi tvam prasthito durgam vanam adyaiva Rāghava
   agrataste gamiṣyāmi mṛdnantī kuśakaṇṭakān.

---

1. Daughter of Videha, king of Mithilā, who was famous by name of Janaka. 2. naravara-uttama, voc. 3. puruṣa-ṛsabha, voc. 4. atah-ca-eva-aham, sandhi. 5. Present participle fem. from \ mṛd to crush.

رامایانا

⊙

۱ـ هنگامی که «راما» (Rāma) این سخنان را به «سیتا»ی(۱) زیباوشیرین‌سخن گفت، سیتا کمی خشمگین شد وسپس بامهربانی به شوهر گفت :

۲ـ ای « راما » این سخنان را چرا می‌گویی ؟ زیرا که این سخنان بسیار سبك است . ای بهترین آدمی من وقتی اینها را شنیدم خنده‌ام گرفت .

۳ـ ای سرور گرامی . پدرومادر وشوهر وپسروخواهر (هریك به تنهایی) ازنتیجهٔ کار خود بهره می‌برند وازقسمت خود بهره‌مند میشوند .

۴ـ فقط سرنوشت زن است که وابسته به شوهر است ، بنابراین ای بهترین آدمی، من اجازه گرفتم که باتو در جنگل زندگی کنم .

۵ـ نه‌پدرو نه‌پسر ونه‌مادر ونه خود شخص ونه‌دوستان ورفیقان چه‌در این گیتی و چه پس از مرگ ، زن را یاری نمیکنند ، فقط شوهر است که برای زن پشتیبان است .

۶ـ ای «راگهو» (Rāghava) (۲) اگر تو امروز بسوی جنگل حرکت کنی، من نیز پیش از تو میروم وخار وعلف را باپای خود خرد میکنم .

---

(۱) «سیتا Sītā » زن « راما » بود . برای سرگذشت آنان نگاه کنید به صفحهٔ ۱۸ـ۱۹ همین کتاب.

(۲) راگهو (Rāghava) بمعنی فرزند راگهو (Raghu) است که پدر پدر بزرك «راما» ومرد بزرگی بود. پس ازاوفرزندان ونوادگان اورا راگهو (Rāghava) خواندند . بنابراین راگهو همان «راما» است .

Subhāṣitāni

5

1. varam ekah guṇī putrah na ca mūrkha–śatānyapi
ekaścandrah tamo hanti na ca tārāgaṇopi ca.
2. mātā śatrū pitā vairī yena bālo na pāṭhitah[1]
na śobhate sabhāmadhye hansa-madhye bako yathā·
3. vidvatvam[2] ca nṛpatvam ca naiva tulyam kadācana
svadeśe pūjyate rājā vidvān sarvatra pūjyate.
4. udeti savitā tāmrah tāmra evāstameti ca
sampattau ca vipattau ca mahatām ekarūpatā.

5. pibanti nadyah svayameva nāmbhah
svayam na khādanti phalāni vṛkṣāh
dhāradharo varṣati nātma–hetoh
paropakārāya satām vibhūtayah.

6. arakṣitam tiṣṭhati daiva–rakṣitam
surakṣitam daivahatan vinaśyati.
jīvatyanātho'pi[3] vane visarjitah
kṛta–prayatno'pi gṛhe na jīvati.

7. yeṣām na vidyā na tapo na dānam
gñānam na śīlam na guṇo na dharmah
te mṛtyuloke bhuvi-bhārabhūtāh
manuṣya–rūpeṇa mṛgāścaranti.

---

1. Causative form –Past Participle from √ path . 2. Suffix-tva is used in abstract sense. 3. jīvati – anāthah – api, sandhi.

4. mṛgāh–caranti.

گفتارهای نیك

۶

۱ـ یك پسر خوب بهتر از صد پسر نادان است چنانکه یك ماه روشن (در آسمان) تاریکی را از میان می‌برد در حالی که یك گروه ستارگان توانای باین کار نیستند .

۲ـ پدر ومادری که فرزند خود را وادار به یاد گرفتن دانش نمی کنند ، دشمن او هستند. چنین فرزندی مانند ماهیخواری است درمیان دسته‌ای قو.

۳ـ دانش و پادشاهی برابر نیستند. زیرا شاه در کشور خود پرستیده می‌شود ولی دانشمند در همهٔ گیتی مورد پرستش است.

۴ـخورشید در هنگام‌بر آمدن و فرو رفتن قرمزرنگ است . مانند مرد بزرگ که در هنگام شادی و اندوه یکسان است .

۵ـ رودخانه‌ها از آب خود نمی‌نوشند و درختان از میوهٔ خود نمی‌خورند. ابرها برای خود نمی‌بارند ، همچنانکه شادی مردم بزرگ برای بهره بردن دیگران است.

۶ـ خوشبخت اگر نگاهداری هم نشود زنده می‌ماند، ولی بدبخت اگر هم محافظت شود بازمی‌میرد. چنانکه بی‌پناه خوشبختی‌در جنگل تنها بسر می‌برد ولی بدبخت در خانهٔ خود باهزار کوشش از میان میرود.

۷ـ کسانی که سواد وریاضت کشی وبخشش و دانش واخلاق و خوبی و دین ندارند مانند بارهایی برروی زمین یاحیوانهایی در لباس آدمی هستند.

Upaniṣad: Anuśasanam

7

Vedamanūcya – ācāryah[1] antevasinamanuśāsti[2]. satyam vada. Dharmam cara. svādhyāyānmā pramadah. satyānna pramadita–vyam. dharmānna pramaditavyam. kuśalānna pramaditavyam. bhūtyai na pramaditavyam. Deva–pitṛ–käryābhyām na pramaditavyam. mātṛdevo[3] bhava. pitṛdevo bhava. ācāryadevo bhava. arithidevo bhava.

yānyavadyāni[4] karmāṇi tāni sevitavyāni. no itarāṇi.

śraddhayā deyam. aśraddhayā'deyam, śriyā deyam, hriyā deyam samvidā deyam.

eṣa ādeśah. eṣa upadeśah. eṣā Vedopaniṣat.[5] etad anuśāsanam. evamupāsitavyam.

---

1. ācāram grāhayati yah, (one who imparts tranng in conduct) derived from ā - √ car. 2. anu– √ śās to impart instructions, anuśāsanam is comparable to Convocation address. 3. mātā devatā yasya, mātṛdevah. 4. avadya (faulty), anavadya (flawless). 5. Vedānām Upaniṣat, secret of Vedas.

اوپانیشاد

۷

پند برای شاگردان(۱)

پس‌ازاینکه استاد درس«ودا» را بپایان رسانید شاگردان‌را چنین پند داد :

راست بگو. از روی‌دین زندگانی کن. از مطالعه روی‌گردان مباش. از راستی سر مپیچ. از دین روی‌گردان مباش. از کار مفید روی مگردان. به آفریدگان بدی مکن. در کار خدا وبزرگان غفلت مکن. مادر را مانند خدا ستایش کن. پدر را مانند خدا ستایش کن. استاد را مانند خدا ستایش کن. مهمان را مانند خدا ستایش کن. همیشه کارهای خوب انجام ده و جز این کارها مکن. هرچیز را می‌بخشی از روی ایمان به‌بخش وبدون ایمان مبخش. هرچه بخشی‌زیبای آنرا بخش. باشرم‌حیا به بخش. بااحساس‌مسؤولیت به‌بخش. با میل طبیعی به‌بخش.

این فرمان است. این پند است. این خلاصهٔ «ودا» و «اوپانیشاد» است. این دستور است. اینگونه زندگی کن.

(۱) درگذشته هرگاه‌دانشجویی‌درآموزشگاهی‌درس‌را بپایان‌می‌رسانید، استاد بزرگ‌این‌پندهارا باومیداد. این‌قسمت از «اوپانیشاد تیتّری» (Taittiriya-upanisad) گرفته شده است.

RIGVEDA

(agnisūktam)

1. **Agnim īḷe[1] puróhitam**
   yajñásya5 devam ṛtvijam[2]
   hotāram ratnadhātamam.
2. Agnih pūrvebhih ṛṣibhih[3]
   iḍyah nūtanaih uta,
   sn devān éha[4] vakṣati.
3. Agnīnā rayīm aśnavat
   posam evá divé dive,
   yaśásam vīrávattamam.
4. Agne yám yajñám adhváram
   viśvátah paribhūh ási
   sáh it devésu gacchati
5. Agnih hótā kavi–kratuh
   satyáh citráśravastamah
   deváh devébhih ā gamat[5]

---

1. ḷ and ḍ are pronounced alike in Veda. 2. hotā and ṛtvig are two priests. 3. ṛṣih is one who knows the secret of mantras. 4. eha, ā-iha, the particle ā wiil be joined with verb vakṣati., this is a Vedic peculiarity where interrupted prefix qualifies the verb. 5. Vedic subjunctive mood.

ریگ‌ودا

۸

۱

من خدای‌آتش، موبد خانوادگی، الههٔ‌قربانی، بخشندهٔ بزرگ، یاری کننده مهربان ـ **آگنی** (Agni)ـ را ستایش می‌کنم.

۲

زاهدان وپارسایان‌گذشته و اکنون **آگنی** را مورد پرستش قرار داده و میدهند . امیدوارم او خدایان را بدین (جایگاه قربانی) راهنمایی کند .

۳

نظر خوب و مهربان **آگنی** ممکن است باعث ثروت وخوشبختی همیشهٔ مردمان شود وآنان را به‌شکوه ومقام قهرمانی برساند.

۴

ای **آگنی** پیشکش‌ها و قربانیهایی که از هر مکان بتو میرسد عیناً بخدایان دیگر میرسد .

۵

ای **آگنی**ـ الههٔ مهربانی و دانش و بینش و راستی و درستی که شهرت بسیار داری‌ـ‌ممکن است با خدایان دیگر در اینجا (جایگاه قربانی) حضور یابید .

---

(۱) آگنی(Agni)بعدازایندرا (Indra) درادبیات ودا خدای دوم‌است، واهمیت او درودا بسیار است .

خط دوناگری

درست روشن نیست که هنر نوشتن از چه زمان در هندوستان آغاز شده است. ولی بودن تمدن وادبیات ودایی ونشانه‌های حروف صدا دار وبی‌صدا در «ودا» نشان میدهد که در آن زمان هنر نوشتن در هندوستان آغاز شده بود. البته منابع قدیمی نشان میدهد که در آغاز الفبای براهمی (Brāhmī) رواج داشته است. ومعتقد بودند که این‌خط مستقیماً ازدهان‌خدایی‌بنام براهما (Brahmā) رسیده‌است .همینطوردربارهٔ کتیبهٔ «اشوك» شاه (Asoka) چنین گفته شده‌است. ازخط «براهمی» خط «دوناگری» گرفته شد که خط یا زبان خدایان و نجبای شهرهادانسته شده‌است . این خط درهندوستان ریشهٔخطهای دیگرشد ولی در جنوب هندوستان خط «دراوید»ها از این خط گرفته نشده و باخط «دوناگری» تفاوت دارد . خط سنسکریت و هندی هردو یك طور نوشته می شود . خط «دوناگری» دارای این ویژگی است که تمام صداهای ملفوظ نشانه‌ای در خط دارد وهر چه گفته میشود میتوان با آن خط عیناً نوشت. تمام حروف صدادار و بی صدا برطبق اصول صدا شناسی بوجود آمده و بعضی نشانه ها هم از خط «دراوید» ها گرفته شده‌است .

در این قسمت تنها نمونهٔ حروفی که‌درنوشتن‌بادست وحروفی که در چاپ بکارمیرود، آورده شده است.

الفبای«دو ناگری» (Devanāgarī) که درچاپ کتابها مورداستفاده است.(۱)

अ a	आ ā	इ i	ई ī	उ u	ऊ ū
ऋ ṛ	ॠ ṝ	ऌ ḷ			
ए e	ऐ ai	ओ o	औ au		

क k	ख kh	ग g	घ gh	ङ ṅ	
च c	छ ch	ज j	झ jh	ञ ñ	
ट ṭ	ठ ṭh	ड ḍ	ढ ḍh	ण ṇ	
त t	थ th	द d	ध dh	न n	
प p	फ ph	ब b	भ bh	म m	
य y	र r	ल l	व v		
श ś	ष ṣ	स s			ह h.

نشانه های حروف صدادار و ترکیب آنها با حرف بی‌صدای «ك»

—	ा	ि	ी	ु	ू	ृ	ॄ	ॢ
क	का	कि	की	कु	कू	कृ	कॄ	कॢ
े	ै	ो	ौ	ं ṁ	ः ḥ.			
के	कै	को	कौ	कं	कः			

---

(۱) : برای تلفظ این حروف نگاه کنید به صفحهٔ ۳۰ و ۳۱ از کتاب حاضر.

الفبای «دوناگری» که برای دستنویسی بکار میرود

अ आ इ ई

उ ऊ ऋ ॠ

ए ऐ ओ औ

अं अः

क ख ग घ ङ

च छ ज झ ञ

ट ठ ड ढ ण

त थ द ध न

प फ ब भ म

य र ल व

श ष स ह

ترکیب «ک» با حرف صدا دار برای نمونه.

अ	—	क	k+a=ka
आ	ा	का	k+ā=kā
इ	ि	कि	k+i=ki
ई	ी	की	k+ī=kī
उ	ु	कु	k+u=ku
ऊ	ू	कू	k+ū=kū
ऋ	ृ	कृ	k+ṛ=kṛ
ए	े	के	k+e=ke
ऐ	ै	कै	k+ai=kai
ओ	ो	को	k+o=ko
औ	ौ	कौ	k+au=kau
अं	ं	कं	k+aṁ=kaṁ
अः	ः	कः	k+aḥ=kaḥ

حروف بی‌صدا که شامل حروف بزرگ و کوچک است.

بزرگ	کوچک		بزرگ	کوچک	
क	क्	k	ग	ग्	g
च	च्	c	ज	ज्	j
त	त्	t	न	न्	n
प	प्	p	ब	ब्	b
भ	भ्	bh	म	म्	m
य	य्	y	र	र्	r
व	व्	v	श	श्	ś
ष	ष्	s	स	स्	s

قسمت زیر یک فرم جداگانه وبخصوصی است :

क् - ष =	क्ष	k+ṣ=kṣ
त् - र =	त्र	t+r=tr
ज् - ञ =	ज्ञ	j+ñ } =jñ g+y } =gy

برای نمونه کلماتی چند از سنسکریت را در زیر می‌آوریم :

अन्न	आकाश	स्वर
नख	एक	कपोत
माता	जानु	बाहू
बाला	केश	सप्त
घर्म	अष्ट	पाचक
ईरान	शीराज़	हमादान

رقمها در خط «دوناگری» :

१	२	३	४	५
۱	۲	۳	۴	۵
६	७	८	९	०
٦	۷	۸	۹	۰

برای نمونه جمله‌هایی چند بخط سنسکریت (دوناگری) داده میشود :

नमस्ते ।

namaste

(سلام برتو)

त्वं कुत्र गच्छसि ?

tvam kutra gacchasi ?

(تو کجا میروی)

किं ते नाम ?

kim te nāma?

(نام تو چیست ؟)

त्वं कस्यां कक्षायां पठसि ?

tvam kasyām kakṣāyām pathasi

(تو درچه کلاسی درس میخوانی؟)

अस्य नगरस्य किं अभिधानम् ?

asya nagarasya kim abhidhānan

(نام این شهر چیست؟)

अपि भवान् कुशली अस्ति ?

api bhavān kuśali asti ?

(حال شما خوب است؟)

तव कति भ्रातरः सन्ति ?

tava kati bhrātarah santi ?

(چند برادر داری؟)

अनुज्ञां देहि अधुना गृहं गच्छामः ।

anujñām dehi adhunā gṛhan gacchāmah.

(اجازه‌بده اکنون بخانه‌برویم)

برای نمونه جمله‌هایی چند بخط سنسکریت (دوناگری)درزیر داده میشود:

ईरानः आर्याणां देशः। अस्य देशस्य
अतीतं अति गौरवमयं आसीत् ।
पुरा अत्र बहवः वीराः राजानः
राज्यं अकुर्वन् । महात्मा जरथुश्तः
अत्र एव ज्ञान-ज्योतिं ज्वालयामास ।
अनेकैः कविभिः अत्र मधुराणि
काव्यानि रचितानि । ईरान-वासिनः
काव्य-विनोदिनः रसिकाः च सन्ति ।
अद्यापि ते कवीनां आदरं कुर्वन्ति ।
अस्य देशस्य भविष्यं उज्वलं अस्ति ।

Transliteration

Irānah āryāṇām deśah. asya deśasya atītam ati gaurava-mayam āsīt. purā atra bahavah vīrāh rājānah rājyam akurvan. Mahātmā Jarthuśtah atra eva gñāna-jyotim jvālayāmāsa. anekaih kavibhih atra madhurāṇi kāvyāni racitāni· Irān-vāsinah kāvya-vinodinah rasikāh ca ṣanti. adyāpi te kavīnām ādaram kurvanti. asya deśasya bhaviṣyam ujvalam asti.

ترجمهٔ فارسی

ایران کشور آریاهاست. گذشتهٔ این کشور بسیار درخشانست. در زمان پیشین شاهان دلیر و بسیار در اینجا پادشاهی کردند. زردشت بزرگ اندیشه در اینجا مشعل علم برافروخت. در این کشور بوسیلهٔ شاعران، شعرهای شیرین ساخته شده است. مردم ایران شعر دوست ودارای ذوق زیبا شناسی هستند. حتی امروز نیز شاعران خود را گرامی میدارند. آیندهٔ این کشور بسیار درخشان است.

نمونه‌ای از «هیتوپدشا» و «ریگ ودا» به‌خط سنسکریت (دوناگری(۱)) :

अस्ति गौतमारण्ये महातपा नाम मुनिः । तेनाश्रमसंनिधाने मूषिकशावकः काकमुखाद्भ्रष्टो दृष्टः । ततो दयालुना तेन मुनिना नीवारकणैः स संवर्धितः । तं च मूषिकं खादितुमनुधावन्बिडालो मुनिना दृष्टः । पश्चात्तपःप्रभावात्तेन मुनिना मूषिको बलिष्ठो बिडालः कृतः ।स बिडालः कुक्कुराद्बिभेति। ततोऽसौ कुक्कुरः कृतः । कुक्कुरस्य व्याघ्रान्महद्भयम् । तदनन्तरं स व्याघ्रः कृतः । अथ व्याघ्रमपि तं मूषिकनिर्विशेषं पश्यति मुनिः । अतः सर्वे तत्रस्था जनास्तं व्याघ्रं दृष्ट्वा वदन्ति । अनेन मुनिना मूषिकोऽयं व्याघ्रतां नीतः । एतच्छ्रुत्वा स व्याघ्रः सव्यथोऽचिन्तयत् । यावदनेन मुनिना जीवितव्यं तावदिदं मम स्वरूपाख्यानमकीर्तिकरं न पलायिष्यते । इति समालोच्य मुनिं हन्तुं समुद्यतः । ततो मुनिना तस्य चिकीर्षितं ज्ञात्वा पुनर्मूषिको भवेत्युक्त्वा मूषिक एव कृतः । अतोऽहं ब्रवीमि ।

नीचः श्लाघ्यपदं प्राप्य स्वामिनं लोप्तुमिच्छति ।
मूषिको व्याघ्रतां प्राप्य मुनिं हन्तुं गतो यथा ॥

(۱) برای ترجمهٔ فارسی و برگردانیده شدهٔ این قسمت به لاتین نگاه، کنید به صفحهٔ ۹۶و۹۷ ازکتاب حاضر .

(۱)RIGVEDA 1.1.

अग्निमीळे पुरोहितं यज्ञस्य देवमृत्विजम् ।
होतारं रत्नधातमम् ॥१॥
अग्निः पूर्वेभिर्ऋषिभिरीड्यो नूतनैरुत ।
स देवाँ एह वक्षति ॥२॥
अग्निना रयिमश्नवत्पोषमेव दिवेदिवे ।
यशसं वीरवत्तमम् ॥३॥
अग्ने यं यज्ञमध्वरं विश्वतः परिभूरसि ।
स इद्देवेषु गच्छति ॥४॥
अग्निर्होता कविक्रतुः सत्यश्चित्रश्रवस्तमः ।
देवो देवेभिरा गमत् ॥५॥

(۱) برای ترجمهٔ فارسی و برگردانیده شدهٔ این قسمت به لاتین، نگاه کنید به صفحهٔ ۱۰۸ و ۱۰۹ از کتاب حاضر.

واژه نامهٔ سنسکریت ـ فارسی

سنسکریت	فارسی
akṣa m.	قمار
akṣata part.	ناسالم ـ مجروح
agni m.	آتش
agra n.	روبرو ـ جلو
aṅga	اندام
aṅgulīyaka n.	انگشت
atah adv	پس ـ بنابراین
ati adv.	بسیار
atra adv.	اینجا
atha adv.	پس ازاین
athavā adv.	یا
Atharva-veda m.	(اترو ـ ودای چهارم ودا)
adas pron. (asau)	آن
adya adv.	امروز
adharma m.	نامقدس
adhas adv.	پایین
adhastāt adv.	پایین
adhi adv.	بر ـ بالا (پیشاوند)
adhika a.	بسیار ـ زیاد
adhikaraṇika m.	قاضی دادگستری
adhikāra m.	حق ـ ادعا

سنسکریت	فارسی
adhipati m.	صاحب ـ مالك
adhunā adv.	اکنون
adhvara m.	مراسم دینی
anantaram adv.	سپس
anāvṛṣṭih f.	بی‌باران ـ خشکسالی
anu adv.	پشت (پیشاوند)
anukūla a.	موافق
anumati f.	اجازه
anumāna m.	اندازه
anṛta m.	دروغ
aneka a.	چند ـ چندین
anta m.	پایان
anuśāsana n.	نظم و ترتیب
antika adv.	نزدیك
antevāsin m.	شاگرد
antarikṣa n.	افق
andha m.	کور
andha-kāra m.	تاریکی
anna n.	غذا
anyat adv.	دیگر
anyatra adv.	جای دیگر
anyathā adv.	وگرنه

سنسکریت	فارسی
ap f. (pl) āpah	آب
api adv.	نیز ـ هم
apara pron .	دیگر
apsaras f.	پری
abhaya n.	ناترس
abhi adv.	روبرو (پیشاوند)
abhyāsa m.	تمرین
amṛta n, adj.	آب حیات
ambā f.	مادر
amla n.	ترش
araṇyam. n.	جنگل
ari m.	دشمن
artha m.	ثروت ـ معنی
ardha n.	نصف
alam adv.	کافی
ali m.	زنبور
ava adv.	پایین (پیشاوند)
avaśyam adv.	حتمی ـ حتماً
avasthā f.	حالت
aśīti num.	هشتاد
aśru n.	اشك
aśva m.	اسب

سنسکریت	فارسی
aṣṭa num.	هشت
aṣṭama num.	هشتم
aṣṭādaśa num.	هجده
asatya n.	دروغ
asambhava a.	ناممکن
asi m.	شمشیر
asura m.	دیو
asta a.	غروب
asthi n.	استخوان
asmat pro.	ما ـ مال ما
aham pron.	من
aharniśa n.	شب وروز
ahita a.	مضر
aho int.	ای (حرف ندا) ـ آه ـ آخ
ahorātra n.	شب وروز
ā adv.	دوروونزدیك (پیشاوند)
ākāra m.	شکل ـ صورت
akāśa n.	آسمان (درودا مذکر آمده)
ākarsaṇa n.	جاذب
ākheṭa n.	صید ـ نخجیر ـ شکار
āgama m.	کتاب مقدس
āgamana m.	ورود

سنسکریت	فارسی
ācāra m.	اخلاق
ācārya m.	پیر۔مرشد
ājñā f.	اجازه
ātman m.	روح
ādi m.	آغاز۔شروع
āditya m.	آفتاب
ādeśa m.	دستور
√āp	بدست آوردن۔حاصل کردن
āpad f.	آفت۔بلا
āpaṇa m.	دکان۔مغازه
ābhūṣaṇa n.	زیور آلات
āmra m.	امبه
āyata a.	پهناور۔وسیع
āyuṣ m.	سن
ārjava n.	فروتنی
āloka m.	روشنی
ālokita p. pf.	روشن
āvām pro.	هردوما
āśā f.	امید
āśu a.	زود
āśrama m.	خانقاه
āśrita p. pf.	پناهنده

سنسکریت	فارسی
āsana n.	مسند
asvādu n.	بی‌مزه
āharaṇa n.	ربودن-دزدیدن-بزوربردن
āhāra n.	خوراك- غذا
āhuti f.	قربانی-سوزاندن روغن‌وبخور درهنگام انجام مراسم دینی
icchā f.	میل
itarat pro.	دیگر
itas adv.	ازاینجا
iti adv.	پایان
ittham adv.	چنین
idam pro.	این
indu m.	ماه
Indra m.	ایندرا (خدای باران)
iyam f.	این (دختر)
Iva adv.	مثل-مانند
√ iṣ	خواستن
iṣu m.	تیر
iha adv.	اینجا
√ īd v.	ستودن
īsvara m.	خدا-خداوند
ut adv.	بالا (پیشاوند)
uttara n.	پاسخ-شمال

سنسکریت	فارسی
ut √ sṛij v.	ترک کردن-رها کردن
uttarīya m.	شال
udadhi m.	دریا
uddeśya m.	مقصود
udaya m:	طلوع
udyāna m.	باغ
udyoga m.	کوشش-صنایع دستی
udyogin m.	کوشان
unmatta m.	مست
upa adv.	معاون (پیشاوند)
upadeśa m.	پند
upanayana n.	کشتی(رسم‌دینی‌هندویان)
upaniśat f.	اوپانیشاد (کتاب هندیان باسم)
upapanna p. pf.	آماده-حاضر شده
Upabhoga m.	خوشی-لذت
upayoga m.	استعمال
upavana n.	باغ
upānah f.	کفش
ubha a.	دو
uru a.	ران
uśas f.	شفق
uṣṭra m.	شتر

سنسکریت	فارسی
ṛkṣa m.	خرس
ṛgveda m.	رگ‌ودا (نخستین کتاب ودا)
ṛta m.	راستی (درودا)
ṛc f.	سرود دینی
ṛṇa n.	قرض
ṛṣi m.	اهل نظر
eka num.	یك
ekadā adv.	یکبار ـ یکمرتبه
ekādaśa num.	یازده
etad pro.	این
eva adv.	تنها
evam adv.	چنین
oja m.	قوت
odana n.	چلو
oṣṭha m.	لب
auṣadha n.	دوا
kah pro.	کی
kaṇkaṇa n.	دست‌بند
kāca m.	شیشه
kacchapa m.	سنگ پشت
kaṭa m.	بادری ـ حصیر
kaṭu m.	تلخ

سنسکریت	فارسی
kaṭhora n.	سخت
kaṇa n.	قطره
kaṇṭaka m.	خار
kaṇṭha m.	گلو
katarat adv.	کدام
katham adv.	چگونه-چطور
kathā f.	داستان
√ kathay v.	گفتن
kadā adv.	کی
kadācit adv.	هنگامی-شاید
kadācana adv.	شاید
kaniṣṭha a.	کوچکتر
kanīyas a.	کوچک
kanyā f.	دختر
Kandarpa m.	کندرپا (رب‌النوع عشق)
kapi m.	میمون
kapota m.	کبوتر
Kamalā f.	کملا (رب‌النوع ثروت)
√ kamp v.	لرزیدن
kara m.	دست
karin m.	فیل
karṇa m.	گوش

سنسکریت	فارسی
kartṛ m.	کننده
karman m.	عمل
kalaha m.	نزاع
kalā f.	هنر
kalyāṇa n.	بهبودی
kaluṣa n.	کثیف
kavi m.	شاعر
kavitā f.	شعر ـ نظم
kāka m.	کلاغ ـ زاغ
kāṇa m.	یك‌چشم ـ کور از یك‌چشم
kānti f.	نور
kāma m.	هوی‌وهوس
kāmin m.	شهوانی
kāminī f.	زن زیبا
kāraṇa n.	علت
kāyā m.	بدن
kārya n.	کار
kāryālaya	اداره
kāla m.	وقت
Kālidāsa m.	کالیداسا (یکی از بزرگترین‌شاعران زبان‌سنسکریت)
kāvya m.	دیوان شعر
kāṣṭha n.	چوب

سنسکریت	فارسی
kim n.	کی
kīṭa m.	بخشندگی
kīrti f.	شهرت
kīrtimat m.	معروف
kukkuṭa m.	خروس
kutah adv.	از کجا
kutra adv.	کجا
kuṭī f.	کلبه
√ kup v.	خشمگین‌شدن-عصبانی شدن
kumāra m.	پسر مجرد
kumārī f.	دوشیزه
kumbhakāra m.	کوزه‌گر
kuśala a.	سلامت
kuṇḍala n.	گوشواره
kūpa m.	چاه
kuṭa	قلهٔ کوه
√ kṛ v.	کردن
kṛpaṇa m.	بخیل
kṛpā f.	مرحمت
kṛśa m.	ناتوان-لاغر
√ kṛs v.	کشیدن

سنسکریت	فارسی
kṛṣaka m.	کشاورز
kṛṣi f.	کشاورزی ـ زراعت
kṛṣṇa a.	سیاه
Kṛṣṇa (Prop. N.) m.	کرشنا (یکی ازخدایان هندی)
ketu m.	درفش
keyūra n.	بازوبند
keśa m.	گیسو
kopa m.	خشم
kolahala m.	پرسروصدا
komala n.	ملایم ـ نازك
kovida m.	دانشمند
koṣa m.	گنج
√ krī v.	خریدن
√ krīd v.	بازی کردن
krīḍā f.	بازی
√ krudh v.	خشمگین شدن
krodha m.	خشم
kva adv.	کجا
kṣaṇa m.	لحظه
kṣatriya m.	نگهبانان مملکتی ـ جنگجویان (طبقهٔ دوم از چهار طبقه درهند قدیم)
kṣamā f.	پوزش ـ عذر

سنسکریت	فارسی
√ kṣāl v.	شستن
√ kṣip v.	پرت کردن-افگندن
kṣīra n.	شیر (خوردنی)
kṣudra n.	کوچك-پست
kṣudhā f.	گرسنگی
kṣetra n.	میدان -مزرعه
ksobha m.	آشفتگی-اضطراب
khaga m.	پرنده
khanja m.	لنگ
khaṇḍaśah a.	پاره‌پاره-تکه‌تکه
√ khan v.	کندن
khara m.	خر
kharjūra m.	خرما
khalvāṭ m.	کچل
khyāta n.	معروف
√ khād v.	خوردن
Gangā f.	گنگ (نام‌رودخانهٔ‌مقدس)
gaja m.	فیل
√ gaṇa v.	شمردن
gaṇanā f.	شماره
gati f.	خرامیدن
gabhīra n.	گود

سنسکریت	فارسی
√ gam v.	رفتن
garīyas m.	سنگین
gardabha m.	خر
gandha m.	بو
garutmat m	شاهین ـ عقاب
gātra n.	تن ـ بدن
gāthā f.	داستان
gir f.	سخن
giri m.	کوه
gīta f.	سرود
guṇa m.	صفت
guṇin m.	دارندهٔ صفات متعدد
guru m.	پیر ـ مرشد
guha f.	غار
gṛha	خانه
gopa m.	گاوبان
go m.	گاو
godhūma n.	گندم
grantha m.	کتاب
√ grah v.	گرفتن
grāma m.	ده
grāsa m.	گیاه ـ لقمه

سنسکریت	فارسی
ghaṭa m.	کوزه ـ سبو
ghaṭanā f.	پیش آمد ـ حادثه
ghaṭikā f.	گهتیکا(برابر با ۲۴ دقیقه)
ghṛta m.	روغن حیوانی
ca conj.	و
cakra n.	چرخ
cakṣus n.	چهار
caturtha a.	چهارم
caturdaśa num.	چهارده
catuṣpada a.	جانور ـ چهارپا
catvārimśat num.	چهل
candra m.	ماه
candramas m.	ماه
√ car v.	چریدن ـ چریدن
cara m.	پیک ـ قاصد ـ جاسوس
caraṇa m.	پا
carita n.	شرح حال
caritra n	اخلاق
carman n.	چرم
cātaka m.	نوعی از پرندگان
cāru a.	زیبا
ciram adv.	دیر

فارسی	سنسکریت
درمان۔معالجه	cikitsā f.
پزشك	cititsaka m.
فکر	citta n.
تصویر	citra n.
نقاش	citrakāra m.
اضطراب	cintā f.
فریاد۔جیغ	cītkara m.
دزدیدن	√ cur v.
دزد	caura m.
چتر	chatra n.
سایه	chāya f.
سوراخ کردن۔بریدن	√chid v.
جهان	jagat n.
زاییدن۔آفریدن	√ jan n.
انسان	jana m.
پدر	janaka m.
مادر	jananī f.
گل	jambāla m.
جنگل	jaṇgala n.
تولد	janman
فتح	jaya m.
پیری	jarā f.

سنسکریت	فارسی
jala n.	آب
jalāśaya n.	آبگیر
√jāgṛ v.	بیدار شدن
jāgaraṇa n.	بیداری
jāti f.	طبقهٔ مردم
jāmātṛ m.	داماد
jāla n.	تور
√ ji v.	بردن-پیروزشدن
jihvā f.	زبان
√ jīv v.	زنده‌بودن-زیستن
jīvana n.	زندگانی
jīvita n.	زنده
√jñā v.	دانستن
jñāna n.	علم
jyāyas a.	بزرگ
jyeṣṭha a.	بزرگترین
jyotiṣa n.	علم‌نجوم
jyotis n.	نور-روشنایی
jvara m.	تب

---

taḍāga m.	آبگیر-آبدان
taṇḍula m.	برنج
tatas adv.	ازآنجا

سنسکریت	فارسی
tatra adv.	آنجا
tathā adv.	آنطور
tad pron.	آن
tadā adv.	درآن‌هنگام
√ tap v.	ریاضت کشیدن
tapas n.	ریاضت
tapasvin m.	ریاضت کش
tapovana n.	جنگل-ریاضت
tamas n.	تاریکی
taru m.	درخت
tarhi adv.	پس
√ tāḍ v.	زدن
tātā m.	عزیز-پدر
tādṛś a.	مانند آن
tāraka m.	ستاره
tāvat adv.	تاآنوقت
tikta n.	تند
tilaka m.	خال
tīra n.	تیر - کرانه
tīrtha n.	زیارتگاه
tulā f.	ترازو
tūṣṇīm adv.	خاموش

سنسکریت	فارسی
√ tṛ v.	شنا کردن
tṛtīya	سوم
tṛṣṇā f.	تشنگی
te pro.	ایشان
toraṇa m.	دروازهٔ شهر
tau pro.	هردوایشان
trāyodaśa num.	سیزده
trāsa n.	ترس
tri num.	سه
trimśat num.	سی
tvam pron.	تو

---

dakṣa m.	باهوش
dakṣiṇa a.	جنوب ـ راست
daṇḍa m.	عصا ـ مجازات
danta m.	دندان
dayā f.	لطف ـ مرحمت
daridra a.	فقیر
darpaṇa n.	آیینه
darśana n.	جلوه ـ ظهور
daśa num.	ده
daśama a.	دهم
√ dah v.	سوزاندن

سنسکریت	فارسی
√ dā v.	دادن
dātṛ m.	دهنده
dāna n.	بخشش
dānava m.	کمان
dānta m.	دلیر
dāsa m.	پیشخدمت
dāsī f.	کلفت
dik f.	سوی-طرف
dina n.	روز
divasa m.	روز
dīrgha a.	دراز-طویل
dukkha n.	غم
dugdha n.	شیر (خوردنی)
durga m.	قلعه
durātman m.	بدجنس
durjana m.	بدجنس
durdaśā f.	بدبختی
durlabla a.	کمیاب-نادر
√ duh v.	دوشیدن
duhitṛ f.	دختر
dūta m.	پیک-قاصد
√ dṛṣ v. (paśya)	دیدن

سنسکریت	فارسی
deva m.	ربالنوع
devatā f.	ربالنوع
deśa m.	کشور
devī f.	ربالنوع
dṛḍha m.	محکم-قوی
daiva n.	بخت
doṣa m.	تقصیر
dravya n.	پول
dvāra m.	دو
dvi num.	در
dvija m	برهمن
dvitīya a.	دوم
dvipad m.	جانور (دوپا)

سنسکریت	فارسی
dhana n.	ثروت
dhanavat m.	ثرونمند
dhanin m.	ثروتمند
dhanuṣ n.	کمان
dharā f.	زمین
dharma m.	دین
dhavala a.	سفید
√ dhā v.	گرفتن-پوشیدن
dhātṛ f.	پرستار

سنسکریت	فارسی
dhānya n.	غله
dhārādhara m.	ابر
√ **dhāv v.**	دویدن
dhī f.	عقل-دانش
dhīmat a.	دانا
dhīra m.	باحوصله
√ **dhṛ v.**	پوشیدن
dhenu f.	گاو
dhairya n.	صبر
√ **dhyā v.**	اندیشیدن
dhruva n.	حتمی-حتم
na adv.	نه
nakṣatra n.	ستاره
nakha m, n.	ناخن
nagara n.	شهر
nagarī f.	شهر
nadī f.	رودخانه
naptṛ m.	نوه
nabha n.	آسمان
√ **nam v.**	تعظیم کردن- خم‌شدن
nara m.	نر
nayana n.	چشم

فارسی	سنسکریت
دوزخ	naraka m.
پادشاه	narādhipa m.
نو	nava a.
نه (۹)	nava num.
نود (۹۰)	navati num.
نوزده (۱۹)	navadaśa num.
نهم	navama a.
نو - نوین	navīna a.
خراب شدن	√ naś v.
مار - فیل	nāga m.
نمایش‌نامه	nāṭaka n.
سلمانی-سرتراش	nāpita m.
نام - اسم	nāman n.
زن	nārī f.
خراب کردن	nāśa m.
همیشه	nitya a.
بدگویی کردن	√ nind v.
باهوش	nipuṇa n.
دستور - حکم	niyoga m.
آبشار	nirjhara m.
ستمگر	nirdaya a.
نیازمندی بکسی	nirbhara n.

فارسی	سنسکریت
روشن	nirmala a.
بردن	√ nī v.
پست	nīca m.
روش	nīti f.
در حال بردن	nīyamāna pr. pl.
آبی	nīla a.
غلهٔ خودروی	nīvara m.
حتماً	nūnam adv.
نو	nūtana a.
رقصیدن	√ nṛt v.
رقص	nṛtya n.
شاه	nṛpa m.
شاه	nṛpati m.
پیشوا ـ رهنما	netṛ m.
چشم	netra n.
قایق	nau f.
انصاف	nyāya m.
درست ـ منصفانه	nyāyya a.

بال	pakṣa m.
پرنده	pakṣin m.
گل	paṇka n.

سنسکریت	فارسی
√ pac v.	پختن
pañca num.	پنج(۵)
pañcatva n.	درگذشتن ـ فوت کردن
pañcama a.	پنجم
pañcadaśa num.	پانزده(۱۵)
pañcāśat num.	پنجاه(۵۰)
√ paṭh v.	خواندن
paṇḍita m.	دانشمند
√ pat v.	افتادن
pati m.	صاحب ـ مالك ـ شوهر
patnī f.	زن ـ همسر
patra n.	برگ ـ نامه
pathin m.	راه
pad m.	پا
padma n.	نیلوفر
payas n.	آب ـ شیر (خوردنی)
para a.	مال دیگران ـ متعلق بدیگران
paramātman m.	روح کامل ـ خدا
paraśu m.	تبر
paraśva adv.	پس فردا
parākrama m.	شجاعت
paropakara m.	نیکخواهی

سنسکریت	فارسی
paramarśa m.	رای
pariṣad f.	مجلس
parvata m.	کوه
pavana m.	باد
paśu m.	حیوان
paṣcāt adv.	بعدا
√ pā v (pib)	نوشیدن
√ pā v.	نگاهداری کردن
pācaka m.	آشپز
pāṭha m.	درس
pātra m.	ظرف ـ بااستعداد
pāda m.	پا
pāpa n.	گناه
pālana n.	پرورش دادن
pāśa m.	تور
pāṣāṇa m.	سنگ
pika m.	کوکو (نام پرنده‌ایست)
pitṛ m.	پدر
√ pīd v.	آزار رساندن
pīḍā f.	آزار
puṇya n.	ثواب
putra m.	پسر

سنسکریت	فارسی
punah adv.	دوباره
pura n.	شهر
purā adv.	روبرو ـ زمان پیشین
puruṣa m.	مرد
purohita m.	آخوند
puṣpa n.	گل
pustaka n.	کتاب
√ pūj v.	پرستیدن
pūrṇa n.	کامل ـ پر
√ pṛch v.	پرسیدن
pṛthak adv.	جدا
pṛthvī f.	زمین
petikā f.	چمدان کوچك
pautra m.	نوه
paura m.	شهری
prakāśa n.	روشنایی
√ prach v.	پرسیدن
praṇaya m.	محبت ـ عشق
prati adv.	برای (پیشاوند)
pratikūla a.	مخالف
pratijñā f.	قول ـ تعهد
pratyaham adv.	هر روز

سنسکریت	فارسی
pratibimba n.	انعکاس
prathama a.	اول
pramāda m.	اشتباه
prabhāva m.	علت
pralaya m.	قیامت
praves'a m.	ورود
praṣna m.	سؤال
prasanna n.	خرسند
prahara m·	پرهر (برابر باسه ساعت)
prāṇa m.	روح
prātar adv.	بامداد-صبح
prāyas adv.	غالباً-بیشتر اوقات
prārthanā f.	نماز-دعا
prasāda m.	مرحمت
priya a.	عزیز
prīti f.	محبت
preman m, n.	محبت-عشق
phala n.	میوه-ثمر

---

baka m.	ماهی‌خوار
barbara a.	وحشی
bandhu m.	برادر - خویشاوند

سنسکریت	فارسی
bala n.	نیرو
balavat m.	نیرومند
balin m.	نیرومند
bahu adv.	بسیار-فراوان
bādhā f.	مانع-جلوگیری
bāṇa m.	تیر
bāḍham adv.	خوب
bāla m.	پسربچه
bālā f.	دختر بچه
bāṣpa m.	اشك
bāhū m.	بازو
biḍāla m.	گربه
bindu n.	قطره
buddha part.	بیدارشده
buddhi f.	خرد - عقل
budha m.	دانشمند
brahmacārin m.	مجرد-مردی که‌ازازدواج‌سربازمی‌زند.
Brahman m.	روان گیتی - روح کل
Brāhmaṇa m.	طبقهٔ روحانی-برهمن
bhakta a.	پرستنده
bhagavat m.	خدا
bhadra a.	نجیب

سنسکریت	فارسی
bhaya n.	ترس
bhayankara n.	ترسناك
bhartṛ m.	مالك - شوهر
bhavat m.	شما
bhaviṣyat n.	آینده
bhasman n.	خاکستر
√ bhā v.	درخشیدن
bhāgya m.	بهره
bhānu m.	آفتاب
bhāra m.	باد
bhāvyam adv.	بخت - حتماً بودنی وشدنی
bhāryā f.	همسر - زن
√ bhās v.	گفتن
bhāṣā f.	زبان
bhāsvān m.	آفتاب
bhikṣa f.	گدایی
√ bhi v.	ترسیدن
bhiṣak m.	پزشك
bhuvana n.	جهان - دنیا
√ bhū v.	بودن
bhū f.	زمین
bhūta pt. pl.	جنی - بوده

سنسکریت	فارسی
bhūti f.	سعادت
bhūyas adv.	دوباره
bhūṣaṇa n.	زیور
bhṛtya m.	نوکر-پیشخدمت
bhoga m.	لذت
bhojana n.	غذا
bhrātṛ m.	برادر
bhrū f.	ابرو

---

makṣikā f.	مگس
maṇi m.	سنگ قیمتی
mati f.	خرد - عقل
matimat m.	خردمند
matsya m.	ماهی
madhu n.	عسل
madhura n.	شیرین
madhya a.	میان
madhyānha m.	ظهر
manas n.	دل-قلب
mantra m.	سرود-مشورت
mantrin m.	وزیر
manḍūka m.	قورباغه-غوك

فارسی	سنسکریت
طاوس	mayūra m.
مرگ	maraṇa n.
باد	marut m.
پیشانی	mastaka n.
بزرگ ـ مه	mahat m.
مهاراجه ـ راجه	mahārāja m.
خانم	mahilā f.
ملکه ـ گاومیش	mahiṣī f.
گوشت	mānsa n.
مادر	mātṛ f.
انسان	mānava m.
اندیشه	mānasa n.
راه	mārga m.
گربه	mārjārā m.
حلقهٔ گل	mālā f.
باغبان	mālin m.
ماه	māsa m.
دوست ـ رفیق ـ آفتاب	mitra n.
ماهی	mīna m.
رهایی	mukti f.
دهن	mukha n.
ترک کردن	√muc v.

سنسکریت	فارسی
√mud v.	لذت بردن
muni m.	زاهد
mūla n.	ریشه
mūrti f.	بت ـ مجسمه
√mṛ v.	مردن
mṛga m.	آهو
mṛgayā f.	شکار
mṛta p. part. √mṛ	مرده
mṛtyu m.	مرگ
mṛdu n.	ملایم-نرم
megha m.	ابر
maitri f.	دوستی
mokṣa m.	رهایی
moha m.	شیفتگی

سنسکریت	فارسی
√yaj v.	قربانی کردن
yajña m.	جشن قربانی
√yat v.	کوشش کردن-سعی کردن
yati m.	مرتاض
yatna m.	کوشش
yātrā adv.	مسافرت
yathā adv.	همانطور

سنسکریت	فارسی
yad pvo.	که
yadā adv.	وقتیکه
yadi adv.	ولی-اگر
yama m.	یما (رب‌النوع مرگ)
yava m.	جو
yavana m.	خارجی - مانند یونانی
yaśas n.	شهرت
√ yā v.	رفتن
√ yāc v.	گدایی کردن
yācaka m.	گدا
yātrā f.	مسافرت
yāna n.	وسائل نقلیه
yāvat pro.	تاوقتیکه
yuga n.	زمان-جفت
yugma n.	جفت
yuddha m.	جنگ
√ yudh v.	جنگیدن
yuvan m.	جوان
yuvati f.	دختر جوان
yuvām pro.	هردوشما
yuśmat pro.	مال‌شما
yūyam pro.	شما

سنسکریت	فارسی
rakta a.	خون
√ rakṣ	محافظت کردن
rajat n.	نقره
rajju m.	ریسمان
raṇa m.	جنگ
ratna n.	جواهر
ratha m.	گردونه
√ ram v.	لذت بردن
ramaṇī f.	زن خوشگل
raśmi f.	شعاع
rasa m.	مزه ـ آب میوه
rākṣasa m.	دیو
√ rāj v	حکومت کردن ـ درخشیدن
rājan m.	راجه
rājya n.	سلطنت
rātri f.	شب
Rāma pr. n.	راما (نام خدا)
Ramāyaṇa n.	رامایانا (نام‌داستان مشهور)
Rāvaṇa m.	راونا(اسم شاه سیلان که درزمان رام زیست‌میکرد)
raśi f.	توده
√ ruc v.	پسندیدن‌ـدرخشیدن
√ rudh v.	مانع شدن

فارسی	سنسکریت
خون	rudhira n.
رستن-رشد کردن-روییدن	√ ruh v.
زیبایی	rūpa n.
خوشگل-زیبا	rūpavat m.

فارسی	سنسکریت
صد هزار (۱۰۰۰۰۰)	lakṣa n.
لکشمی (رب النوع ثروت)	lakṣmī m.
کوچك	laghu n.
سیلان	Lankā f.
خجلت	lajjā f.
گیاه خزنده یابالا رونده	latā f.
حاصل کردن	√ labh v.
نمك	lavaṇa n.
فایده	lābha m.
رعنایی	lāvaṇya n.
نوشتن	√ likh v.
سند-خط	lekha n.
ناحیه	loka m.
طمع	lobha m.
موی	loman n.
آهن	loha n.
سرخ - قرمز	lohita a.

سنسکریت	فارسی
lauha–kara m.	آهنگر
vaṃśa m.	خانواده
vakra a.	کج
vakṣas n.	سینه
√ vac v.	گفتن
vaṇij m.	طبقهٔ تجار
vatsa m.	بچه
√ vad v.	گفتن
vadha m.	قتل
vadhu f.	عروس
vana n.	جنگل-بیشه
vayam pro.	ما
vayas n.	سن
vara m.	شوهر-داماد
vara a.	بهتر
varāha m.	خوك
Varuṇa m.	ورونا (نام یکی از خدایان هندی)
varṇa m.	رنگ-فرقه
√ varṣ v.	باریدن
varṣa m.	سال
varṣā f.	باران
√ vas v.	زندگی کردن

سنسکریت	فارسی
vasu m.	ثروت
vastra n.	پارچه ـ لباس
√ vah v.	بردن
va part.	یا
vāc f.	سخن ـ نطق
vāṇijya n.	کالای تجارتی
vāta m.	باد
vātāyana n.	پنجره
vāpī f.	دریاچه
vāyasa m.	کلاغ
vāri n.	آب
vāsas n.	پارچه ـ لباس
viṁśa num.	بیست (۲۰)
vinśati num.	بیست (۲۰)
vikrama m.	دلیری
Vikramāditya n.	ویکرمادی تیا (نام یکی از پادشاهان هند)
vitta n.	ثروت
√ vid v.	دانستن
vidā f.	خدا حافظی
vidyā f.	دانش ـ علم
vidvat m.	دانشمند
vidhi m	قانون ـ طریقه

فارسی	سنسکریت
مردی که زنش مرده باشد	vidhura m.
فروتنی	vinaya m.
بدون	vinā pro.
جدایی	viyoga n.
ازدواج-زناشویی	vivāha m.
دانش	viveka n.
همه	viśva pro.
اعتماد	viśvāsa m.
زهر	viṣa n.
ویشنو (نام یکی از خدایان هندی)	Viṣṇu m.
پرنده	vihaga m.
خانقاه بودایی-عیش	vihāra m.
چیدن - انتخاب کردن	√ vṛ v.
گرگ	vṛka m.
درخت	vṛkṣa m.
شدن - بودن	√ vṛt v.
اضافه کردن	√ veṛdh
پیر	vṛddha m.
باریدن	√ vṛṣ v.
گاو نر	vṛṣabha m.
«ودا» کتاب مقدس هندیان	veda m.
فلسفهٔ ودا	vedānta m.
جایگاه قربانی	vedi f.

فارسی	سنسکریت
پزشک	vaidya m.
طبقهٔ تاجرپیشه	vaiśya m.
اعتیاد	vyasana n.
دستور زبان	vyākaraṇa n.
پلنگ	vyāghra m.
صیاد	vyādha m.

فارسی	سنسکریت
توانستن	√śak v.
گردونه ـ گاری	śakaṭa m.
شکونتلا (نام‌دختری ـ نام نمایشنامهٔ منسوب به کالیداس)	Shakuntalā f. prop.n
شک	śankā f.
صد (۱۰۰)	śata num.
دشمن	śatru m.
آهسته	śanais adv.
واژه	śabda m.
تخت‌خواب	śayyā f.
تیر	śara m.
پاییز	śarad f.
تن ـ جسم	śarīra n.
خرگوش	śaśaka m.
شاخ	śākhā f.

سنسکریت	فارسی
śānti f.	آرامش ـ صلح
√śās v.	حکومت کردن
śāli m.	شالی ـ شلتوک
śālā f.	خانه ـ منزل
śāstra m.	کتاب مقدس
√śikṣ v.	آموختن
śikhara m.	قله
śilā f.	صخره
śiras n.	سر
śivira n.	لشکر ـ اردو
śiśu m.	بچه ـ کودك
śisya m.	شاگرد
śīghra adv.	زود
śīta a.	سرد
śīla m.	اخلاق
śuka m.	طوطی
śubha a.	سعادتمند
√śubh v.	خوش‌آیندبودن
śūdra m.	طبقهٔ نجس
śūra m.	دلیر ـ شجاع
śourya n.	دلیری
śṛgāla m.	شغال

سنسکریت	فارسی
s'eṣa m.	باقی
s'rī f.	آقا
s'rīmat a.	آقا
s'rīmatī f.	خانم
s'ruti f.	ودا
s'vah adv.	فردا
s'vāna m.	سگ
s'veta a.	سفید
ṣaṣ num.	شش (٦)
ṣaṣṭi num.	شصت (٦۰)
ṣaṣṭha a.	ششم
ṣoḍas'a num.	شانزده (١٦)
sah pro.	او
sakhin m.	دوست
sakhī f.	دوست دختر
sangrāma m.	جنگ
sajjana m.	مرد نجیب
satya n.	راستی
satvara adv.	زود
√sad v.	نشستن
sadā adv.	همیشه
sandhyā f.	شب ـ عصر
santa m.	حکیم

سنسکریت	فارسی
sapta num.	هفت
saptati num.	هفتاد
saptama a.	هفتم
sabhā f.	مجلس ـ جلسه
samācāra m.	خبر
samāja m.	اجتماع
samīpa a.	نزدیک
samudra m.	دریا
sarit f.	رودخانه
sarpa m.	مار
sarva a.	همه
sarvatra adv.	هرجا
sarvadā adv.	همیشه
samprati adv.	اکنون
√ sah v.	تحمل کردن
saha adv.	با
sahasā adv.	ناگهان
sahasra n.	هزار (۱۰۰۰)
sādhu m.	درویش
sāyam adv.	عصر
sārathin m.	ارابه‌ران
sārasa m.	کلنگ ـ لک‌لک

سنسکریت	فارسی
sārikā f.	گنجشک
sāhasa n.	شجاعت
sāhāyya n.	کمک
siṁha m.	شیر (درنده)
sindhu m.	دریا ـ رودخانه
sīmā f.	مرز
Sītā prop. n. f.	سیتا (نام زن رام)
sukara n.	آسان
sukha n.	خوشی
sundara a.	زیبا ـ قشنگ
surā f.	شراب
suvarṇa n.	خوش‌رنگ ـ طلا ـ زر
suhṛd m.	دوست
sūda m.	آشپز
sūrya m.	آفتاب
setu m.	پل
senā f.	ارتش
sevaka m.	پیشخدمت ـ نوکر
√sev v.	خدمت کردن
sopāna n.	نردبان
soma m.	سوم (شرابی که درمراسم دینی بکار میبردند) ـ ماه

سنسکریت	فارسی
√sthā v.	ایستادن
sthāna n	مقام ـ مکان ـ محل
√snā v.	استحمام کردن
snāna n.	حمام گرفتن
√snih v.	محبت کردن ـ پسندیدن
√smṛ v.	یاد کردن
smṛti f.	کتاب قانون اجتماعی
sva a.	خود
√svap v.	خوابیدن
svapna m.	خواب
svayam adv.	خود
svarga m.	بهشت
svarṇakāra m.	زرگر
svalpa a.	کم
svasṛ f.	خواهر
svāmin m.	مالک
hata pt. pf..	کشته
√han v.	کشتن
haṁsa m.	قو
hariṇa m.	آهو
harit a.	سبز

فارسی	سنسکریت
دست	hasta m.
خندیدن	√has v.
ترک کردن	√ha v.
برف	hima n.
دزدیدن ـ بردن	√hṛ v.
آخر زمستان	hemanta m.
موبد دینی	hotā
جشن-قربانی	homa
دیروز	hyah adv.
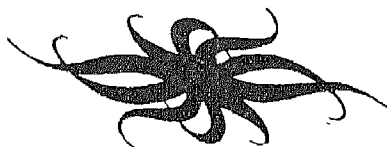
فهرست واژه های فارسی

در زیر، واژه‌هایی را که در واژه‌نامهٔ «سنسکریت ـ فارسی» آمده است به‌ترتیب با ذکر شمارهٔ صفحه‌ای که واژه در آن آمده‌است، می آوریم.

آ

الف

ب

پ

ت

ح

خ

د

ز

س

ش

ص

ط

ظ

ع

غ

گ

ل

م

ن

پاسخ تمرین‌ها

صفحهٔ ۴۵ تمرین

۱ـ طوطی‌را ـ پسربچه‌را ـ باسب ـ برای‌فیل ـ بوسیلهٔ مردم ـ بوسیلهٔ (برای ـ از) دوکبوتر ـ مال دو پسربچه ـ در سایه ـ با خر ـ مال دوروز ـ در گلها ـ برای سیتا ـ بوسیلهٔ لشکر ـ درمنزل.

صفحهٔ ۴۸ تمرین

۱ـ اواسب است ـ تو پسربچه هستی ـ من مرد هستم ـ رام شوهر سیتاست ـ شیرها درجنگل زندگی‌می کنند ـ حسن ازاسب‌می‌افتد ـ اودختر است ـ میوه می‌افتد ـ برگ ازدرخت می‌افتد ـ طوطی‌ها در درخت هستند ـ گلها در آب هستند ـ ما ازدرخت درآب می‌افتیم.

sah bālah asti. etāh bālāh santi. Kamalā kanyā Husainah ca bālah asti. vṛkṣe phalam asti. tvam vṛkṣāt patasi. gajah jale patati śālāyām puṣpāṇi santi. gajah vane asti. Sītā Janakasya Kanyā asti. te śālāyām santi.

صفحهٔ ۵۱ تمرین

۱ـ مردم درخانه زندگی‌میکنند ـ کبوتران بردرخت زندگی‌می کنند ـ فیل آب رودخانه را می‌نوشد ـ من در آسمان خورشید را می‌بینم ـ پسر معلم با مرتاض برودخانه میرود ـ اسب شاه را بشهر می‌برد ـ کلفت ها برای ملکه میوه‌هارا می‌برند ـ طوطی‌ها دردرختان میوه‌هارا می‌خورند ـ احمد گله‌را به جنگل می‌برد ـ پسر بچه‌ها درآسمان خورشیدرا می بینند ـ مرتاض درخانه نشسته است ـ رودخانه‌ها آب خودرا نمی‌نوشند ودرختان میوه‌های خود را نمی‌خورند ـ شیر دشمن خراست ـ تو بازن‌خود بشهر میروی.

tatra vṛkṣau stah. tvam kutra gacchasi? aham prātah phalam khādāmi. adya nagaram gacchāmah. adhunā sāyam asti. dināni āgacchanti gacchanti ca param vayam atra eva tiṣṭhāmah. bālāh katham puṣpāṇi nayanti? atra chāyā asti. yadi tvam vanam gacchasi aham api gacchāmi. bālāh phalāṇi khādanti hasanti ca. te aśvāh na santi kintu kharāh santi.

صفحهٔ ۵۳ تمرین

۱ـ دختر بامادر بشهر میرود ـ توباپدر کجا میروی؟ ـ فیل‌ها آهسته آهسته بسوی رودخانه میروند ـ مادر برای دختر میوه‌ها وگلها را می‌برد ـ اکنون ماکتاب‌را از استاد فرا می‌گیریم ـ امروز ما با پدر بشهر میرویم آیا توهم میروی؟ـ مردمان میوه‌های درختان‌را کجا می‌برند ـ هرجا که آتش‌است دود است ـ خورشید در آسمان همه‌جا میرود ومردمان آنرا می‌بینند ـ پسر باپدر سخن می‌گوید وپدر می‌خندد ـ «مالا» امروز صبح با برادرخود کجا میرود؟ـ زنان می‌خندند ومرد، ان می‌بینند.

bālāh pāṭham paṭhanti. paśavah vanam gacchanti. kapotāh phalāni khādanti. aham jalam pibāmi. dāsyah puṣpāṇi ānayanti. Paravīn bhānum paśyati. aśvāh chāyāyām tiṣṭhanti yūyam bālāsu hasatha. siṁhah kharasya māṁsaṁ khādati. janāh nagare vasanti khagāh ca vṛkṣeṣu vasanti.

صفحهٔ ۵٦ تمرین

امروز باد سرد می‌وزد ـ دیروز بابرادر خود به‌باغچه رفتم ـ آنجا درهرسو گلها را دیدم ـ صدا وگفتار زنان شیرین است ـ مرتاضی بـاسم «ویشوامیتر» بوسیلهٔریاضت «ایندرا» (خدای معروف‌هندیان) را فتح کرد ـ بوسیلهٔ آب، گل نیلوفروبوسیلهٔ گل‌نیلوفر آب می‌درخشد ـ درتاریکی چیزی‌را بچشم نمی‌بینیم ـ من‌به‌خانهٔ پزشك می‌روم ـ تو پسر بچه‌راکجا می‌بری؟ـ اکنون تاریك‌است ـ فیلها واسبها آب رودخانه‌را می‌نوشند ـ ما درآب گلهای زیبایی دیدیم ـ عروس تاجر، میوه‌ها وگلهارا بشهربرده‌است ـ فیلهای‌شاه برگها ومیوه‌های درختان را خوردند.

sah vṛkṣāt adhah patati. yūyam hyah kutra agacchata? purā Anuśīrvān nāma mahān rājā atra avasat . bālānām vāk madhurā bhavati. vaṇik puṣpāṇi phalāni ca nagaram nayati. Sīmā Rīmā ca rūpavatyau (sundaryau) bāle stah. nadyāh jalam madhuram asti. yadā śītah vātah calati narāh śālāyām gacchanti. adhunā tamah asti sṛgālāh ca āgacchanti.

صفحهٔ ۶۰ تمرین

۱ـ خدمتکاران ارباب خود را خدمت می کنند. خدمتکاران شاه بوسیلهٔ اسبها به‌آبگیر میروند ـ دیروز هیچ‌جا نرفتم و درخانهٔ خود نشستم ـ «اقبال» پسر بچهٔ خوبی است ـ هرروز پدر را خدمت می کند ـ شیر گوشت آهو را می‌خورد. ما در باغچهٔ خود گلها را می‌کاریم ـ ثروتمندان برای مسافرت سوار اسب میشوند ـ کبوتران از درختی بدرخت دیگر می‌پرند ـ آنان بوسیلهٔ پله‌ها بر بالای منزل رفتند ودر آنجا بابچه‌ها بازی کردند ـ شکونتالا شرمنده شد وهیچ نگفت فقط ساکت ایستاده بود

sevakāh kūpāt jalam ānayanti · bālāh paṭhaśālāyām krīḍanti. Rustamah balī vīrah ca āsīt. aham pitaram (pitre) patram likhāmi. tasya svasā mama bhrātrā nagaram gacchati. dhaninah yācakebhyah annam dadati. tatra ekah jalāśayah jalaena pūrṇah asti. aham sadā tvām tava putrān ca smarāmi. hyah gurh (śikṣakah) Ahamadam atāḍayat. khagāh akāśe utpatanti bālāh ca girim ārohanti. vīrah dukkham sukham ca kadā api na gaṇayati.

صفحهٔ ۶۲ تمرین

۱ـ عروس «را م» به نام «سیتا» دانشمند وزیبا بود ـ بزرگ بابزرگ ستیزه می کند ـ دختر کوچك احمد در هنگام عصر می‌رقصد ـ شاه پیشخدمت را به شهر می‌فرستد ـ شاهی دلیر بنام «نل» پسر ویرسن بود ـ شاه هرگونه باشد، مردم نیز همانطوراند ـ ثروتمندان پول می‌خواهند ولی گدایان فقط غذا می‌خواهند ـ مردان‌خوب به‌حیوانات‌اطمینان می کنند ـ خدمتکاران شاه مردم را سرشماری می کنند ـ بچه‌ها درباغچه بازی کردند واز درختان بالا میروند. عروس کوچکتر شاه «داشرت» میخواست که مردم را بجنگل تبعید کند ـ این وقت بهار است. گلها ازباغچه‌ها می‌خندند.

Kālidāsah vidvān kavihcaāsīt. Soharābasya svasā rūpavatī asti. te yācakāh dhanāya rājñah samīpam agacchan. asya narasya jyeṣṭhah

putrah Bhāratam agacchat, kanīyasī kanyā ca atra pāṭhaśālāyām paṭhati. guruh viduṣām sabhāyām vācam avadat. aham ātmanah pācakam tava gṛhe preṣayāmi. rājā sevakānām viśvāsam karoti. adhunā vayam na nṛtyāmah. mayūrāh parvateṣu nṛtyanti. aham svadeśāya, tebhyah vīrebhyah ca ye prāṇān atyajan namāmi, teṣām ādaram ca karomi.

صفحهٔ ٦٥ تمرین

۱ـ من فردا به شهر شیراز خواهم رفت ـ امروز در خانهٔ ما جشنی است بنابراین من میوه می‌خرم ـ شب خواهد رفت و صبح خواهد بود ـ آنجا در رودخانه اسب تو آب می‌نوشد ـ من کتاب ترا خواهم برد و فردا خواهم آورد ـ من به پزشك بسیار اعتقاد دارم چون وی خوب و دانشمند است ـ خدمتکار شما دیروز برای من میوه‌ها را آورد ـ هر سواری که بیاید، ما را بشهر خواهد برد ـ من ترا می‌شناسم و نیز پدر ترا می‌شناسم ـ رودخانه‌ها آب خود را نمی‌نوشند و درختان میوه‌های خود را نمی‌خورند.

niśāyām caurāh gṛham praviśanti. tava pitā mama gṛhe kadā *gamiṣyati? yathā narāh jīrṇāni vāsānsi tyajanti navāni* ca *dhāra*yanti tathā vayam navāni śarīrāṇi dhārayāmah. yūyam pustakāni kadā pathiṣyatha? yadi yūyam vṛkṣam ārohatha patiṣyatha. yat yānam āgamiṣyati asmān neṣyati. tava kanīyasī svasā adya mayā saha āgamiṣyati. yadi yūyam icchatha yuṣmabhyah phalāni kreṣyāmi. yad eva kāryam kurutha devah sarvam jānāti. nīcāh sadā yat kāryam ārabhante tyajanti kintu sujanāh yat vicārayanti kurvanti. kim yuṣmākam rājā asmat aśvam kreṣyati?

صفحهٔ ٦٨ تمرین

۱ ـ ابرها می‌بارند و غرّش می‌کنند ـ من برای این خروسها آب خواهم آورد ـ طوطی ماده همیشه با این طوطی نر صحبت می‌کند ـ بوسیلهٔ ماه، شب می‌درخشد و بوسیله شب، ماه می‌درخشد و بوسیلهٔ شب و ماه، آسمان می‌درخشد.

ماهیها درآبگیر وپرندگان درزمین زندگی می کنند ـ آن‌دختران در رودخانه شنا وآب تنی می کنند ـ این گنجشك سیاه را به احمد خواهم داد ـ پروین از باغچه میوه‌ها را می‌دزدد.

شعر :

۱ـ قوسفیداست وماهیخوار سفیداست، میان ماهیخوار وقو چه‌فرق‌است؟
برای جدا کردن‌آب‌وشیر، قو، قواست وماهیخوار، ماهیخواراست.
۲ـ زاغ سیاه‌است وکوکوسیاه است میان کوکو وزاغ چه فرق است؟
وقت بهار میرسد، زاغ، زاغ است وکوکو، کوکو است.

yadā ākāśe meghāh garjanti tadā mayūrāh nṛtyanti harṣanti ca. bālāh varṣāsu snānti. mama jyeṣṭhā bhaginī raktāni vāsānsi icchati. yācakasya kanyāh dhanāya nṛtyanti gāyanti ca. gāvah śvetāh param aśvāh kṛṣṇāh santi. vasante vṛkṣāh latāh ca navānti harit-varṇāni patrāṇi dhārayanti. śvetāh sārasāh ākaśe utpatanti. Husainasya patnī annam āneṣyati aham ca tat khādiṣyāmi. bālāh nadyām taranti hṛṣyanti ca. tava aśvasya kim varṇam asti?

صفحهٔ ۷۳

۱ـ من در مدرسه درسال اول درس می‌خوانم ـ شاه «دشرت» چهار پسر وسه‌زن داشت ـ من‌این‌چنین ۲۱ روز درخارج کشور زندگی کردم ـ شهر از این ده صد یوجن(۱) فاصله دارد ـ بچه‌ها اندك اندك باید بروند ومن سپس خواهم آمد ـ ای‌پروین چرا می‌خندی؛ اگرمعلم ترا ببیند خواهد زد ـ باید ابرها ببارند وبغرند وزمین‌را باآب پر کنند ـ هرکس باید صد دوست داشته باشد بهرگونه که باشند ـ یك‌پسر شایسته بهتراز صدپسرنادان است ـ «ویاس» نویسندهٔ ۱۸ پوران است ـ شاهان باید رعیت را نگاهداری کنند وابرها در هنگام مناسب ببارند ـ مهابهارات ودای پنجم‌است.

2– yadā pāṭhaśālām agaccham bhrātāram apaśyam. yadi janāh enam kāryam na karisyanti phalani lapsyante. mūrkhāh vidvatsu na śobhante yathā sārasāh hamsesu na śobhante. lobhāt krodhah jāyate (lobhah krodhasya kāraṇam). te kimartham mārgesu yācante yāvat na bhāṣate mūrkhah tāvad eva śobhate. yāvat aham nṛtyāmi tāvat sa bālā mām paśyati. muneh api jangale mitrāṇi śatravah ca jāyante. yāvat śiṣyah pāṭhaśālāyām vasanti guroh sevām kariṣyanti. dhīmantah yat kāryam ārabhante prayatnena kurvanti, kintu mūrkhāh yat kiṁcit prārabhante madhye eva tyajanti.

صفحهٔ ۷۷

۱ ـ در آسمان ستارگان می‌درخشند ـ بچه‌ها در باغچه ازخوردن میوه‌ها خوششان می‌آید ـ شاگردها استادرا برای علم خدمت می‌کنند ـ هنگامی که سیتا بارام بجنگل میرفت زیبا بنظرمیرسید ـ مردمان که مشغول خدمت‌بودند از شاه درخواست پول کردند ـ من میوه میل دارم ولی تو فقط شیرینی می‌خواهی ـ گوهر برای گوهرمناسب است ـ میل ازحرص بوجود می‌آید و

(۱) یوجن برابر ۲٫۵ میل است

خشمگینی از حرص پیدا می‌شود ـ مردی که به‌دین علاقه دارد دانشمند وشجاع میشود ـ شجاعانی که برای کشور خود کشته شدند به‌بهشت رسیده‌اند .

2—nadyāh tīre ekah mahān vṛkṣah āsīt. tasmin vṛkṣe trayah khagāh, dvau mūṣikau, ekah vānarah ca avasat. vānarah ati caturah āsīt. sadā khagānām mūṣikayoh ca sahāyatām akarot. ekasmin dine (ekadā) ati varṣāh avarṣan, kah api āharam ānetum bahih na agacchat. tasmin eva samaye ekah phala-vikretā tatra āgacchat, vṛkṣasya adhah ca atiṣṭhat. vānarah phalāni dṛṣṭvā kānicit ānayat. paścāt tāni phalāni khagebhyah mūṣikābhyām ca dattavān sarve api ca amodanta. idam kathyate, yat suhṛt sadā mitrāṇām sahāyatām karoti.

صفحهٔ ۸۰

۱ ـ درجنگلی شیری بنام « پنگلاك » زندگی می کرد ـ او دوشغال بعنوان وزیر بنام کرتك ودمنك داشت ـ وقتی تاجری برای تجارت با ارابه‌یی به کشوری رفت درجنگل گاونر ارابهٔ اولنگ شد ـ تاجر گاورا درهمانجا ترك کرد و گاو دیگری را آورد وباآن بوسیلهٔ ارابهٔ خود رفت. پس از چندی گاو نر لنگ نیرو یافت وباشیر دوست شد . ولی ازدوستی شیر و گاو آن دو شغال بسیار غمگین شدند. بتدریج آن‌دو میان گاو وشیر را برهم زدند. وقتی که شیر خشمگین شد گاورا کشت. وآن‌دو از کشته شدن گاو بسیار خوشحال شدند. این داستان در پنچاتانترا نوشته شده است.

2—Hasanah sarpam laguḍena hatavān. rāja Daryūṣah yuddhe vijayī abhavat ripūn ca parājitavān. rājā Nalah bhāryam jaṅgale tyaktavān. rakṣasām rājā Rāvaṇah Sitām Laṅkām nītavān. mayā śikṣakāya patram likhitaṁ sah ṣvah āgamiṣyati. asmin pustake kati pāṭhāh yuṣmābhi pathitāh. asmin pātre kena payah pitam? aham dāsebhyah dhanam vāsānsi phalāni ca dadāmi. Parvīn dvāri atiṣṭhat svasrā ca vārtām kṛtavatī. vāsasām bhārāṇi uṣṭraih pṛṣṭhe nīyante. vipatti-kāle mātā bālam arakṣat svayam ca nadyām patitā.

صفحهٔ ۸۴

تمرین

۱- درهرصورت شخص باید صد دوست بگیرد . آدمی باید درهنگام سختی صبر را از دست ندهد . شخص باید تاهنگامی که زندگی میکند خوشحال باشد. اگرچه وام دار باشد. ای پدر گرامیم من برای نگهداری رعیت‌های خود بشهر میروم . آدمی باید درختی را که دارای میوه وسایه است خدمت کند . ای پادشاه ارابه بایك چرخ حرکت نمیکند . شخص باید همیشه ببخشد وآب پاك بنوشد . پسری که بسال شانزده رسید باید مانند دوست با او رفتار کرد . همیشه بعد از استحمام باید مطالعه کرد . همیشه بعد از غذا باید سه‌قدم راه رفت . (۱)

2- yūyam mitraih saha kutra katham vā gacchatha? aham upavane sundarāṇi puṣpāṇi draṣṭum gacchāmi. nadyāh jalam nirmalam asti. aham snātum tatra gacchāmi. yāvat sūryah nabhasi asti tāvat kāryam samāptam kuru. kah api duṣṭānām vāci viśvāsam na karotu. mūrkhāya ajñāya vā kadā api upadeśah na dātavyah. jīvema varṣāṇām śatam. dhīrah sadā dhairyeṇa sva kāryam karoti. sarve sukhinah bhavantu, bhadrāṇi ca paśyantu. yūyam sadā vīrāh sukhinah ca bhavatha.

صفحهٔ ۸۸

ماهیها بوسیلهٔ تور گرفته شدند. آوازها بوسیلهٔ ما خوانده شدند . کودك بوسیلهٔ مار گزیده شد . مار بوسیلهٔ مردم و چوب کشته شد . غذا بوسیله خدمتکاران خورده شد . من پارچه را با آب میشویم . ای پادشاه آرزو بسیار نیرومند است و آرزو مردم را زندگی می‌بخشد. دریاچه بوسیلهٔ آب پر میشود. پادشاه فقط در کشور خود پرستیده میشود ولی دانشمند درهر کشوری مورد پرستش است . مردمان بدبه مملکت آزار میرسانند و مرد نیرومند کشور را نگهداری می کنند. بوسیلهٔ دختر کمربند بسته میشود. اجازه بده من امروز بکشور خارج بروم.

---

(۱) تمام این جمله ها دربین هندوان ضرب المثل است .

2- sujanāh sadā eva durjanaih pīḍyante. nṛpāh sadā deśan rakṣantu prajāyāh sahāyatām ca kurvantu sahāyatā upakārah ca yat mūrkhāṇām kṛyate, sarvam vyartham eva. vayam pāṭham pathāmah guruh ca asmān pāṭhayati. nāryah nadyāh jalena vāsānsi kṣālayanti. ye vīrāh upakārāya yuddham kurvanti sadā yaśah labhante. matsyāh jālaih badhyante. Rāmah pituh ājñayā vanam agacchat tatra ca avasat. Rāmah ṣad divasebhyah gṛhe atiṣṭhat paścāt bhāryām puram nītavān. sevakāh tāvat kāryam na kurvanti yāvat te bādhitāh na bhavanti.

صفحهٔ ۹۲

۱ ـ شاه کشور «هستیناپور» بنام «دوشینت» روزی برای شکار سوار ارابه شد ورفت. هنگامی که بدنبال آهویی میرفت به‌خانقاهی‌رسید. راننده‌را باارابه بیرون گذاشت وخود داخل خانقاه شد. درآنجا دختر زیبای مرتاض را دید. مرشد خانقاه بنام «کنو» درآن‌وقت به‌مسافرت رفته بود. بنابراین دختر از شاه پذیرایی کرد. از هنگامی‌که شاه آن دختر زیبای «کنو» رادید شیفتهٔ وی شد. نام‌آن‌دختر‌شکونتلا ودختر‌فرشته‌یی بود. شکونتلا نیز محبت خودرا به‌شاه نشان‌داد. پس‌هردو گرفتار دام محبت شدند وسرانجام باهم عروسی کردند. شاه شکونتلارا آنجا نشاند وبشهرخود باز گشت. داستان این‌دو را شاعری بنام‌کالیداس در درامی بنام شکونتلا بیان کرده است.

2- Gautama-Buddhah ekasya nṛpasya putrah āsīt. yadā sa yuvā abhavat rājña tasya vivāhah, kayā api rūpavatyā suśīlayā rājakanyayā kṛtah. kanyāyāh nāma āsīt Yeśodharā. nṛpah aicchat yat Gautamah sadā mṛgayā-nāṭakeṣu utsaveṣu gacchet deśasya sundarāni dṛśāṇi ca paśyet. kintu Gautamah svabhāvena vicitrah āsīt. sah jīvane bhogān na aicchat. ekadā niśāyām gṛham tyaktvā rathasya sārathinā saha tapase vanam agacchat. rājā rājñī ca ati ākulau duhkhitau ca abhavatām. tasya bhāryā patyuh viyoge bahu kṛśā abhavat sadā eva ca arudat. Gautamah vaneṣu saritām tīreṣu ca tāpasah abhyāsam kṛtavān. yadā sah jñānam labhavan tadā tasya nāma Buddhah abhavat.

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۳	وجه	وَاجَ
٤	۱۲	sena	senā
۷	۱۷	pancka	pancha
۱۰	۱۵	Qui	Qoi
۱۳	۱۹	پس‌از «علم پزشکی» باید (،) باشد	
۱۳	۲۳	هما	هئوما
۱٤	۵	کلمهٔ «این» پس‌از جمله «...در زمان حیات» زائد است.	
۱۵	۳	«–» پیش‌از کلمهٔ «مکتب» زائد است.	
۱۵	۱۲	تواتر	متواتر
۱۵	۲۲	۱۰۸	۱۲۰
۱٦	۵	«وایرانی وزبان‌سانسکریت	«وزبان‌فارسی وسنسکریت»
۱۸	۲۱	«ترکیبات‌ادبی وشعر بیان بسبك آراسته»	«ترکیبات‌ادبی وشعری و بسبکی نیکو آراسته»
۲۰	۲۰	پس‌از واژهٔ «برگزیده» افزوده شود «در».	
۲۵	۷	«چهار فصل»	«پنج فصل»
۳۲	۲۳	«پیتر»	«پیتری»
٤۳	۳	مؤنث	خنثی
٤۳	۸	gyāna	jñāna
٤۳	۱٤	jana	nara
٤٦	۱۵	kavibhih	kavibhih
٤۷	۹	matinām	matīnām
٤۷	۱۰	matisu	matiṣu
٤۷	۱٤–۲۰		

Nom. Voc. & Acc.	vāri	vārini	vārīṇi
Instr.	vāriṇā	vāribhyām	vāribhih
Dat.	vāriṇe	«	vāribhyah
Abl.	vāriṇah	«	«
Gen.	«	vāriṇoh	vārīṇām
Loc.	vāriṇi	«	vāriṣu

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۳	۱۹	anyām	nadīm

صفحه	سطر	غلط	درست
٥٦	٢٥	anyāt	anyat
		vṛkṣānam	vṛkṣāṇām
		agaccāma	agacchāma
٥٨	٤	دلو	چاه
٦١	١١	kālā	kāla
٦٩	٣	catakām	caṭakām
٦٩	١٦	«شادی کردند»	شادی کردن‌اند
٧٧	٧	rājnāh	rājñah
٧٩	١٩	path	paṭh
٧٩	٢٤	katha	kathā
٨٤	٤	نادرست	درست
٩١	٨	nāṭakam	nāṭaka
٩٢	١١	vivāhāh	vivāhah
٩٢	١٧–١٨	کثوماتا	کثوتاما
٩٦	٣	Gautamārāṇye	Gautamāraṇye
١٠٤	٣	5	6
١٠٦	١٠	hriyā	hṭyā
١٠٦	١٤	tranng	training
١٢٢	٢	part.	pt. pl.
		aṇga	aṅga
١٢٢	١٣	(اترو–ودای چهارم ودا)	اترو–ودا (بخش چهارم ودا)
١٢٦	١٢	ābhūṣaṅa	ābhūṣaṇa
١٢٧	١٧	Iva	iva
١٢٨	١٤	اوپانیشاد (کتاب هندیان باسم)	اوپانیشاد (نام کتاب هندیان)
١٣٢	١٧	kuṭa	kūṭa
١٣٤	١٠	khandaśah	khaṇḍaśah
١٣٦	١٥	چریدن–چریدن	چریدن
١٤٠	٧	trāyodaśa	trayodaśa
١٤١	١٩	durlabla	durlabha
١٤٥	٢١	paṇka	paṅka
١٥١	١٧	bhikṣa	bhikṣā
١٥٤	٢١	-yātrā مسافرت	-yatra جایی که
١٦٠	١٨	verdh	vṛdh
١٦٨	١١	آفریدن سه‌سطر بالاتر زیر آفتاب نوشته شود.	

فهرست انتشارات دانشگاه تهران

عنوان	مؤلف
۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ - A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ - آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
۴ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
۶ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰- نقشه برداری (جلد دوم)	» مهندس حسن شمسی
۱۱- گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲- اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول)	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱۴- روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۱۵- تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱۶- حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷- فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸- راهنمای دانشگاه	—
۱۹- مقررات دانشگاه	—
۲۰- درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱- راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲- راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳- Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲۴- موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲۵- حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲۶- زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷- هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸- اصول گداز و استخراج فلزات (جلد اول)	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹- اصول گداز و استخراج فلزات (» دوم)	» » »
۳۰- اصول گداز و استخراج فلزات (» سوم)	» » »
۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲- جنگل شناسی (جلد اول)	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- [illegible]	» » اسمعیل زاهدی

عنوان	مؤلف
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	تألیف دکتر مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» » امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس - دکتر نائینی
۴۵- روان‌شناسی کودك	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه (جلد اول)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیك «صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» » ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشك
۵۲- درس اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیك	» » آزرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی (جلد دوم)	» » زاهدی
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرك‌زاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره‌کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین
۶۶- مکانیك فیزیك	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	» » امیراعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۶۸- درمانشناسی (جلد اول)	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی (» دوم)	» » »
۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
۷۲- اقتصاد جلد اول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سید حسن غزنوی	تصحیح مدرس رضوی

عنوان	مؤلف
۷۶- [illegible]	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سنتتیک گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	تألیف دکتر جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمندی نژاد
۸۱- جنگل شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر مجید شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیک گازها	» دکتر غفاری
۸۶- آئین دادرسی در اسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو - دو ماه در پاریس	» » علی اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰- میکروب شناسی (جلد اول)	تألیف دکتر سهراب دکتر میردامادی
۹۱- میزراه (جلد اول)	» » حسین گلاژ
۹۲- » (جلد دوم)	» » » »
۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه (جلد دوم)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی	» دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
۹۶- » » (۴) - رگ شناسی	» » » »
۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی (جلد اول)	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸- هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹- جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» » بیانی
۱۰۱- کالبد شناسی توصیفی - استخوان شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳- آزمایش و تصفیهٔ آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵- فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- جغرافیای اقتصادی (جلد اول)	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- الکتریسیته و موارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹- تلخیص البیان عن مجازات القرآن	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱- شیمی آلی (جلد اول) تئوری و اصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیک» (جلد اول)	» » شیخ
۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص	» مهدی قمشهٔ
۱۱۴- امراض حلق و بینی و حنجره	» دکتر علیم مروستی

عنوان	مؤلف
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس سیبانی
۱۱۹- اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیك پزشكی	» دکتر فرهاد
۱۲۱- اکوستیك « صوت » (۲) مشخصات صوت - اوله - تار	» » اسمعیل بیگی
۱۲۲- جراحی فوری اطفال	تألیف دکتر مرعشی
۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم پزشکی (جلد اول)	» دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی فیزیك	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای گیاه	» » خبیری
۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق	» زین العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج بخش
۱۳۱- امراض واگیر دام	» » رستگار
۱۳۲- درس اللغة و الادب (۲)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- تك یاخته شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عضله و زیبائی پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷- طیف جذبی و اشعهٔ ایکس	» » فاضل زندی
۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان شناسی (از لحاظ تربیت)	» » علی اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیك (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیك عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی (جلد اول)	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیك نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی (جلد اول)	» سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل بویه
۱۵۱- اندام شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	» » اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	» بازارگادی

۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری — بتصحیح علی اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی — تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) (جلد اول) — « دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب — « « صادق صبا
۱۶۲- آسیب‌شناسی عملی — « « حسین رحمتیان
۱۶۳- احتمالات و آمار — « « مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسیته صنعتی — تألیف دکتر محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری — « « محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده) — « « علی اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیك (تابش) — « « روشن
۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم) — « علینقی منزوی
۱۶۹- « « « « « (جلد سوم-قسمت اول) « محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- رساله بود و نمود — « محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه‌عباس اول — « نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلد سوم) — بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه — « « «
۱۷٤ تاریخ مصر (جلد اول) — تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولوآندوتلیال — « دکتر آرمین
۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیك — « مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷- فیزیولژی (طب عمومی) — نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعهٔ ایکس) — « « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم) — « احمد بهمنش
۱۸۰- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین — « دکتر صدیق اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم-قسمت دوم) « محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری — « دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته — « « رحیمی
۱۸٤- پیوره — « « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله — « محمد سنگلجی
۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلد دوم) — « دکتر آرمین
۱۸۷- یادداشت‌های مرحوم قزوینی — فراهم آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم) — تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول) — « « مستوفی
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول) — « « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول) — « مهندس خلیلی
۱۹۲- حساب جامع و فاضل — نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳- مبدء و معاد — ترجمه آقای محمود شهابی
۱۹٤- تاریخ ادبیات روسی — تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم) — « « « «

۱۹۶- درمان تراخم با الکترو کوآگولاسیون	دکتر پروفسور شمس
۱۹۷- شیمی و فیزیک (جلد اول)	« « توسلی
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰- علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲- پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳- علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴- قواعدفقه	« آقای محمودشهابی
۲۰۵- تاریخ‌سیاسی‌ودیپلوماسی‌ایران	« دکتر علی‌اکبربینا
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن‌سینا	« مهدوی
۲۰۷- مخارج‌الحروف	تصحیح‌وترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸- عیون الحکمه	ازابن‌سینا ـ چاپ عکسی
۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف‌دکترمافی
۲۱۰- میکرب‌شناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب‌ـ دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس‌دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق‌مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- ماخذقصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیک استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیک (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی وانتقال خون	« دکتریحیی پویا
۲۱۸- فیزیک ، ترمودینامیک (جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات‌عصبانی یانورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی‌توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم ـ دکترحکیم دکتر کیهانی‌ـ‌دکترنجم‌آبادی‌ـ دکتر نیک‌نفس
۲۲۳- علم‌الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیک‌عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی‌معدنی‌فلزات (جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی‌آزردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول‌الصرف	« علی‌اکبرشهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی‌ایران	تألیف دکترعلی‌کنی
۲۳۰- فیزیک، ترمودینامیک (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای‌دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق

عنوان	مؤلف
۲۳۴– جغرافیای کشاورزی ایران	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵– ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۱)	« آقای سید محمد سبزواری
۲۳۶– احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷– اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸– خون‌شناسی عملی (جلد اول)	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹– تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰– شیمی تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱– دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲– پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳– بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا
۲۴۴– اقتصاد کشاورزی	نگارش دکتر احمد هومن
۲۴۵– علم العلامات (جلد سوم)	« « میمندی نژاد
۲۴۶– بتن آرمه (۲)	« آقای مهندس خلیلی
۲۴۷– هندسهٔ دیفرانسیل	« دکتر بهفروز
۲۴۸– فیزیولوژی گل و رده بندی تک لپه‌ایها	تألیف دکتر زاهدی
۲۴۹– تاریخ زندیه	« « هادی هدایتی
۲۵۰– ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)	« آقای سبزواری
۲۵۱– حقوق مدنی (۲)	« « دکتر امامی
۲۵۲– دفتر دانش و ادب (جزء دوم)	—
۲۵۳– یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب ، ت ، ث ، ج)	« ایرج افشار
۲۵۴– تفوق و برتری اسپانیا	« دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵– تیره شناسی (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲۵۶– کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار و تناسل - پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک نفس
۲۵۷– حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸– کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل‌شناسی مقایسه‌ای)	« « میربابائی
۲۵۹– اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق	« مهندس احمد رضوی
۲۶۰– بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
۲۶۱– سرطان‌شناسی (جلد اول)	« « آرمین
۲۶۲– شکسته بندی (جلد سوم)	« « امیرکیا
۲۶۳– بیماریهای واگیر (جلد دوم)	« « بینش‌ور
۲۶۴– انگل‌شناسی (بندپائیان)	« « عزیز رفیعی
۲۶۵– بیماریهای درونی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۶۶– دامپروری عمومی (جلد اول)	« « بهرامی
۲۶۷– فیزیولوژی (جلد دوم)	« « علی کاتوزیان
۲۶۸– شعر فارسی (در عهد شاهرخ)	« « یارشاطر
۲۶۹– فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)	نگارش ناصرقلی رادسر
۲۷۰– منطق التلویحات	« دکتر فیاض
۲۷۱– حقوق جنائی	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی
۲۷۲– سمیولوژی اعصاب	« « « چهرازی

۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹) (دستگاه تولید صوت و تنفس) — تالیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس

۲۷٤- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی — نگارش دکتر محسن صبا

۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو — « « جناب دکتر بازرگان

۲۷٦- امکان آلوده کردن آبهای مشروب — نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژاد

۲۷۷- مدخل منطق صورت — نگارش دکتر غلامحسین مصاحب

۲۷۸- ویروسها — « « فرج‌الله شفا

۲۷۹- تالفیت‌ها (آلکها) — « « عزت‌الله خبیری

۲۸۰- گیاه‌شناسی سیستماتیك — « « محمد درویش

۲۸۱- تیره‌شناسی (جلد دوم) — « « پارسا

۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی — « مدرس رضوی

۲۸۳- احادیث مثنوی — « آقای فروزانفر

۲۸٤- قواعد النحو — « قاسم تویسرکانی

۲۸۵- آزمایشهای فیزیك — « دکتر محمدباقر محمودیان

۲۸٦- پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی — « « محمود نجم آبادی

۲۸۷- بیماریهای خون (جلد سوم) — نگارش دکتر یحیی پویا

۲۸۸- جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول — « « احمد شفائی

۲۸۹- مکانیك فیزیك (اندازه گیری مکانیك نقطه مادی وفرضیه نسبی) (چاپ دوم) — تألیف دکتر کمال‌الدین جناب

۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه) — « « محمدتقی قوامیان

۲۹۱- اکوستیك (صوت) چاپ دوم — « « ضیاءالدین اسماعیل بیگی

۲۹۲- چهار مقاله — بتصحیح « محمد معین

۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها) — نگارش « منشی‌زاده

۲۹٤- کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن - سلسلهٔ اعصاب مرکزی — « « نعمت‌الله کیهانی

۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم — « « محمد محمدی

۲۹٦- سه گفتار خواجه طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۷- Sur les espaces de Riemann — نگارش دکتر هشترودی

۲۹۸- فصول خواجه طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۹- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش سوم — نگارش محمدتقی دانش‌پژوه

۳۰۰- الرسالة المعینیة — « « «

۳۰۱- آغاز و انجام — « ایرج افشار

۳۰۲- رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی — بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۳۰۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش چهارم — « « «

۳۰٤- حل مشکلات معینیه خواجه نصیر — « « «

۳۰۵- مقدمه قدیم اخلاق ناصری — « جلال‌الدین همائی

۳۰٦- بیوگرافی خواجه نصیر الدین طوسی (بزبان فرانسه) — نگارش دکتر امشه‌ای

۳۰۷- رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب — « مدرس رضوی

۳۰۸- مجموعهٔ رسائل خواجه نصیر الدین — « « «

- گویش آشتیان — تألیف دکتر صادق کیا
- کالبد شکافی (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه) — نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
- ایران بعد از اسلام — » عباس خلیلی
- تاریخ مصر قدیم (جلداول چاپ دوم) — » دکتر احمد بهمنش
- آرگلو نیاتها (۱) سرخس‌ها — » » خبیری
- شیمی صنعتی (جلد اول) — » » رادفر
- فیزیک عمومی الکتریسیته (جلد اول) — » » روشن
- مبادی علم هوا شناسی — » » احمد سعادت
- منطق و روش شناسی — » » علی اکبر سیاسی
- الکترونیک (جلد اول) — » » رحیمی قاجار
- فرهنگ غفاری (جلد دوم) — » مهندس جلال‌الدین غفاری
- حکمت الهی عام وخاص (جلد دوم) — » محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
- گنج جواهر دانش (٤) — » حسن آل طه
- فن کالبد گشائی و آسیب شناسی — » دکتر محمدکار
- فرهنگ غفاری (جلد سوم) — » مهندس جلال‌الدین غفاری
- مزدا پرستی در ایران قدیم — » دکتر ذبیح‌الله صفا
- اصول روشهای ریاضی آمار — » » افضلی پور
- تاریخ مصر قدیم (جلد دوم) — » » دکتر احمد بهمنش
- عدد من بلغاء ایران فی اللغة — » قاسم تویسرکانی
- علم اخلاق (نظری وعملی) — » دکتر علی اکبر سیاسی
- ادوار فقه (جلد دوم) — » آقای محمود شهابی
- جراحی عملی دهان ودندان (جلد دوم) — نگارش دکتر کاظم سیمجور
- فیزیولژی بالینی — » » گیتی
- سهم الارث — » نصر اصفهانی
- جبر آنالیز — » دکتر محمدعلی مجتهدی
- هوا شناسی (جلد اول) — » » محمد منجمی
- بیماریهای درونی (جلد سوم) — » » میمندی نژاد
- مبانی فلسفه — » » علی اکبر سیاسی
- فرهنگ غفاری (جلد چهارم) — » مهندس امیر جلال‌الدین غفاری
- هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم) — » دکتر احمد سادات عقیلی
- کالبد شناسی (عضله‌شناسی مقایسه‌ای) (جلد پنجم) — » » میر بابائی
- سالنامه دانشگاه ۱۳۳۶-۱۳۳۵ — -
- یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی — نگارش دکتر صفا
- تئوریهای اساسی ژنتیک — » » آزرم
- فولاد وعملیات حرارتی آن — » مهندس هوشنگ خسرویار
- تأسیسات آبی — » مهندس عبدالله ریاضی
- بیماریهای اعصاب (جلد نخست) — نگارش دکتر صادق صبا
- مکانیک عمومی (جلد دوم) — » دکتر مجتبی ریاضی

شماره و عنوان	نگارنده
۴۲۲ ـ صنایع شیمی معدنی (جلداول)	» مهندس مرتضی قاسمی
۴۲۳ ـ مکانیک استدلالی	» پرفسور تقی فاطمی
۴۲۴ ـ تاریخ فرهنگ ایران	» دکتر عیسی صدیق
۴۲۵ ـ شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم)	» زین العابدین ذوالمجدین
۴۲۶ ـ حکیم ازرقی هروی	بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
۴۲۷ ـ علوم عقلی	نگارش دکتر ذبیح الله صفا
۴۲۸ ـ شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۴۲۹ ـ فیزیک الکتریسیته (جلد دوم)	» » روشن
۴۳۰ ـ کلیات شمس تبریزی	با تصحیحات وحواشی آقای فروزانفر
۴۳۱ ـ کانی شناسی (تحقیق دربارهٔ بعضی ازکانهای جزیره هرمز)	نگارش دکتر عبدالکریم قریب
۴۳۲ ـ فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)	» امیرجلاالدین غفاری
۴۳۳ ـ ریاضیات درشیمی (جلد دوم)	» دکترهورفر
۴۳۴ ـ تحقیق درفهم بشر	ترجمه دکتر رضازاده شفق
۴۳۵ ـ السعادة والاسعار	بتصحیح مجتبی مینوی
۴۳۶ ـ تاریخ فرهنگ اروپا	نگارش دکترعیسی صدیق
۴۳۷ ـ نقشه برداری (جلددوم)	» مهندس حسن شمسی
۴۳۸ ـ بیماریهای گیاه (تجدیدچاپ)	» دکتر خبیری
۴۳۹ ـ حقوق مدنی (جلد سوم)	» دکتر سیدحسن امامی
۴۴۰ ـ سخنرانیهای آقای انیس المقدسی	(استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)
۴۴۱ ـ دردشناسی دندان (جلد دوم)	نگارش دکتر محمودسیاسی
۴۴۲ ـ حقوق اساسی فرانسه	» » قاسم زاده
۴۴۳ ـ حقوق عمومی واداری	» » شیدفر
۴۴۴ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم)	» » میمندی نژاد
۴۴۵ ـ شیمی عمومی معدنی فلزات	» » شیروانی
۴۴۶ ـ فسیل شناسی	» » فرشاد
۴۴۷ ـ فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد ششم)	نگارش امیرجلال الدین غفاری
۴۴۸ ـ تحقیق درتاریخ قندسازی ایران	» مهندس ابرهیم ریاحی
۴۴۹ ـ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران	» دکترحسین گل گلاب
۴۵۰ ـ جراحی فك وصورت (جلد دوم)	» » حسین مهدوی
۴۵۱ ـ تاریخ هرودت	» » هادی هدایتی
۴۵۲ ـ تاریخ دیپلماسی عمومی (چاپ دوم)	» » حسن ستوده تهرانی
۴۵۳ ـ سازمان فرهنگی ایران (تجدید چاپ)	» » علی کنی
۴۵۴ ـ مسائل گوناگون پزشکی	» » محمدعلی مولوی
۴۵۵ ـ فیزیك الکتریسته (جلد سوم)	» » روشن
۴۵۶ ـ جامعه شناسی یاعلم الاجتماع	» » یحیی مهدوی
۴۵۷ ـ اورمی	» » رفعت
۴۵۸ ـ بهداشت عمومی (پیش گیری بیماریهای واگیر)	نگارش دکتراعتمادیان
۴۵۹ ـ تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم)	» مرحوم دکترحسن شهید نورائی
۴۶۰ ـ تبصره ودورسالهٔ دیگردرمنطق	بکوشش دانش پژوه
۴۶۱ ـ مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم)	نگارش دکتر مولوی

عنوان	مؤلف
۳۰۹ ـ سرگذشت وعقاید فلسفی خواجه نصیر الدین طوسی	» محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱۰ ـ فیزیك (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) کتاب هفتم	» دکتر روشن
۳۱۱ ـ رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی	بکوشش اکبر دانا سرشت
۳۱۲ ـ آلرژی بیماریهای ناشی از آن	تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ ـ راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ	—
۳۱۴ ـ احوال و آثار محمد بن جریری طبری	تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ ـ مکانیك سینماتیك	» دکتر احمد وزیری
۳۱۶ ـ مقدمه روانشناسی (قسمت اول)	» دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ ـ دامپروری (جلد دوم)	» « تقی بهرامی
۳۱۸ ـ تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)	» « ابوالحسن شیخ
۳۱۹ ـ جغرافیای اقتصادی (جلد دوم)	» » عزیزی
۳۲۰ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترك انسان ودام)	» » میمندی نژاد
۳۲۱ ـ اصول نظریه ریاضی احتمال	تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ ـ رده بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان	» » زاهدی
۳۲۳ ـ قوانین مالیه و محاسبات عمومی و مطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	» » جزایری
۳۲۴ ـ کالبدشناسی انسانی (۱) سروگردن (توصیفی ـ موضعی ـ طرز تشریح)	» » منوچهر حکیم و » سیدحسین گنج بخش
۳۲۵ ـ ایمنی شناسی (جلد اول)	» » میردامادی
۳۲۶ ـ حکمت الهی عام وخاص (تجدید چاپ)	» آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ ـ اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱)	» دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ ـ اصول استخراج معادن	» مهندس محمودی
۳۲۹ ـ مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی ومالی	جمع آوری دکتر کی نیا
۳۳۰ ـ شلیمر	دانشکده پزشکی
۳۳۱ ـ تجزیه ادرار	مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ ـ جراحی فك وصورت	تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳۳ ـ فلسفه آموزش وپرورش	» » امیرهوشمند
۳۳۴ ـ اکوستیك (۲) صوت	» » اسماعیل بیگی
۳۳۵ ـ الکتریسته صنعتی (جلد اول چاپ دوم)	» مهندس زنگنه
۳۳۶ ـ سالنامه دانشگاه	—
۳۳۷ ـ فیزیك جلد هشتم ـ کارهای آزمایشگاه ومسائل ترمودینامیك	» دکتر روشن
۳۳۸ ـ تاریخ اسلام (چاپ دوم)	» » فیاض
۳۳۹ ـ هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	» » وحدتی
۳۴۰ ـ آداب اللغة العربية وتاريخها (۱)	» » محمد محمدی
۳۴۱ ـ حل مسائل ریاضیات عمومی	تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ ـ جوامع الحکایات	» » محمد معین
۳۴۳ ـ شیمی تحلیلی	» مهندس قاسمی

عنوان	مؤلف / مترجم
۳۴۴ ـ ارادهٔ معطوف بقدرت (اثر نیچه)	ترجمه دکتر هوشیار
۳۴۵ ـ دفتر دانش و ادب (جلد سوم)	مقالهٔ دکتر مهدوی
۳۴۶ ـ حقوق مدنی (جلد اول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی
۳۴۷ ـ نمایشنامه لوسید	ترجمهٔ دکتر سپهبدی
۳۴۸ ـ آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر جنیدی
۳۴۹ ـ روش شیمی تجزیه (۱)	» » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ ـ هندسهٔ ترسیمی	» » جمال عصار
۳۵۱ ـ اصول الصرف	» علی اکبر شهابی
۳۵۲ ـ استخراج نفت (جلد اول)	» دکتر جلال الدین توانا
۳۵۳ ـ سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان	ترجمه دکتر سیاسی ـ دکتر سیمجور
۳۵۴ ـ کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ ـ فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵۶ ـ اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ ـ بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	» خبیری
۳۵۸ ـ بیماریهای مغز و روان (۳)	» حسین رضاعی
۳۵۹ ـ آئین دادرسی در اسلام (تجدیدچاپ)	آقای محمد سنگلجی
۳۶۰ ـ تقریرات اصول	» محمود شهابی
۳۶۱ ـ کالبد شکافی توصیفی (جلد ۴ ـ عضله شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابائی
۳۶۲ ـ الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	» سبزواری
۳۶۳ ـ بی‌حسی‌های ناحیه‌ای در دندان پزشکی	» دکتر محمود مستوفی
۳۶۴ ـ چشم و بیماریهای آن	تألیف دکتر باستان
۳۶۵ ـ هندسهٔ تحلیلی	» » مصطفی کامکار پارسی
۳۶۶ ـ شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	» » ابوالحسن شیخ
۳۶۷ ـ پزشکی عملی	» » ابوالقاسم نجم آبادی
۳۶۸ ـ اصول آموزش و پرورش (چاپ سوم)	» » هوشیار
۳۶۹ ـ پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ ـ جراحی عملی دهان و دندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ ـ درد شناسی دندان (۱)	» » محمود سیاسی
۳۷۲ ـ مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	ـ
۳۷۳ ـ تیره شناسی (جلد سوم)	» » احمد پارسا
۳۷۴ ـ المعجم	بتصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ ـ جواهر الآثار (ترجمهٔ مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷۶ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ ـ Textes Français	» بانو نفیسی
۳۷۸ ـ شیمی فیزیك (جلد دوم)	» دکتر علی اکبر توسلی
۳۷۹ ـ زیباشناسی	» آقای علینقی وزیری
۳۸۰ ـ بیماریهای مشترك انسان و دام	» دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ ـ فرزان تن و روان	» » بصیر
۳۸۲ ـ بهبود نسل بشر	» » محمد علی مولوی

٤٦٢ - کلیات شمس تبریزی (جزوه دوم)	تصحیح فروزانفر
٤٦٣ - ارتدنسی (جلد اول)	نگارش دکتر ریاض
٤٦٤ - یادداشتهای قزوینی (جلد اول)	بکوشش ایرج افشار
٤٦٥ - فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران	« سایمون جرویس رید
٤٦٦ - تاریخ دیپلوماسی جلد اول	نگارش دکتر بینا
٤٦٧ - مینودر - یاباب الجنه	« محمدعلی گلریز
٤٦٨ - فلسفه عالی یاحکمت صدرالمتألهین	ترجمه جواد مصلح
٤٦٩ - کالبد شناسی انسانی (تنه)	نگارش پرفسور حکیم
٤٧٠ - شیمی آلی	« دکتر شیخ
٤٧١ - بابا افضل کاشی (جلد دوم)	« « مهدوی
٤٧٢ - تجزیه سنگهای معدنی	« مهندس محمدرضا رجالی
٤٧٣ - اکوستیك	« دکتر اسمعیل بیگی
٤٧٤ - تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	« « محسن عزیزی
٤٧٥ - راهنمای زبان اردو (جلد اول)	« « سیدباحیدر شهریار
٤٧٦ - تشخیص جراحی‌های فوری شکم	« « امان‌الله وزیرزاده
٤٧٧ - اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی (تجدید چاپ)	« « محسن صبا
٤٧٨ - جواهر الاثار در ترجمه مثنوی (جلد دوم)	« « جواهر کلام
٤٧٩ - لغات واصطلاحات مثنوی (جلد اول)	« « گوهرین
٤٨٠ - تاریخ دامپزشکی (جلد اول)	« « میمندی نژاد
٤٨١ - نشانه شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
٤٨٢ - حساب عددی ترسیمی	« مهندس ریاضی
٤٨٣ - شرح تبصره آیت‌الله علامه حلی جلد دوم (چاپ دوم)	« زین العابدین ذوالمجدین
٤٨٤ - ترمودینامیك جلد اول (چاپ دوم)	« دکتر روشن
٤٨٥ - کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی	« ایرج افشار
٤٨٦ - واژه‌نامه فارسی (بخش ۴ معیار جمالی)	« دکتر صادق کیا
٤٨٧ - دیوان قصائد - هزار غزل - مقطعات	« تقی دانش
٤٨٨ - مکانیك عمومی (جلد اول)	« دکتر مجتبی ریاضی
٤٨٩ - میکرب‌شناسی وزینهاری‌شناسی عمومی	« دکتر کاوه - دکتر احمد شیمی
٤٩٠ - حقوق جنائی (۱) (تجدید چاپ)	« « غلامحسین علی‌آبادی
٤٩١ - داروهای جالینوسی (۴) (تجدید چاپ)	« « صادق مقدم
٤٩٢ - روش تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان (تجدید چاپ)	« « باژارگادی
٤٩٣ - اندام‌شناسی اسب	« « محمود یزدی‌زاده
٤٩٤ - شیمی آلی (جلد اول)	« « نادر شرقی
٤٩٥ - بیماریهای دندان	« « محمود سیاسی
٤٩٦ - راهنمای مذهب شافعی (جلداول)	« حاج سیدمحمد شیخ‌الاسلام کردستانی
٤٩٧ - مفرد وجمع و معرفه و نکره	« دکتر محمد معین
٤٩٨ - بافت شناسی	« « ناصرالدین بامشاد (علوی)

٤٩٩ ـ هیدرلیك (تجدید چاپ)	نگارش آقای مهندس ریاضی
٥٠٠ ـ مؤلفات و مصنفات رازی	» دکتر محمود نجم‌آبادی
٥٠١ ـ روشهای نوین سرم شناسی	» » نظری
٥٠٢ ـ شیمی آنالیتیك	» » حسین زادمرد
٥٠٣ ـ مکانیك سیالات	» » احمد وزیری
٥٠٤ ـ فلور ایران (جلد هفتم)	» » احمد پارسا
٥٠٥ ـ شیمی مختصر آلی	» » پریمن
٥٠٦ ـ راهنمای دانشگاه (انگلیسی)	— —
٥٠٧ ـ فرهنگ غفاری (جلد هفتم)	» امیر جلال‌الدین غفاری
٥٠٨ ـ » » (جلد هشتم)	» » »
٥٠٩ ـ نام علمی گیاهان ـ واژه‌نامه گیاهی به انگلیسی ـ فرانسه ـ آلمانی ـ عربی ـ فارسی	» دکتر اسمعیل زاهدی
٥١٠ ـ بیوشیمی	» آقای دکتر گاگیك
٥١١ ـ سرطان شناسی (جلد دوم)	» » کمال آرمین
٥١٢ ـ مکانیك صنعتی (مقاومت مصالح)	» مهندس محمدی
٥١٣ ـ فرهنگنامه‌های عربی بفارسی	» علینقی منزوی
٥١٤ ـ وزن شعر فارسی	» دکتر پرویز ناتل خانلری
٥١٥ ـ سرزمین هند	» علی اصغر حکمت
٥١٦ ـ مقدمه روان‌شناسی (تجدید چاپ با اصلاحات)	» دکتر مهدی جلالی
٥١٧ ـ یادداشتهای قزوینی (جلد چهارم)	» ایرج افشار
٥١٨ ـ پزشکی قانونی	» آقای دکتر یاسمی
٥٨٩ ـ کلیات صنعت قندسازی	» » مهندس ابراهیم ریاحی
٥٢٠ ـ وزارت در عهد سلاطین بزرك سلجوقی	» مرحوم عباس اقبال